



بهاه ۳۰ ریال

سال سوم - دوشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۶۰

۱۰۵

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

نگاهی به تجارت و درس‌های یک اتحاد عمل

نگاهی به همکاری مشترک ماوراءالنطاقی فدایی در اول ماه مه
سنه ۱۷

اطلاعیه اعلام هویت بخشی از: "وحدت انقلابی برای آزادی طبقه کارگر"

سازمان متشکلات وحدت انقلابی که کوشش شده بود ملهمه‌ای از گراپیات مختلف ایدئولوژیک را در یک سازمان واحد گرداند و بدین بعد از این مهارهای مختلف موجود در آن بنابراین هیئت ایدئولوژیک طبقاتی شان برخط خوش حرکت نمودند. اطلاعیه زیرگاه اعلام هویت بخشی از وحدت انقلابی است که سوزی سازمان سنت گیری نموده و در حال ادغام با آن مستند، بیان هویت سایه ایدئولوژیک یک جریان منشعب از آن و ماحصل می‌باشد. ایدئولوژیک است که مورث قاطع سا انتقامی و تزشكیلات دوران گذار و زاده اتحاد طلبانه آن مورث گرفت. ما ضمن تبریک به این رفقاء در طرودونی کامل اتحاد طلبی و مضمون ایدئولوژیک آن، بیروزی این رفقا در شکستن و فروریختن آن طرف تشكیلاتی که رفاقتی فراوانی را به این سیاستها نشاند. طلبی سوق داده بود، بیروزی سایر هم‌بیشتر آنها را در مسیر راه بالاتر چا و میرایا لیسم درستگردید و همچنین می‌باشد راه انتقامی غیربرولتری در جهش کمونیستی آرزو می‌کنیم.

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
بقیه در صفحه ۲۲

در صفحات دیگر این شماره:

- اعتراض غذای زندانیان سیاسی انقلابی در قبرمان شهر صفحه ۱۰
- ترور ب مجرم فروشن نشریه پیکار صفحه ۱۰
- بایی سندز: مشت برآفراسته و پرکننده خلق ایرلند صفحه ۱۵
- مجاهدین: باز هم تزلزل در راه انقلاب صفحه ۲۴
- شباهای کمونیستی: در بیجه‌ای بسوی دنیای زیبای کمونیسم صفحه ۳۱

هم سرمهقاله

چماق و نان شیرینی
دور روی سکه سیاست

جدید رژیم

از همان آغاز سال جدید، کمیت الله خمینی بیان منور وزی خود را منتشر کرده و بود که رژیم جمهوری اسلامی در سال جدید و با "درس گیری" از "تجارت" خود در سال گذشته، سیاست جدیدی را در متن اساسی اش با نیروهای سیاسی در پیش می‌گیرد. آیت الله خمینی در آن پیام، وعد داده بود که نیروهای سیاسی در صورتیکه از گذشته خود را زیبی‌مانند نمایند و دست از "فعالیت مسلح" نیز علیه جمهوری اسلامی بودا رند، میتوانند به آنکه اسلام" بازگردند. بنی صدر نیز در همان زمان و پس از ملاقاتی با خمینی، در یک مصاحبه گفت که آیت الله خمینی "بحث آزاد" با نیروهای سیاسی را تأثیرگذارد و "تفصیل قانونی" برای حفظ آنها در هنگام "میانه" را لازم شمرده است!

حدائق دستمزد

برای انسان

آمار رسمی رژیم

چقدر باید باشد؟

سنه ۳

هر اس مهندس بازرگان از چیست؟

صفحه ۱۱

اشغال فلسطین

و ۳۳ سال
مقاومت خلق

سنه ۷

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

سرنوش سی اسی حینش توده ها را به سرنوشت
ساسی شروهای سی اسی بیوندزده است. بدین
معنی که همکنون میاره طبقاتی در جامعه،
مکنی از مهمترین عرصه های ظیهو و سلور خوبیش
را در منازعات میان شروها و حزا ب سی اسی
اشغالی و پدا نقلالی بازمیابد. رشد این
منازعات و درگیری های سی اسی، انعکاس و
نمود روا فعالی رندوا علای اشغالی جنگیش
توده هاست. این واقعیتی است که نمیتوان از
آن بهادارگی کذشت. و درست همین واقعیت است
که درکنار دیدگر واقعیت هاش کهیدان اشاره
کردسم، رژیمجمهوری اسلامی را به مت اتخاذ
مشی و سیاست حدبیدی سوق میدهد.

رژیمجمهوری اسلامی، از همان ابتدای سال
راهبرون رفت از بحران پیش زمینه خود را در این
دیدگاه اولاً مرزیماً دوستان و دشمنان خود را
برخوبی ترسیم کند و از تسریع بسیاره به دوستان
روغن انتقال و دشمنان واقعی آن دست بر -
دارد، شناسی نشروعهای متزلزل و ناشی پیکرها را
تفشی شنا بدین جذب خوبی سازد و شنا لذت بدین
ترتیب با تقویت با بههای احتمامی و سیاسی
خوش و متفق سلا تضمیف با بههای حبیبه انتقلاب
بر ایخط سرکوب انقلاب و نشروعهای سیاسی انقلابی
اسطه، منمک میمیست سازد.

این سیاست، درواقع، همان سیاست معروف
همماق و نان شرسینی است که اینها را زجانب کل
رژیم، در پیش گرفته مشتود. لیکن دراین میان
غیریک از جناح ها - لیبرالها از یکسوز جنساچ
جزیی ازسوی دیگر - استنباط خاصی از آن اراده
میند هندورا جرا و عملی کردن آن، دارای اختلاف
نظر مسخ هستند. آنچه که بپیدا است، این سیاست
ددید، عمدتاً ساخت جناح جزیی حکومت - بخش
مالب آن - را تشکیل میدهدوا این خودنشانه
بن واقعیت است که سردمدا ران جناح "مکتبی"
زیم سرانجام و سزا دوسلار سرکوب عربستان
بی و قفقزو بعداً زمده تها تحریمه اندوزی ایزرا شک
دا مقلاسی خود آموخته اندکه دررویا روئی با
نقلاس و سرکوب آن ضروری است که اگاه، فتن
عقب نشینی های محدود، انتبا زدادن ها ،
معطاف ها و سکار گرفته شود.

بیانیه ۱۵ ماده‌ای "دا دستا سی" ، بقطه‌ای غاز
ملی کردن این سیاست توسط رئیس‌جمهوری
سلامی و بوبزه جناب حزبی آن بود . آنچه‌که
را این بیانیه حلب نظر میکند و چهار واقعیتی
بیان است " جماق و نان شیرینی " رژیم را نشان
می‌دهد ، این است که رژیم میکوشیدرای اولین
مار ، منحدرین و عمال خوش را در درروون چندش
با رکری ، که تا دیروز با کودسی شما ، حجا شها را
ی مواحب میگذاشت ، بدست کاپووارا دو دفعاً لانه
به عرصه سیر دور رویا روشی ابدی نولوزیک - ساسی
ما جیهده انقلاب بکشا نداد و در مقابل شرایط
بیمه در مفهود

تحت ستم با ارتعاش حاکم، و دیگر تضاد می‌ان
حنا هنهای مختلف رژیم. و این دور شته تضاد، در
بیست و بیرون افتخاری عصی که مجموعه‌ای از
معوا رض ذاتی سرمایه داری و استاد ردریک آن
در کنار رهم به نماش گذاشتند. با تداوم خویش
آنچنان بخرا نی در جامعه ایکوسود درون رژیم
حاکم از سوی دیگر بوجود آورده بود که زنگهای
خطروزه برای همه نمایندگان "دوران ندیش" و
"مکور" بوزبوزا زی بدمادر می‌ورد. با بان سال
گذشته، آغاز شکل گیری این سوال در ذهن
نمایندگان بورزوای و رهبران رژیم پرورد
پیقلانی حاکم بودکه "با بان کار" بدکجا خواهد
آنچه مدد و حکم نهاده می‌توان برایین "بخاران" آنچنان

نقطه‌ها با شی کذاشت که همه می‌دانستند از عات را به
بی‌دردترین شکلی به نفع تثبیت پایه‌های
قدرت بورژوازی - درگلیت خویش - خاتمه
محض، سورژوازی احساس خطر می‌کرد، می‌دانست
در وسی خود آشنا، که در بین سال کذشته به
نقطه‌ها و خویش رسیده بود، بیش از آنکه به
مجرای سلط کامل این یا آن جناح تبدیل
شود، به بستری برای افزایش آکاهی توده‌ها
تبدیل شده بود. نما بندگان نادان سورژوازی
نهیج اساسی نداشتندکه در عرصه رقابت و قدرت -
ظلیمی خویش، بددربین چهره شروع ریب در زند
مردم بسرا زندوچنین بودکه با سال کذشته
در واقع، نقطه‌فاول زندگی سیاسی بسیاری از
مردمداران رژیم بودکه تا کنون ارگان قدرت و
"محومیت" خویش را سوتهم توده‌ها استوار گرده
بودند. به موازات هم‌دانستها، سال کذشته سال
رشد چشمکیر می‌زد طبقاً شی و فروپاشی بیشتر
توهمات مردم حداقل نسبت به جناح غالباً آن و
رشدنیستی آگاهی سیاسی آنها بود. سال کذشته سالی
بودکه کمتر نقطه‌ای در ایران در توقف و سکون
بسیار ببردو هر روز توده‌ها ی بمنتری به میدان
سما زده روی می‌وردند و پیش‌شکل ممکن به صفت

زربه، رسم سی پیوست.
علاوه بر اینها سال گذشته سالی بود که
حوالات سیاری در نیروهای سیاسی جامعه
وقوع پیوست. ۱. نیکا مس روزه طبقاً تنسی در
رون جنوب اقلایی، بخشی از نیروهای طرفدار
نقلاً و طبقه‌کار گرگار به صفت دشمنان طبقه
نا را گروان غلاب سوق داد و درگنا را آن نیروهای
نقلاً و کمومیتست، تبریز توده می‌شتری را به
ترد خویش جمع کردند و بدین طریق بر توسعه
نفوذ خود در میان آشنا افزودند.
سال گذشته سال شکل گیری روش ترقیهای
سیاسی و روشن تر شدن همراهی طبقاتی بود.
وندان بن قطب سندی بگونه‌ای بود که به حرارت
مسوان گفت کمرتوده آگاه شده‌ای را می‌توان
راع گردیده سمت این با آن قطب کراپش
با فتد باشد. این ویژه‌گی، همچنان که در رساند است
های سیاسی هفته‌گذشته نیز شارکردیم،

صفحه ۱ از **۱۰۰ مقاله**

سرا نجام، دا دستاني اسلکاب، با میبدور
طلعه ۱۵ ماده‌ای خود، این سیاست را تبلور
مادی بخشنودبا استنشار آن قول دادکه ازا میں
بس "قا نون" می، با یست درکوثر حاکم شود، درپی
این سیاست، برژیمجمهوری اسلامی گامها شئی
نمیزد رجهت اجزا و عملی کردن آن برداشته است
که منونه در جسته آن را میتوان در روزاول ماه
مه منا هدم شود، روزاول ماه مه، عرصه روشن
مادیت بافت سیاست جدید رژیم در سرخورشید به
نیروهای سیاسی و تقاضاهای موجو گردید، این
روز، ثبتهای بودکه بخوبی جهره واقعی و ابعاد
 مختلف این سیاست را بروشی منعکس میکند،
 که در سطو، با شنیده آن، اشا، دخواهیم گرد.

ظا هرچنان با سیاست رسانده بسته نظرمی باشد، رژیم سال
جدید را سال "قانون اسلام کرده بودوا گشتن می -
خواهادن "قانون را برپا دارد و درست مسام
کشان" ها و "تضاد" های نقطه های بان گذار دنیا در
سایه آن رژیم جمهوری اسلامی بتوانند بینیاد
حکومت خویش را مستقر سازد، رژیم حاکم، خود را
"نهادی بزرگ مده ز دل انقلاب" میداند که در پی
سرگوئی رژیم شاه قدرت و حاکمیت رسیده
است. بنا بر این، "طبیعی است که بخواهد خود را
قا توپت بخشد و "قانون خویش را جای نماید.
رژیم را بن اساس و به منحی فریبکارانه و سما
قبا فدائی حق به جانب، هم آنها شی که این
"قانونیست" رژیم را به رسمیت بشنا سند، "محترم
شمرده و کسانی را که بخواهند، به ضدیت با این
"قانون رژیم حاکم سپردا زند دشمن مسدود و
خواسته ای آنها و در بک کلام "ضد انقلاب" میدانند.
این صورت ظاهري سیاست جدید و رسمی رژیم، و
در عین حال موجه آن العقایدی است که هشتیت -
حاکمه بدین طریق بخواهند هدر دزدی هر انسان
ساده اندیش و ناتا کا موجود ورد.

اما سلطنه قضيه جيست وجوهرو اقمعي اين سياست
کدام است چه اهداف خاشنده اي در بین آن نهفته
است و اسن سياست ريشت در کدا موافقیت هاي
احتمالي عي و ساسى جامعه دارد و سرا تجاو منتها يبح
حاصل ازا آن جمهورها شند؟ با ساس دادن به اين
سوالات از آن رشوا هميت دار و رکه به رحال روزی می
جمهوری اسلامی در هفته هاي اخير، با بوق و کرنا
بد تبلیغ اين سياست مشغول است و درجهشت
عملی کردن آن خوبشن را بسیار راغب شناس
مددهد.

علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده‌ها!

از اخراج نمایینده رانندگان
اعتصابی شرکت واحد
چلوگیری کنیم

اخیراً طلاق بیدا کرده ایم که نماینده
رانندگان اعتمادی شرکت واحد که در حریان
اعتماد اسفندماه به مردمه عدهای از کارگران
دستگیر شده بود، وزندان اوین آزاد شده است
اما روسای مرتع شرکت واحد قصد خراج وی
راد آردند، رژیم که در اسفندماه گذشته اعتماد
رانندگان زحمتکش را با تبلیغات مسموم و ضرب
وشمود دستگیری و زندان، به نکست کشاند، این
با رقددار رفتارها اخراج نماینده رانندگان
اعتمادی جلوی هرگونه حرکت اعتراضی آنان
را بگیرد.

مبارزه کارگران
در شرکت ساختمانی
"خانه گستر" ایرانشهر

ریزی حاکم که برای انتقال فنا ریبار-خان
اقتصادی موجود بود و شکارگران و زحمتکشان،
از هیچ اقدامی کوتاهی نمیکنند، هرگونه فربیاد
حق ظلمی و اعتراف کارگران را میسر کوب
و خشنا نهای خی میگوید. از جمله برای خفه کردن
میبا روزات کارگران شرکت ساختمانی خانه گستر
ابرا شهرک تحت شرایط خشناده ای استثمار
شده و خواهان بسکری خواسته ای رفاقتی هی (استخدام
داشتم) افزایش دستمزد، شرایط ایمنی کار
و....) میباشد، ریزی مدتی از مددوران خود را
بینوا رئیس کارگاه بکارگاشته است تا هشت
حرکتی را با توصل به میادان در رنطفه سکو ب
سا زند. ما همچنان که ما هیئت خدمتی ای که
روزی بروز برای توده های وسیعتری افتخار میگردد
شرنگها بیش نیز افتخار میشوند کارگران میبا زبان
شرکت بی به ما هیئت مددوران برد و خواهان
اخراج آنها میگردند.

همجینین کارگرنا خواهان بازگشت بکار
نمایندگان و کارگران مباراز اخراج شده
توسط مزدوران رژیم میباشد. آنها در میباشند
که تنها در سایه اتحاد و همبستگی خودخواهند
توانست مبارزات خوبی را به نتیجه برآورند و
در این راه حمایت سایرگرا کارگران و توده‌های
زمینکار خصوصی در ایران شهرسیار تعیین کننده است



”حداقل دستمزد براساس آمار رسمی رژیم“
چقدر باید باشد؟

ر از نهاد است. شناخت راهها و مساله رژیم و طبقه سرمه بیدارسرا حمله به سطح زندگی و معیشت کارگران و زحمتکشان و مقدار کارکارا هش سطح زندگی کارگران از این طریق، به ما اجازه میدهد تا با اینکه به واقعیات غیرقابل انکار، اهداف خود را در مبارزه ای که برای افزایش دستمزدهای پیش رو و رابطه پرور و شنتر و مخصوص شری تعريف کرده و بشنای سیم و با آگاهی و مادگی بیشتری است مقابله ای می ازیم.

اسکال مختلف پائین آمدن سطح زندگی کارگران!

۱- گران شدن روزافروز کمالاها و سابل
برندگی: حتی اگر ادعاهای خود را مسمی و رگان نهای
ان را ملاک، قرار دهیم، بنا بر آمار بانک مرکزی
بران درده ما هدایت سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۷ سورم در
باقیه در صفحه ۴

بهران سیستم سرمایه داری و استهان ایران
بیش از زیبیش تشدید می شود و رژیمجمهوری اسلامی
ایران نمی هر روز بیش از زیبیش می کوشند تا با راین
بهران را امروزش کارگران و زحمتکشان ایران
خراب کنند و بهای فقر و غلایت بدسته دارد و
آوارگی، بیمه ای و گرسنگی کارگران و زحمتکشان
سرمایه داری و استهان ایران را حفظ و بحران
نظام را به نفع سرمایه داری و امیریابی لیستهای
حل ننماید.

درا نطبقا بچهنجين سياستي در طري يك مال
گذشته سيز همچون بال ۵۸ کا وکرمان ما شاهد
با شين آمدن روز افرون سطح زندگى خشود
بوده اند. اجازه دهد ببنيم رزيم جمهوری
اسلامي ايران که از سلسله گوهاي تبلیغاتي
شب و روز، حمايت خود را "مستضعفین" را تبلیغ
میکند، مجهونه و از جهاتي به سطح زندگى کارگران
حمله گرده و آنرا به سطح بيرآ تبا زلتاري

کشتار کارگران بیکار سندج توسط پاسداران سرهایه

نفره دیگر خمی می شوند که حال دونفرشان و خبیث است .
مزدوران رژیم در توجیه جنایت و حشیا نه خود
ما نند همیشه کارگران بیکار را "قدا تقلاط" و
واست بدیگر و های سیاسی خوانندند اما با خاطر
و حشت از خشم مردم، سعی در پاک کردن این لکه
شنگ از ادا منشان کرده و مجلس ترحیمی در محل
جهان سازندگی "قدا شنه" و علام بیکنندگ فقط
نکنفر کشته شده که آنهم بوسیله "قدا تقلاط"
بوده است ! ما این جنایت رژیم همچون اغلب
جنایات متعددی که تاکنون مرتكب گشته در زند
توده ها افشاگردید و تلاش های مذسوخانه رژیم
برای عوا مغربی یخصوص در میان خلق رزمته
کرده که بیش از دو سال ساقمه مبارزه و در روبای
مزدوران سکوی گوش را داده، می نتیجه
ماند .
کرا می بادیا دشمنان کارگر !

پکار دیگر چهار کربه و خدا کاری رژیم
جمهوری اسلامی، با سرکوب و حشانه کارگران
بیکار رساند، عربان ترکیدید در شاپطی که بحرا ن
عینق اقتضا دی، توده های زحمتکش جامعه ما را
بیش از پیش به فقر و روزی میکشند و در
شراطی که رژیسم رما مددادی را حاکم با ولخرجی -
هاش (که) یک تمنونه آنرا در هر دادا نمیگیرند
تومان برای خردناک سلحه بخوبی مشاهده می -
کشمیم، شیره جان کارگران و زحمتکنان را صرف
پرکردن جیب سرمایه داران داخلی و خارجی
کرده و هوسرانی لازم برای سرکوب می رزات
توده ها خربذا ری مبنیماید، احتمام کارگران
بیکار رساند و خانواده های پیشان که بوزیر ۲/۵
در محل "جهاد سازندگی" سکل کرفته بود و در
شراطی که کارگران خواهان کار رسودند، بیکار
گرگان را غلوله افزار مسلح جها دوسیا هبا سدا ران
نمایم احمد شفیعی، پیتحجه ۳ کا، که: حمتکش، شهید، و

پیش بسوی ایجاد حزب طبقہ کارگر

چنپش کارگری



٣ صفحه از بقیه

ایران بطورمتوسط ۲۳٪ بوده است. تاریخ سورم در تما مطول سال و بخصوص پس از شروع جنگ ما بین سرمهاده داران ایران و عراق، بطور مداوم افزایش پیدا کرده است. بطوری که این نرخ کدرها فروردین ۱۴۵۹ نسبت به فروردین سال ۱۴۵۸ ۱۷٪ بوده در دهه اول سال ۵۹ نسبت به دیماه سال قبل بـ ۲۵٪ رسیده و در حالی کـه متوسط نرخ تورم در شاهراه اول سال نسبت به مدت مشابه در سال ۵۸، نزدیک ۲۰٪ بود. در چهارماه مهرماهی دی - یعنی پس از شروع جنگ - بطور متوسط به ۲۵٪ ترقی کرد. با توجه به اینکه در ماههای بهمن و اسفند نیز ما شاهد افزایش سراسار و قیمتها به نسبتی حتی بیش از گذشته بودیم میتوان با تکیه بر آمارهای خود رژیم و بانک مرکزی آن نرخ تورم را در سال ۵۹ بـ ۲۵٪ حساب کرد. یعنی در سال گذشته حداقل ۲۵٪ بر قیمت کالاهای وسایل زندگی افزوده شده است. بنابراین حتی اگر این واقعیت را در نظر گیریم که افزایش واقعی قیمتها بسیار بیشتر از آنچه رژیم و رکابهای آن ادعای میکنند بوده است و با توجه به اینکه در طی بیکال گذشته حتی پیش از رژیم را مکار و زحمتکشان ایران افزوده شده است. میتوان نتیجه گرفت که در طی سال گذشته حداقل ۲۵٪ از درآمد کارگران و در نتیجه از سطح زندگی آنان کا سنت شده است.

۲- خذف سودویزه: شورای "انقلاب" جمهوری اسلامی در تیرماه ۵۹ قانونی را که بنا بر آن قسمتی از دستمزد کارگران تحت عنوان "نهیم شدن کارگران در سودویزه" کارخانجات "بدانان" پرداخت میشده باشد مطلاع طا غوثی نامیدن این قانون لغو کردو بروز جنگ که دست رژیم را برای سرکوب و عواقبهایی بیشتر با زکردو بیزکبود آگاهی و شکل کارگران و فعالیت ناکافی کمونیستها، به رژیم کمک کردتا این توطنه نگین و فدکارگری را به مرحله جرا بگذاشت. و بدین ترتیب به اندان زده داما دستمزد رسمی کارگران از درآمد آنان بذدید. ازا این طریق نیز حداقل به مقدار ۵/۱۶٪ دستمزد رسمی از دستمزد درآمد واقعی کارگران که مشمول قانون پرداخت سود ویزه میشند که است. بدین توجه گرفتن اینکه تمامی کارگران نشمول قانون فوق الذکر نمیشند و نیز با توجه به اینکه دستمزد رسمی بخشی زدکه با اجرای تصویب نامشواری به تخمین زدکه با اجرای تصویب نامشواری به اصطلاح انقلاب، قریب ۱۵٪ از دستمزد درآمد واقعی کارگران و بنا بر این قریب ۱۵٪ از سطح زندگی کارگران کاست شده است.

۳- افزایش بیکاری: بیکاری نزدیک طی

حق مسکن، حق خوا روسا رو... و بیطور کلی سنگل
مرا باید این پرداخت میشد. «حذف نمودویا کا هش
داد در بسیاری از کارخانجات و مناطق، مزد
آغا مدکاری کا رگران را برداخت ننمود، نهاری
را کمه کارگران در کارخانجات داده میشد،
حذف نمودویا از مقدار آن کمکرد، فستی از
دستمزد را که بعنوان با داش و عبیدی به کارگران
برداخت میشد حذف کرد و مدعی شد که آنها را همراه
با صلحان سود و بیزه برداخت نموده است و
بدین ترتیب ازا بین طریق نیزدستمزد واقعی
کارگران و درستیجه سطح زندگی آنان به مقدار
جندر صدکا هشت بارفت.

از واقيعيات مشخص وغیرقا بل انکار فوق در موردا فزايش دستمزدگار رگران و مقدار آن چه نتایج اولیه‌ای میتوان گرفت؟
اگر تنشیا موارد اول و دوم معنی تورم و حذف سود و پردازش نظریکریم متأهد میکنیم برای جیران کاهش سطح زندگی کارگران میباشد. حداقل ۲۵٪ بردازه دستمزد واقعی کارگران افزوده شود تا سطح زندگی کارگران در سطح ابتدای سال ۵۹ ثابت شود.
بعلاوه اگر تنشیت سطح زندگی کارگران در تمامی طول سال ۶۰ را در مدنظر قرار دهیم و بخواهیم حداقل دستمزد را طوری تعیین کنیم که سطح زندگی کارگران در طول سال ۶۰ کاهش پیدا نکند، باید بخواهیم تا با توجه به بالا رفتن روزافزون قیمت کالاها و خدمات موردنیاز کارگران و زحمتکشان، سما مزدگار رگران در فواصل کوتاه مدت و جدا کثیر ۳ ماهه ۳ ماه برآس سرخ تورم فزايش با بدوسیا در همین ابتدای سال مقدار ارزیگری بر دستمزدگار رگران افزوده شود تا بن مقدار افزایش دستمزد، بطور متعاملاً مقامات رژیم را وارد رکردا عتراف کنندگه بیکاری آتش زیرخاکستراست و برای جلوگیری از شعله ورشن این آتش و بروز بیکاری بشکل عتماب و تحمن و نظاهرات بدست وپا افتادند.
از آنجا که در ایران هیچگونه بیمه بیکاری هیچگونه تأمينی برای زندگی بیکاران وجود ندارد، روشن است که خروج کارگران و زحمتکشان بیکارو سیله کسی جزو خواهان و بوداران شاغل نان تا مین نمیتوانند بین اگردر را ابتدای سال ۵۹ خروج کلیه کارگران و زحمتکشان ایران بوسیله مثلاً ۴ میلیون کارگروز حمتشک شاغل باشند میشود و در انتهای سال خروج همان مقدار زکارگران و زحمتکشان تنهای بوسیله ۳ میلیون خواهند بودند.
اگر تعداً دیشی از ۱۳ میلیون آواره جنگی را رشتطریکریم و اکرید و شدو سیع بیکاری بخصوص را شریج نگین بین سرمایه داران از این توجه گذتیم می - و با سیم در نظر آوریم که در این کذتیم این راه بجز سطح زندگی کارگران بهجه مقدار ریزیا دی اما هشت بافتحه است.

متوسط، با شین آمدن سطح زندگی کارگران را بر اثربال رفتن قیمتها خشنی کند. در صورتی که همان مقدار و چگونگی افزایش قیمتها در سال ۹۵ را در نظر نگیریم، که اگر از ترجیح تصور در سال ۹۶ کمتر شناسد مطمئناً بیشتر خواهد بود. دواسته صورت آما ریا نک مرکزی رژیمنشان میدهد که سطح قیمتها در اردیبهشت ۱۰٪ درست‌تر ۳٪ درجه هر ۵٪ دردی ۱۳٪ و در رفتاری سبب ۲۱٪

۴- جمع آوری کمک برای جنگ سرمایه‌داران: زیم همجنین در حالی که میلیاردها توپ مان روج خردسلاخ و نیروهای سرکوبگرش میکنند، جنگ و سرکوب انتقام کارگران و زحمتکشان را پیش نمیرد، بهینه‌های جنگ و وجود وارگان نگی متوجه‌گذاشتند راه‌هرا کارخانه‌برسهرم وی و پرزنی بهین نمودن از این طریق نیز بخشندیدند.

صرف نظر از مکملها جنسی و پولی ای که رژیم
نژادپری مساجد، مدارس و در محلات کارگری
مع آور شود، درگاه رخنچا نیز شاهدان
بر دستوری از رژیم با اجباری عوای مقریسی، معادل
ندروز وحدا قلیک یا دوروزد رماه از مستمرد

زمان زیرا ب ملاحت حکم به اورکان
نهنگی و ریختن به ساخهای رنگ کردنمود
از این طرق نیز چند درصد زدستمزدگاران
اکا هشت داد.

۵- کاهش پایانه اخذ تسمیهای دیگری از
zed استمزدگار رگران: بر زمین همچنین به بناهه جنگ،
حاصره اقتصادی و ... در طی بکمال گذشته و
خصوص پس از شروع جنگ، بخششی از زدستمزد

بنا مزهرا چرخ انداد زیستها دست میرسد. (از طایعه
شما ره ۳ کومله)

بدنبال این درگیریها که بدون تردید
موجب خوشحالی غرما و رژیم جمهوری اسلامی
نمایندگان کومله و جربه ها است، نشستی با شرکت
سازمان چربیکهای فدائی خلق (اقلیت) انجام
گرفت. جهت آتش بس و خاتمه درگیری توافق نامه
چهار راهداری به اتفاقی طرفین درگیری و ظریف
در طلسه رسیده من کامل توافق نام مذکور به
شرح زیر است:

بدنبال درگیری تاسف آواز خبرین حزب
دموکرات و کومله، نشستی بین نمایندگان حزب
دموکرات کردستان ایران و سازمان انقلابی
زمتکشان کردستان ایران (کومله) در تاریخ
۲/۹/۶۴ عوایض انتارت نمایندگان ما موستا
شیخ عزالدین حسینی و نمایندگان سازمان
چربیکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) انجام
پذیرفت و موافذ بیرون و توافق قرار گرفت که
بدینوسیله آنکه عموم میرسد:

- ۱- از ساعت ۲۳ روز ۶/۲/۹ به درگیری بر
بین پیشمرگان حزب دموکرات و کومله خاتمه
داده میشود آتش بس اعلام میگردد طرفین از
پیشمرگان میخواهند که آن را دقیقاً مراجعت کنند
۲- طرفین موافقت کرده اند که دستگیرشان
و اموال یکدیگر از طرف ۴۸ ساعت زیرنظارت یک
هیأت مشترک چهار رجتبه میباشد.
- ۳- طرفین بروزی لزوم رعایت آزادیهای
دموکراتیک و عدم تعریض نظایر میکنند.
میورزند و برازی تضمین آن میکوشند.

در عین حال طرفین اعتماد خود را مبنی بر
اینکه باید اختلافات شان را بشیوه سیاستی و
مسئله حل کنند اعلام میدارند و از همه مسئولان
اعضا و هاداران خود میخواهند که از چهار رجب
سیاستهای تبلیغی حزب و سازمان مربوطه خود
خارج شوند.

۴- طرفین علاقه خود را به مذاکره و سطح رهبری
بین حزب دموکرات و کومله برای حل مشکلات
احتمالی فرمابین و با تبادل نظرهای سیاسی
و همچنین مذاکره در سطح تا خیه ها در محدوده
خود اعلام میدارند.

درینا یان طرفین از کوششهای دفتر ماموسا
شیخ عزالدین حسینی و سازمان چربیکهای فدائی
درجهت برگزاری این جلسه و رسیدن به تفاهمات
موفق قدردانی مینمایند.

- ۱- نماینده حزب دموکرات کردستان ایران.
- ۲- نماینده دفتر ماموسا شیخ عزالدین حسینی
(ناظر)

۳- نماینده سازمان انقلابی زمینتکشان کردستان
ایران (کومله)

۴- نماینده سازمان چربیکهای فدائی خلق
ایران (ناظر)



گسترش نواعتهای حزب دموکرات،

تعرض انقلابی پیشمرگان کومله و توافق برای آتش بس

پس از حمله عوامل حزب دموکرات (*) برای
خلع سلاح پیشمرگان انقلابی کومنسٹندر در روز
۲۵/۶ به روستای قم قلعه در طراف مها با
حزب دموکرات که در همای توشهای خود با
شکست مواجه شد، حملات خود به پیشمرگان کومله
را گسترش داد و با ردیگری اقدامات جنایتکارانه
ای دو تون از پیشمرگان کومله را شهادت رسانید.
سازمان انقلابی زمینتکشان کردستان ایران
(کومله) از طایعه هاشمی، و قابع روستا های
اطراف مها با دو توشهای حزب دموکرات را به
آطلع خلق رزمنده گرد و خلقهای سراسر ایران
ربانده است. اخباری که ملاحظه میکنید از طایعه
های کومله نقل شده است:

۶/۲/۶- روستای عیسی کند: "افراد مسلح
حزب دموکرات یکی از پیشمرگان کومله بنتام
کاک "یوسف حستاخانی" را که بدون سلاح و به
تنها ای از روستای عیسی کند عبور میکرد اسیر
گردید و بین از اسارت درنها بیت ناجا نصری و
قسات او را بشها دست رسانده است." (اطایعه
شما ره ۶/۲/۶- روستاهای اطراف مهاباد: کومله -
مهاباد طی اطایعه ای بین ریخ ۶/۲/۷ درگیری
های روستاهای اطراف مهاباد در جنگین
توصیف کرده است:

۱- حمله حزب به مقراهای ما در دور روستای
اطراف مها با دیبا دفاع قهرما نان پیشمرگان
ما خنثی شد.

۲- خبیره باران سنگرهای ما در آسیراف
روستاهای مزبورا زطرف حزب آغا رشوجون
نتیجه ای نیخشید، حزب اهالی یکی از زهنهای
مزبورا تهدیدیه خمپا ره باران شمود، اهالی
این روستا قهرما نان در برابر این تهدید
ایستادگی کرده و حاضر به ترک ده خود نشند و
پشتیبانی کامل خود را از مقاومت و مبارزه

» - مشروح جریان حمله عمال حزب در پیکار
۱۰۴ درج شده است.



حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقه است

رهبران آن تبدیل شده است آنها ضمن حملات شدید به سازمان مجا هدین و ترساندن آنها از نزدیکی به کمونیست ها، بزعم خودمیکوشند تا جو اتهای تزلیل را در آنها با روریا زند و حدا قل آنان را بید کشیرو شترون سیا سی تبدیل نمایند. و این در حالی است که در خیابان و در عرصه واقعی زندگی و مبارزه سرکوب رادرهمه اشکال و جلوه های برش آنها همچون دیگر نیرو و های انقلابی، اعمال میکنند.

بدین شرطیب رژیم جمهوری اسلامی، اکنون میروند که تا سپهۀ گیری از تجارب دیرینه بورزوایی در طی سال‌های سیاه حکمت خود اقلایی خودتماً مذکور اهلی و فرقی را در عرصه مبارزه سیاسی بکار آندازد. اکنون سیاست پیش‌خوبی را در دورون جنبش کارگری بینا بشه نمیروی ذخیره‌فرعی رژیم در مبارزه خدا نقلابی -

ا. ش به خدمت گرفته است. ا. اکنون میکوشند تا زنگارهای توهم را از اذان همه‌کسانی کشند هنوز تسعین آرایش واقعی شوروهای سیاسی در لحظه حرث خود را عازمی بینند، بزدایدو خود بیشتر پیش مرزاً قاعی شوروهای جایگاه واقعی شوروهای ای سیاسی را تسعین شماید. دولت‌ان واقعی خوبی را که بطور کا ذربرا بر شرق را داشتند، در کنار خوبی بنشانند و دشمنان واقعی خوبی را بر جسته نموده و در مرکز حملات سرکوب -

گران خوبی قرار دهد. سیاست جدید رژیم، به همان میزان که فربینده است، خطرناک نیز هست. رژیم این را رباریلیس "قا نون" به بیش آمدۀ تاقانون شکنی واقعی خوبی را از دیده‌ها بنینهان سارد. رژیم اکنون میکوشد ستکش سفیدی

بردست های خوبین خود را خود را در لطفات خوشت چنگال
هال سرکوب خویش را در لطفات کا ذذب دمکار است
در وغیش پنهان سازد، رژیم در آینده وبرا سان
این سیاست بدون شک فنا رو خفختن خویش را
برنبروهای آکا ها و نقلابی و توده های مردم ،
خروشی خواهد بخشید. و هرندای حق طلبانه را با
خوشت با سخ خواهد گفت. میزه توده ها و نبرو
های آکا ها بیش از گذشته در معرض تعریض ضد
نقلاسی خویش قرا رخوا هددا دوبا لآخره دسته های
تزویر و ساندهای سیاه را بیشتر و گسترده تر سازمان
خواهد اد و متفا بله به نبروهای خیانت کاری
جهون حزب توده و "کنتربریت" برو بال خواهد داشت
با منا طکنی خویش، چهره رژیم را تزیین نمایند.
اما زهم اکنون روش است کهنه آن سرکوب
و خفچان و شهابین جست و خیزه های خیانت کاری
و پوزدا نقلاسی رویزپویست ها هیچک بخواهند
تو نست آن نظم مظلوب و قاتونی رژیم را به
جا معمعا زگردان تزویر و ندا عتلای سیاره طبقا تو
و سیاسی توده ها را در جا مده جلوگیرد. لرزشی که
بر بیکر رژیم سیاسی و نظم اقتضا دی - اجتماعی
حکام مستولی شده است، از اتفاق های ذاتی و
در وشی جامعه ای بر می خیزد که در آینده ای نه
چندان دور تبدیل به زلزله های ویران نگرا می باشند
نظم کهن تبدیل خواهد شد. واقعیت های جامعه ،
هر روز بیشتر صحت این نظر را عیان و آشکار می بازد .

نظا هرات فوق، متصرکز نمود. قبل از آن نیز
مزدوران رژیم، بفعالیت‌های تحریریتی خود
در شهرهای و شمال بیرون بر پرتاب نارنجک و سه -
را هی به میان مغوف نظا هر کنندگان زمان
ما و سازمان مجاھدین، این جنبه از ساست خود
دانسته، شناخته داده بودند.

درطی این مدت بر زمین جمهوری اسلامی، با تبلیغات و سیعی برای این سیاست خویش با می- فشنا رود و فربیکارانه نرا بینند به "آب حیاتی" برای زندگ کردن آزادی ها و فعالیت های دمکراتیک جلوه گرمیسازد. رژیسمن کوشید، تا درپس انتیبا زات و خردۀ آزادیها را محدودی که بدروستان دشمن نمای خود، بعضی رویزیو - نهیست ها میدهند خویش را مدافعانه آزادی های دمکراتیک جلوه گرساز دستاد درپس آن، فاشیستی - ترتیب شیوه های سرکوب را در حق توده های مردم و سیبروهای انقلابی و کمونیست اعمال نمایند. رژیم این سیاست خویش را کا هبطور تلویحی و از زبان سخنگویان "واقع بین" خویش و گاه آنکارا از زبان سخنگویان صریح اللهجه و در عین حال نهاد، خویش را که میکنند.

البته این سیاست رژیم، همچنین بر جذب و باختشی کردن نیروهای متزلزل نیز نظرساز است. دارد. بطور مثال در روزهای اخیر رژیم و راگان-های سلبیگاهی اش بشدت میکوشند که تا در کنار فروع و دادن "جهانی"، زبان فربی را هم دربرابر مجاہدین از دست ندهند. بسیار ای از روشنات ما-های "مکتبی" رژیم، همانکون به عرصه "نمایی" بدرانه و "وبا مطلع" دلسوza نذر رژیم به هوا داران "مادق" و "آزادا ندیش"! این سازمان و حتی کاه

سینما و هنر
سینما و هنر

در تاریخ ۲/۲/۶۰ - دخترندوازده ساله اسای ز آوارگان مستقردر "شوستر" به علت عقوب زنگی در بیست رسان جان سیردو بدین ترتیب برگشید گرگار کارشناس منگنی رژیم خدختقی جمهوری اسلامی اخافشده.

هم اکنون بیجا رسان "سوانح" شوستر مملو از آوارگانی است که به علت بیما ریهای حبشه و سهال واستفراغ و ما روغفرغ زنگی در آن جا بستره شده است. آوارگان زحمتکش در اعتراف به شراط غیرقا بل زنگی، جلوی استانداری جتمع کرده و با شعار "از دردیمی غذا شی فرباد" - مان بلند است "مسئولین رژیم را افشا کردند" ما مسئولین نمودروربا عوا مفترسی تمام ایمن همای ثب را به حساب اوضاع بدطبیعی اگذار ننمود از این هرگونه کمک خودداری میکنند.

مبارزه برعلیه معاشب جنگ ارتضاعی را به این اندیشه های ابتلاء میگیرد.

۴۰۰ سوچقاله ۲ از صفحه ۱۷
قا نونی "فعالیت رفربیستی و ضد نقلای آن از را تا مین نماید. این تاکتیک، به رژیم اجازه میدهد که مزورانه و مکشیدن بوده ای از دمکراسی دروغین سرچهره کریه سرکوب، اختناق و ترسیم خویش ذهن شوده ها را نسبت به خود آشانته بازد. رژیم درا بن بیانیه آشکارا کسانی را که به میان رزمه طبقاتی و ممتاز کارگران و زحمکشان بشت کرده اند دعوت میکنند تا با دفاع از قانونیت و مشروطیت رژیم، از "بهشت برینی" که بورژوازی در حاکم و عده میدهد، استفاده نمایند. بورژوازی در این بیان نیمه برای اولین بار، با تکلیف رسنی نوکران و کاسلیمان خویش را برسر "سفره" خویش فرا میخواند. ما این یک جاتب ایسین سیاست رویه دیگر سکا این سیاست، همان سیاست معروف "چماق" است؛ چماقی که رژیم در بر ابرجهنش خلق و شیوه های انقلابی و کمونیست بلند میکند. آن چیزی که جناح مسلط رژیم حاکم، یعنی جناح "حربی"، از چماق افاده میکند، تنهای به تعبیر لبرالها از این عبارت یعنی سرکوب از طریق "نهادهای قانونی" یعنی ارشت و پلیس و ... محدود نمیشود، بلکه همچنین با نهادهای سیاست رهبری و دستور و دستور دهای ظاهرا خود مختا و مسلح تروریستی را نیز در بر میگیرد. درست به همین دلیل است که می بینیم در کنار اجرای سیاست "نان شیرینی" و فریاد دهای "نان نون" ظلیق رژیم، فعالیت سازمان بافتۀ دسته ها و با نهادهای ارجاعی تروریستی نیز شدت میگیرد. عناصر مرمبا روزانه نقلای تروری - شوند و در میان آنها بمب و نانچک برتاب می - شود. سیاست واقعی رژیم جمهوری اسلامی چنین است.

هفته های اخیر و بیوژه روز اول ماه مسنه و
حوادث و اقعد در آن، نظا هر روش این سیاست
رزیم بود، در این روز رزیم با دادن آزادی اجرای
بیستینگ به روی بیوینست های خان حزب توده و
اکثریت تبرای اولین بار، اتحاد رسمی خویش
را با آنها و به بیان دقیقترا اتحاد رسمی دولتان
دروغین انقلاب و طبقه کارگر، معنی روزیم و
نیست ها را ببورژوازی حاکم، عربیان و پرجسته
نمود. رزیم میکوشدتا چنین نماشی اولاد جنین
جلوه کرسا زدکه با مصالح طرفدار دمکراسی است و
تا نیما در برآ بر قطب نیروهای انقلابی و جنبش
کمونیستی، قطب روزیم بیوینستی را علم نهادند و
حتما بیان را که با مصالح تحت نام ما رکسیم-
لنینیسم فعالیت میکنند، ما در واقع به آن
خیانت میورزند، به وسیله ای جهت کسب اعتبار
حکومت خویش تبدیل نماید. از طرف دیگر، رزیم
در کنار حما بیان روزیم بیوینست های خدا نقلایی
به مقابله شدیدیا حرکت مستقل و مشترک سازمان
ما و اسما زمان چریکهای نداشی خلق برداخت و
پس از تبلیغات و تهدیدات فراوان در روزهای
قبل از آن، در روز موعود، نیروی وسیعی را - از
دسته های سلح رسمی خود گرفته تا باندهای
سیا و دوسته های فلانتر - بسیج و در محل اجرای

اشغال فلسطین و ۳۳ سال مقاومت خلق

مها حرکه کا غلب آتا در جنیش مهیوبیستی نام
نویسو کرده بودند، بس از انقلاب ۱۹۴۵ روسه
عازم فلسطین شدند.

- از ۱۹۴۴ تا ۱۹۴۲ که عموماً از فراز بد و مهیوبیستهای آموخته
دیده تشكیل بیشتد، بس از "معداد بالفور" و
اشغال فلسطین توسط انگلیس به این سرزمین
سرازیر شدند.

- از ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۱ حدود ۸۲۰ هزار مهاجر
یهودی از طبقات متوسط لهستان درستجو
اواع اداقتمناد و بدیل آنکه نمیتوانستند
با مریکا مهاجر کنند به فلسطین رفتند.

- از ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۰ که غالباً مهاجر متابع اشغال
که فرازهای آلمان فراز کرده بودند راهی فلسطین
شدند.

- از ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۵ دوم حدود ۹۲ هزار مهاجر که عموماً از عفای
جنش مهیوبیستی بودند زدست نازیها به
فلسطین کریختند.

- و با اخراج طی ۱۹۴۶ تا ۱۹۴۸ تعداد ۶۱
هزار رتفیره مهاجر جنس افزوده شد.

**مقاومت فلسطینی هادری اسرار طرحی امیریا لیستی
و مهیوبیستی**

از ابتدای پیاده شدن طرح امیریا لیستی
"بالفور" (۱۹۱۷) که خودسر آغاز توطئه های
وسع دیگرسود، خلق فلسطین به مقاومت
پهلوانانه خود داده است، بروزه متوات
این خلق تا سال ۱۹۴۸ که فلسطین اشغال شد
و مهیوبیستها توانستند بیشتری همه جانه
انگلیس و مریکا و خیانت سران مرجع کشورهای
عربی با مظلاع دولت خود را سربا کنند شروع
زیارت است:

- اعتراض و مقاومت مسلح علیه "معداد بالفور" و افتخاری دفعهای آن که حقوق
فلسطین را در میهن نادیده میگردید این
شوه می رازد جون به نتیجه ترسیبدشوار های توده
ای متعدد در سالهای ۱۹۴۰ ۲۱ و ۲۴ و ۲۹
بریا شد.

- در ۱۹۴۵ به تشكیل گنگرهای متعدد
وازنما بین دگان کشورهای عربی و اسلامی
پرداخته کالاهای مهیوبیستی را تحریم نمودند و
برای بیرون کشیدن زمانهای غصب شده از دست
یهودیان به تاسیس شرکتی دست زدند، گنگره
چوانان عرب تپیزی بک منشورملی اعلام کرد که
"میهن عربی بک کل تجزیه نا بذیراست و هر
کوشی برای تجزیه آن مردود میباشد".



غیر قانونی به فلسطین گسل شده بودند.

قوانین مالکیت اراضی به عنوان مهیوبیستها
تفیریافت و یهودیان کدرایند از حدود ۲ درصد
از مجموع اراضی را در اختصار داشتند حدود ۶
درصد را مالک گشتند، انگلیسیها علاوه بر این
اما میباشد را از منابع طبیعی و سولید
اشری را به مهیوبیستها واکذا رکزه زیان
عمری را نیز در کار زیانهای عربی و انگلیسی
به رسمیت شا خشند.

مهاجر مهیوبیستهای فلسطین از ۱۸۸۲ تا ۱۹۴۸

یهودیان برآسان تاریخی که حدود ۲ هزار
سال پیش و دوران موسی و بادشاہی سلیمان
بر مکرر دبرای خود در فلسطین "حق تاریخی"
قالش اند و جنیش مهیوبیستی با مستحب مقرار
دادن این ساصلح حق تاریخی، یهودیان جهان
را که در سراساری از کشورها بعنوان سکا اقلیت
مدھی (ونه ملی) تحت فشار روزیم های فشوادی
و سرمایه داری بودند به مهاجرت به فلسطین
تشویق کردند و از این رکذرا حرای دفعهای
تعیین شده در قالب منافع امیریا لیستی
را منظوردا شنود و بین ترتیب:

- از سال ۱۸۸۲ تا ۱۹۰۳ بین ۲۰ تا ۲۵

هزار مهاجر از روسیه ترازی به فلسطین رفتند

آنها در سال ۱۸۸۱ در معرض کشته راهی دسته -

جمیع فرازگرفتند.

- از ۱۹۰۴ تا ۱۹۱۴ حدود ۲۵ هزار

با فرا رسیدن ۱۵ ماهه (۲۵ اردیبهشت)
۲۲ سال از اشغال فلسطین در سال ۱۹۴۸ میگذرد
حرکت مهیوبیستی که خود را داده بیرسا لیستی
بود عالم احرار نوطه ای علیه خلق فلسطین
و دیگر خلق های عرب شدکه امروز نیز شاهدند.
امروز بسیار حساسیتی آن علیه خلق های منطقه
خاور میانه هستیم، تا کنیدما بربیرون دمای رزا ای
و انتقامی مشترک بین خلق های ایران و عرب
ام ری نازیست و خلق های قهرمان ایران و
نیروهای که مهیوبیستی و انتقامی آن همراه خود را
با خلق فلسطین در یک سنتگردیده و می سندند و
آخرین مرحله بپیروزی بر امیریا لیستی و مهیوبیستی
وارتعاع داخلی دست در دست بگذیره مبارزه
ادامه خواهند داد.

برای آنکه خوانندگان پیکار، تمویی
مخترع از تعلوایی که به اشغال فلسطین انجامید
را در دست داشته باشند را زهای زیرا از مقدمه
یک مقوی حسی منشرا زوی جبهه خلق سرای
آزادی فلسطین ترجمه کرده ایم که میخواهند:

نقسم فلسطین

جمع عمومی سازمان ملل متعدد را بخ
۲۹ نوا میز ۱۹۴۷ می قطعنامه ای فلسطین را به
دودولت عربی و "یهودی" و یک منطقه بین المللی
(که همان بیت المقدس باید) تقسیم کرد، بر
ایس قطعنامه میزور، "دولت عربی" ۵۲۲ شهر و
روستای عربی ۲۲ و مهاجرتین مهیوبیستی را
شامل میشدر حالیکه "دولت یهودی" (که
مهیوبیستها تنها ۱۵ درصد اراضی آن را مالک
بودند) ۲۲ روستای عربی و ۱۸۲ مهاجرتین
مهیوبیستی را در بر میگرفت، بیت المقدس به
خطرا همیشبا نظرت بین المللی قرار سود
اداره شود،
توطنه امیریا لیستی - مهیوبیستی علیه اعراب

فلسطین

پس از آنکه وزیر خارجه برتانیا در سال ۱۹۱۷ اعلام کرد که کشور و در راه ایجاد یک "وطن"
برای "یهودیان" خواهد کشیده مهیوبیستها نعمه
ایجاد "کشور مهیوبیستی" را سردارند و شروع به
نقشه کشیدن جهت پیرون راندن اعراب از میهن
خودشان (فلسطین) نموده تا بجا های آنها یک
"وطن ملی" برای خود بیرون از زند، مهیوبیستها
منای کار خود را براین با به قرارداد دنده که اید
اکنتریت فاطح معمیت در فلسطین از یهودیان
تشکیل شود و باین ترتیب سرنا مسرون را سدن
اعراب و تصرف اراضی آشنا را به مرحله اجرا در آوردند.
انگلیسها، سازمانیای مهیوبیستی را در
این امیریا ری میدادند، آنها که پس از جنگ
جهانی اول میرا خواهند بیرا طوری عتما می
شده و خود تیمورت بر فلسطین را سرعته داشتند
در راه راه را بر رود سرخ مهیوبیستها باز
که را دیده طوری که سعدا یهودیان که در سال
۱۹۱۸ فقط به ۶۵ هزار نفر میرسدند ای سال ۱۹۴۵
به ۵۵۴ هزار رانفراخه کردید علاوه بر اینها
مهیوبیستیانیای هیچ جری نیز نمودند که از طرق

عملاء هم به ترویج‌چندان فسرا نگلیسی و اتفاقاً ربرو خی موسات حکومتی انگلیسی‌ها دست زدند.

- تا سال ۱۹۴۸ شرایط برای جنگی تماش عیا رفراهم گشت، از کشورهای عربی تحت فشار توده‌های این روزین به فلسطین کسب شدند ولی مانند رفلسطین آرائش نسبی برقرار رسد.

- با پایان جنگ بیشتر مهاجرت اسرائیلی‌ها به فلسطین می‌گردیدند که ادعایی نسبت به فلسطین تدا رنده شد و قسمت عربی به وظیفه دست نشانده "اردن" داده شد هم‌کنون ۳۲ سال از آن تاریخ می‌گذرد.

میان رژیم‌های فلسطین تکامل پیسا را فته همچنان را درازی تا پیروزی کامل در پیش دارد، راهی که با اکامه ایستوان روپرچم خوینیان انقلاب دموکراتیک خدا میریا لیستی فلسطین پیش‌بینی دیگر خلق‌های عرب بهبیش می‌رود.

انقلاب فلسطین جزوی از انقلاب برولوت ریاست جهان است و حمایت از آن وظیفه کمونیست‌ها و دیگران انقلابیون ایران می‌باشد.

خطره‌که می‌بینید، رفیق‌هصطفی آفریده‌گرامی با



- دانشجوی انقلابی استیتو نقشه‌برداری شریز
- هوا دار ازمان مجا هدین خلق
- ادامه مبارزه در صوف سازمان بعنوان یک انقلابی حرفة‌ای
- پذیرش را رکیسم - لذت‌بینیم بمنا به تنها ابدی شلیلی رهایی بخش طبقه‌کارگر
- غوبخش منشعب از س.م.خ.ا.
- فعالیت دریخت کارگری سازمان و کار در کارخانه‌ها می‌باشد از آنکه مکاری درین کارخانه‌ها اتفاق می‌افتد.
- دستگیری در روز ۲۴ اردیبهشت ۶۵ توسط دزپیمان کمیته مشترک با مطلع "خدخرا بکاری" شهادت درزپر شکجه‌های وحشیانه مزدوران ساکن از پایداری قهرمانانه زنده وجا ویدبای دیدار را مانش!

سعی در خاکوش کودن مردم داشتند، در حالیکه طرح اسکان مهیوبیت‌ها در فلسطین و مقدمات بین‌المللی دولت اسرائیل "با سرعت ادا مددشت".

- طی جنگ و مجهانی با عوده ایکه متفقین به فلسطینی هاده‌ند که حقوق ملی آنها "محفوظ" خواهد ماند در فلسطین آرائش نسبی برقرار رسد.

- با پایان جنگ بیشتر مهاجرت مهیوبیت‌ها به فلسطین دویا ره و منظم‌تر از پیش شروع شد، دستگاه‌های تبلیغاتی مهیوبیت‌ها با کمک سرمایه‌داران و بانکداران مهیوبیت در امریکا و اروپا به کارافتاده "ترومن" و شیس جمهور وقت امریکا خواستار مهیا جرت ۱۰۵ هزار "يهودی" به فلسطین گردیدواز ۱۰۰ نسیان -

المللی مهیودکه سازمان ندهی مهاجرت یهودیان

به فلسطین متفق‌ولی بود حماست رسید نمود.

- دسته‌های تروریستی مهیوبیتی منجمله بنا مهای "هاگاناه"، "راگون" و "اشترن" اولی تاخت رهبری مناحیم بگین فعالیت می‌کرد

در فلسطین تشکیل شد و بعدها کشنا رهایی از زیع دیبریا سین" اقدا مکرد.

- دستجات مخفی مهیوبیتی انسواع

جنایات را علیه خلق فلسطین سامان دادند.

آنها با توطئه مذیانه ایکلیسیها حتی و انسود می‌کردند که علیه ایکلیس ها میان رزمه می‌نمایند و

- در ۱۹۲۶ وبخصوص پس از مهاجرت ۱۵۰ هزار یهودی به فلسطین، فلسطینی‌ها به بزرگترین

قیام خود علیه مهیوبیت‌ها و اشناگران انگلیسی دست زدند، این قیام متوجه ای که مسلح نهاده و عزالدین قسا مرهبری آنرا داشت بوسیله

انگلیسی‌ها سرکوب شد. سران دست نشانده کشور-

های عربی از مردم فلسطین میخواستند که طرح های رفرمیستی و خاکشانه آنها اعتماد کردند دست از فعالیت انقلابی برداشده، ما هیبت دهقا نی جنبش فلسطین وضع شدیدی که در رهبری آن وجود داشت تا شیران فریبکاری ها را در بین شوده‌ها دوچندان میکرد و جنگش را از حقق پیروزی بازمدشت.

- دول عربی تحت قیاده های خود در مال ۱۹۲۷ با شرکت ۵۰۰ نفر کنگره‌ای تشکیل دادند و مقاومت در برابر بروطخ تقسیم فلسطین را تایید کردند و پیا با ان قیومت بریتانیا بر فلسطین، و ابطال "معاهده بالفور" و مدورقاً نویی جهت معانت از انتقال مالکیت اراضی عرب به مهیوبیت‌ها را خواستار شدند.

- توده‌ها که خواسته‌ای خود را برآورده شده نمی‌دیدند و می‌شوند این شوری دنیوی امیریا لیسته‌ای انجلیسی و دست نشانگان آنها با نوع حیله‌ها

بنیه‌ای مصفحه ۴ حداقل ۰۰۰

افزایش تا آنجا که به دستمزد رسمی و ثابت روزانه مربوط نمی‌شود، بمعنای آن است که حداقل دستمزد کارگران برآسان محسوسات خود را زیم می‌کند. حداقل دستمزد را در مال ۵۹ ریال تعیین کرد، دست کم با بدین مقدار ۴۲۵ ریال در روز تعیین شود.

همچنان که معلوم است در این محسسه مسا

بیکاری و سبع و روزا فزون کارگران را در نظر نگرفتند که معتقد‌بینه‌زنندگی بیکاران

نباشد بوسیله کارگران و زحمتکشان شاگرد و از درآمدنا چیزی ندان مین شود و کارگران و

زمحتکشان می‌باشد برای تحمیل تا مین این هزینه با سرمایه‌داران و دولت سرمایه‌داری مبارزه کنند

ما این مساله را که سرمایه‌داران از راه‌های گوناگون، با نبرداختن دستمزد افزایش کاری

با جمع آوری کمک و اعانت و... زدستمزد کارگران میدزدند را در نظر گرفتند که جراحت معتقد‌نامه کارگران کار

کارگران را افزایش داده اند. تا ان را به سه نهضت، تحریم‌کارگران می‌باشد تولید و ادار

نموده اند و در مجموع شدت استثمار کارگران را از این طریق نیز افزایش داده اند.

ما در نظر گرفتند که با لافتنت سطح زندگی کارگران و افزایش در آماده‌گی آنها به بهای

تهاجم گسترده رژیم به
نیروهای کمونیست
و انقلابی در آمل
ومقاومت توده ها

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی که از فعالیت گستردگی نیروهای انقلابی و کمونیست دارا می‌باشد، در این مدت افتاده بود در حستجوی بهانه و فرماندهی من اسی بود تا بورش و خبائمه را علیه آنها سازمان دهد، عمال رژیم ابتدا به کمک نور جنمی- های امنیت اسلامی و دیگر مزدوران، کسی از کتابخانه‌های "قادی محله" را به آتش کشیده و وسیله این عمل را بد دروغ به مجاہدین نسبت میدهد و با راهی‌ها شمشادی در شهر و حمل پلاکارد - در مرکز لافت با "ما هدیه و بیکار روزمنه حمله" و اجرای هدف پلید خود، یعنی سرکوب نیروهای کمونیست و انقلابی، را می‌جنند. در روز ۱۴/۲/۶۵ بدینیا اعلام می‌تبکی ای ازوی هاداران مجاہدین در دیبرستان خمینی به مناسبت سالگرد شهادت بنیان‌گذاران سازمان مجاهدین خلق، باداران سرمایه‌ها زص حوطه دیبرستان را اشغال کردند تا مانع برگزاری می‌بینیگ شوند، هم‌وزیر مدتی از اجرای مراسم گذشته بود که حمله به سازمان و فعالیت‌ها شروع و با تراویداری آنها درگیری و مقاومت از دیبرستان به سطح شهر کشیده شد، مزدوران رژیم، مردم محلات "ای سکلا"، "ها رون محله"، "جا کسر" و "قادی محله" را مورد بیرون شهای و خشناخت خود قرار دادند، هرچنانچه جریه خوا ران رژیم‌پایی مبنی‌داند، با مقاومت مردم و نیروهای انقلابی و کمونیست روبرو می‌شوند و ماهیت کربه رژیم هرچه بیشتر افشا می‌گشت، مردم حاضر در خیابانها و محلات با شعارهای "مرگ سوار تجاع" و "نشویق انقلابیون و شرکت همه جا شبه در مقاومت انقلابی، مثت محکمی بردها ران رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی کویدند و تراویداری های مداوم سازمان رژیم‌نشتا نست از مقاومت شوده‌ای در شهر آمل جلوگیرد، درگیریها در بعضی محلات، با رحمله "قادی محله" نیامد ۲/۳۵ بعد از نیمه شب ادامه داشت، در این روز جنین سنفردار شرط‌تراندازی با سازمان، رخی و وعد دزا دی هم دستکشیدند، در این شنبه‌ها رنج اینجا به شوده‌ها و نیروهای انقلابی و کمونیست، همکاری رفیع شانین "اکتریتی" و "توده‌ای" بسیار چشمکری بود که از طرف نیروهای انقلابی و کمونیست شدت مورده افتخاری قرار گرفتند.



خبر مبارزات توده‌ها

دستگیری کارآموزان پیکار اصفهان توسط رژیم

ما نند "خدمتی رهبر ماست" کا رحق مسلم ماست" رادرین کارآموزان تبلیغ کنند.
در تاریخ ۲/۱/۹۶ از طرف تشکیلات اصفهان سازمان بیکار در راه راه آزادی طبقه کارگوا علامه ای در افشا خختان استاندار اصفهان بین کارآموزان بخش مشتودگاره بروزیزونیستهای خاشن برخی از علامه ها را جمع کرده و آتش میزند! همینطور در روز ۲/۳/۹۶ اعلامیه دیگری از طرف سازمان بیکار در افشا خاشن برخیزونیستهای خاشن! "کتریتی" بخش میگردد.
در روز ۲/۵/۹۶ شدعا ذیابی پاسبان و پاسدار اسلحه به کارآموزان حمله کرده و حدود ۵۰ نفر را زان را دستگیر ساخته و به زندان میریند سایر کارآموزان نیز، دسته دسته به طرف زندان حرکت میکنند و ضمن دادن شعار هاشی مبنی بر محکوم کردن دستگیری کارآموزان، در میان مردم به افتخار گردی میبرند.
کارآموزان می باید رای پیشورد میبا رزات خود علاوه بر طردهای شنین روزیزونیست بدست به سلیمان خواسته ای خود در میان دیگر کارآموزان زده و بالا چلپ آنها به مقوف خود، مقاومت خود را در مقابل رژیم خدلقی ادا مدهند.

کارآرآموزان بیکار اصفهان آز فرور دین ما ۶۰ به بعد همه روزه در مقابل استانداری اجتماع کرده و خواهان تحقق خواستهایشان که عبارت است از زیارت به کارآموزی در مسال ۵۸ سافشاری که سورزم میا و رند موفق میشوند با حقوق ما هیانه ۱۵۰۰ شوند، ما در میان ۵۹ رژیم تضمین به آخر ارج کارآموزان گرفته و با نبرداختن دو ما حقوق آنها را اخراج میکند.
استانداری اصفهان در طلاقه های بش کفته که این کارآموزان بایدیه کارهای تولیدی حذب شوند! منظوروا و از کارهای تولیدی همان طرحها دلیا سه ماه است که ای از بایان مدت آن، باز همان آشخواه دیگر و همان کاشه، سعنی بیکاری!
در اجتماع کارآموزان در مقابل استانداری رویزیزونیست های خاشن "توده ای" و "اکریست" فعالیت داشته و در بسیاری از کشاورزیان کارآموزان نقش عمده ای دارند. این خاشنین سعی میکنند طلوي هر شما را نقلابی را گرفته و شما رها شنی

از حرکتهای اعتراضی خانواده‌های زندانیان سیاسی
باتمام قواستیوانی نمائیم

برای چندمین بار زندانیان سیا سی انقلابی در زندان‌ها شهسا خوردست به اعتماد غذا زده اند. آنها خواهان رسیدگی به بروندۀ ها بشان هستند. آنها خواهان خاتمه مکنجد در زندان هستند و سعداً از شروع اعتماد غذا، خانواده های زندانیان برای روش شدن و پیغام فرزندانشان بطور مرتب سدا دستانی مراجعت میکنند. و بعد از چند روز و قصتی کما زکارشان نتیجه‌ای نمی‌گیرند، محروم میتوانند مسال خود را با مردم در میان سکانند. آنها با گرفتن بلای ردر درستهای خود در "جهرا راه گشتم" زاده اند می‌استند که با استقبال شدید مردم روبرو و می‌ستند که با استقبال شدید مردم روبرو و می‌ستند.

به استقال حنیش او جگیر نده تو ده ها بستاییم

رئیس سپاه پاسداران کرج :
مشتی است نمونه خروار

کشانیدن اعتماد غذا، دوست از آنها را به زندانیان بیندرعیا و زاده ایان شعبدیکنند متعاقباً زندانیان سیاسی بیندهریانی شیزد همیستگی با اعتماد بیرون دست به اعتماد غذا زده و از خواستهای پرخواج آنها پشتیبانی می‌نمایند. رئیس زندان دیزل آباد (سوران) و ماوریان شهریانی بدکمد با ساران مزدور کوشیدند تا به طرق گونا گون انقلابیون درستندرو به تسلیم بگشانند و جون موفق نمیشوند، به ضرب و شتم اعتماد بیرون میبردازند. حتی یکی از زندانیان عادی خودفرودخته بنام «نیدونالاری» را به حان آنها اندخته و این مزدو رهه همکاری با ساران، انقلابیون را بالگردوسیلی ببا دکنک میگیرند. ما هیچگاه از این اعمال فوجیع نتوانسته است در عزم را سیم اعتماد بیرون دریند خلی و ارادساز، درا شزاده اما اعتماد، چندین تن از اعتماد بیرون به حالت اغا افتاده و خلسر مرگ جانشان را تهدید میکنند. رژیم همچنان به پیکچه و اعمال شنا و تضییقات بر انسان‌ها و درستادا مه میدهد و آنها هم به زمزمه دلاور نهشان. به دفعه از خواستهای پرخواج آنها برخیزیم و حنا بات رژیم را افشا سازیم.

زندانی سیاسی انقلابی به همت توده‌ها آزادی بادگردد!

قرود به جرم فروش نشریه پیکار

عمر و زه شنبه هنگامیکه رفاقتی هوادار روپو
خیابان تختی رشت مشغول فروش نوشیده بودند
کمینه چی ها و پادا ران گلت بدست میاند، در
این هنگا مرغیق فروشنده، نشیره را پایا شنند
آورده و میدودکه با سارههم بدبنا لش میبرود. در
همین لحظات پای رفیق ما سرمیخوردوبا سدار
مزدورههم با کمال بیشتری اسلحه را بطرف صورت
رفیق ما میگردند و ما شرها می گذشتند و بتصورت
رفیق اما بت میکند. در همین موقع مردمی که
آنجا بودند پیکر آغشته بخون رفیق را برداشتند
که با اوتومبیل به بیمارستان رسانند، که
با سداران جنایتکار را تهدید را نشاند. از
اتومبیل بسیار که دارند و مانع رساندن رفیق رخمنی
به بیمارستان میگردند، که با لاخرهای فریاد
اعتراف بکار رجه مردم جمهوریه عقب نشستند
شدن. رفیق رخمنی هنگا میکدرد از توبیل نشسته
بودیرروی نکده کا گذسکاری جملهای نوشته:
۱- رنجاع با ترور انقلابیون فقط گور خسودرا
درکنند.

تبرورا نقلابیون بخاطر فروش شریه ببا نکر
 عجزوزبونی جمهوری اسلامی است و ارجاع
 بهوضوح مرگ خودرا من بینندو به همین خاطر
 هارشدماست و در روزگوش دست به تبرور پیکمای
 انقلاب میزند.
 اما اگر کریم شاه هندا هی توانست از طریق

کمکی از شهرهای دیگر، بورش و خسروانهای
به مردم و نیروهای انقلابی و کمونیست، شدت
ساخت و شهرخالت خفغان پیدا کردۀ بود، اما
منا و متم همچنان ادا نمودا شت.

۶۰/۲/۳ - پاساران به خیابانها و محلات
حمله کردۀ وجدنیں نفرارازمی و دستگیر میکنند
اوچ حملات مزدوران رژیم در محلات "اسیدکلا" و
"ها رون محله" سودو منتقابلا تقاومت توده‌ای هم
بدنسالش کمونیستها از جمله هوا ران سازمان
ما، با نسب پلاکاردهای افتخار از ته و پیخت
اعلامیه و داد رهنودر چکونگی پیشبرد
منا و متم و با لبردن روچمه مقاومت جویانه
مردم‌نشانی ای باکرده و خودبیزش رکت
فعالی در این مقاومت داشتند: مزدوران رژیم
به هر تجمعی تیراندازی میکردند و دور "ها رون" -
 محله "جندین تن از خا شنین وجا سوسان رژیم
بوسیله‌هایی تنبیه شدند.

۶۰/۲/۴ - دربی تبلیغات وسع انتلابیون
وکمونیستها بینی بردعت مردم به مذا و ممت
اکثریتی های خان به نکایو افتادند اما
سیا شی علیه نیروهای انتلابی و کمونیست ،
مردم را به تسلیم در مقابل ارتخاع بکشانند .
بهمنی جهت به خانه های مردم "هارون محله"
رفته و آنها را بدیگ میتینگ دعوت کردند .
هوا داران سازمان بسیکا رئیسرا تهدید متن
بزرگنوسی شده و چستاندن آن به دیوا رها ، توطئه
اکثریتی ها را رسوا ساختند . این میتینگ که
با عده کمی و بهمکاری پاسداران روزگار رشد
بود ، با دادن شعارهای افشاگرانه از روی
توده های انتلابی سر هم خورد .

اعتراض غذای زندانیان سیاسی انقلابی دیزل آباد (قهرمانشهر)

بدنبال شکنجه های فرزندان دلورخان
که درسا ها لیهای رژیم گرفتا رهستند تو سط
دزخیمان حمهوری اسلامی، اعتراضات و اعتراضات
انقلابیون در بند هر روز بیش از بیش بالا گرفته
وزندان بهستگری علیه رژیم ضد خلقی جمهوری
اسلامی تبدیل شده است :

هواست مهندس بازگان از چیست؟

بینهایان کنده کشنس و هر ایسا ایز قیباً متوجه های زحمکش و بای بقول خودش "قیباً مستضعفین" است که شیرازه اوضاعی را که بر ریگان و دیگر سرما به دران طالبیش هستند زه مخواه دیده شد .
سازن، کار و دیگر کار ایسا خودست معتبر فرد

با زرگان هادماز "قانون" و "مبارزه قانونی"
میزیندند ولی آنان شفیعه قانونی هستند که
منافع سرمایه داران را حفظ نمایند و از "اغتشاش"
(بخوا ن مبارزات انقلابی) توده ها ملوك مری
نماید. ری ! آنان بدبناول آرا مش "مکاری
هستند که "سوده" و با خیالی راحت از "خطمر
مبارزه مسلحه ها و شوب دا خلی" و با دستی باز به
سرکوب واستشما رتوده ها ادا مدهند. با زرگان
و دیگر لیبرالها که ازا و حکمری فزا بینده حبس
انقلابی توده ها و حشت مرگ گرفته اند از "حرب
جمهوری اسلامی". بخواهد که با قاطی کردن
"جا شنی قانون" به سرکوب واستشما رخورد و
دست دردست لیبرالهای خائن، بحران انقلابی
حاکم را سودت شبیث رژیم رنجا عی حاکم شنکند
و با تبلیغات وسیع و گستردگی توده های انقلابی
رابدبناول "مبارزه قانونی" که در واقع سراسی
بیش نیست بکشند. ما فرقی دهای رزم توده ها
و سرودهای خشم آنان در گوجه و خیابانها از
قا شم شهرتا ارزلی، از تیرپیک استندج، از تهران
تاسند، عسا، ... دهه های تیک "قائمه"

مریکا و... جریان داردیان میکند.
او از خشم نقلایی توده ها به وحشت افتاده و
به رقبای "مکتبی" خود که فقط پیر و جا ق سروکوب
میگردند "شیرینی" را در کنار "جا ق" نمی بینند
هشدار "میدهد که" تخریب و تعطیل میبا رزه (منظور
میبا رزه) "پارلمانی" و "فتوونی" است (کار
را... به میبا رزه مسلحه ها شوپ داخلی می
کشاند) "درخواسته ای اینها بادا وری میکنند که:
"پس ازان آیا از مملکت و ملت و از روشنگران
روحانی چیزی خواهد بماند؟ (مذاکره منظوری
مملکت سرمایه بدها را و روشنگران و روحانیون
فیباشد پیش میباشد)، او افسوس زمان شاه را
نیز میخورد و دعا فاهمیکند: "بران سعدا زکدتای
مرداد مرمقی و دستگاهها شی داشت و جرخها
میگشت، ما حالا معلوم نیست چهارموجه
میکنیم." "جه خوب این لیبرال خا شن خود را افشا
میکند، رزی با رزگان ازا ینکندستگاه عرضی و
خطویل اداری - نظامی ریسمشانه آننصری که
بود در اختیار روی و شرکایش نیست، غمکن است
و متناسب است که ریسمان میتوانند دوباره آن تنظیم
را ارجاعی و مرکب را حاکم گردانند و از قبیان
حریس میخواهد که: "حالا قتل از آنکه میبا رزه
مسلحانه و قیام مصطفیقین همه شیرازه ها دربر د
آقایان عزیز، بیان شد... دست از انصار
و ادعای بردا رید...." رزی با رزگان نمیتواند

خاطر“چی“ها!!

مرجعین چه خوب ما هیبت خودوسا سنهایشان را افتاد میکنند. مطلب زیر عین گفته احمد توکلی "نسا بینده به شهر در مجلس اسلامی است". "...وقتی که در گنبد زمین ها را تقسیم میکردند، میگفتند چرا، میگفتند اگر نکنم چی- ها میکنند، این همان اسرار شرایط و مصلحت زود گذرشان است" انقلاب اسلامی شنبه ۵/۲/۶۰

آری حل واقعی مسئله زمین، تنها با
حاکمیت جمهوری دمکراتیک خلق و به رهبری
طیوف ای کار خواهد بود.

با و جکبری طوفان خشم توده ها و همزمان با اعتراضات سراسری خلق های مبارز ایران علیه جنایات رژیم جمهوری اسلامی، بیبرالهای خاشن که میدانند علیرغم توهمندی های نسبت به آنان، شعله های آتش خشم زحمتکشان که امروزه بیشتر متوجه حزب مرتع جمهوری اسلام است بنا گزیرگرسیان آنان را بخواهد گرفت؟ نسبتاً شد و خوشت در دنیا نداشت به آینده محظوظ خوبی را بینها سازد و بست و بافتاده اند که "تا دیر نشده قاتون را جرا کسید"! قبل از اشاره بدهیں نکته که برگان و همیلا کی هایش عزای جه "قانوی" را گرفته اند. بهتر است نکاهی گذرا به مقاومت "ما روزه قانوی و ما روزه مسلح" نوشته مهدی با زرگان (مسزا) چهارشنبه نهم را در پیشنهاد ۶ (پیشنهاد) بازگران در ابتدای مقاله اشاره ای به دوران رژیم شاه کرد و صحبت از دست زدن گروهها به معاشر مسلح نه تنها بد و علت آنرا چنین توضیح مدهد: "برای اینکه ما روزه با رلمانی بی خصیت و ازجهتی غیر ممکن در آمد بسود و معاشر روزه مسلح نه تنها چاره بمنظرم آمد و موقتی گفته میشند که جلوی اینکا را هم خواهد گرفت و خده ونا بودتان میکنند جواب میدانند یکنفر را زیر شکنجه بکشند و نفر از میان مردم خواهند چو شد". با زرگان از یکسو افسوس می خورد که

میازده رلمانی در آن زمان غیرممکن بود
و الا اوطرفدا ریروپا قرق "ستفاده" از ملای
فتوسی بود که از "علیحضرت" کدامی اش را
میگرد (گذشته سی سی با رزگان و نیز دفعاً عیا تش
در دادگاه نظرنا می شاهد سی نگران بین حقیقت است)
وازسوی دیگر عما مدانه نمیگوید که از جمله کسانی
که به میازدهن انتقامی میگفتند "تا سودخواه هد
ند" یکی همبا رزگان خاش بود . و پنهان نمیگند
که هرگز خواهان تغییر سیستم رتحا عی حاکم
و با شدیده شدن آن شوده است و شکا بیش از محمد
رضاع شاه مladنها یعنی چهار احادیث "میازده"
با رسمانی "به امثال با رزگان نداد و موجب شد
توده های زحمتکش و روشنگران انتقامی بسوی
میازده قهرآمیز روی آورند (که دورا رخواست
خش خاب لانه با رزگان میازده انتقامی درجا مم
ما جربان می یافت و بیافت (که نه تنها ریسم شاه
سرنگون شد بلکه منافع سرمایه دارانی چون
با رزگان نزبیه خطرا فتاد این لبیرال کاره
کشته میگوید : " . . . میازده رلمانی منسوع
با شدیجان محیطی ، محیط ظلم و فساد است " و با
این حرف شیفتگی خود را به آنچه که در جوا می

دموکراتیسم خرد و بورژوازی، خواهان

کدام نوع "دمکراسی" است؟

اتحاد طبقه کارگر و خرد سوزوازی دمکرات
تحت رهبری برولتا ریابامیتو ندبه پیروزی
دست پیدا کند. و در غیر اینصورت هیچ سخنی از
پیروزی انقلاب نمیتوان در میان باشد. اکنون
کما نلا مفهوم میرگردد که جگونه همچنان که "عشق
سوران" دمکرات های خوده بورزوای را به انقلاب
دمکراتیک وضد میربا لیستی ماکرما می بخشند
و آن راه جبری برخوان ترمیکند، "بی وفا نشی
ذاتی" خوده بورزوای را دمکرات برای سرنوشت
انقلاب دمکراتیک وضد میربا لیستی مایمیسار
خطروساک است. هر کجا متوجه های وسیع خوده
بورزوای دمکرات به همکری بالیرالیسم
مدا نفلایی روی آورند، انقلاب به جه قربانگا هی
کشیده خواهد شد؟ هم اکنون مادرساستهای
سازمان معاهدین خلق بعنوان بر جسته ترین
نماینده دمکراتیسم خوده بورزوای شاهدآشکار
- ترین تزلزلات و تنوasanات دمکراتیسم خوده -
بورزوای هستیم، خطرناک تزلزل مانند
شمیشی، برای ای سران فلکلسان ای ویخته است و
سر بو شت حیثیت، ای تهدید میرگند.

بررسی این تزلزلات و نوسانات در مسیر ای سازمان مجاهدین خلق "درگ مفهوم کراپ خرد بورژواشی و خطرناک نوسانهای مع از رما نهای "به موسیا لستی به همکری پسراللیمضدا نقلایی را بهتر و بینشتر میسر میکند مشی سیاسی سازمان مجاهدین خلق،

اعکاس دمکراتیسم نایپریست است:
سازمان معاهدین طبق اسناد تزی خود را
معهده طبقه سوچبیدی "بیان میکند. جامعه ای
معاهدین خود مختصات آن را اینگونه تصویر
نماید: در این جامعه طبقات و جوشندهای دارد،
بطی پولی برقرار رئیست و مرزهای قومی علی
دی و طبقاتی فروریخته است." (۱۰)

این سخنان در واقع برخی از مختصات
اساسی جامعه کمونیستی راسیان میدارد، علاوه
بر این، معا هدین در تما می تبلیغات خود را ز
سیم "شوازا" و "حاکمیت شوراوش" بحث مکنند و به
ین ترتیب بنظر می رسد که آنان استراتژی خود را تعقیق
نمایند طبقات و کسب آزادی کا مل قوارداده اند
اما سیاست معا هدین خلق درجهت تحقیق
دانش را می دانند.

هرگا در عمل مشخص طبقاً تی، مجاہدین را
رزیبا سی نمایند، با این سوال را آشکارا
درمی باید بیم. بوسیله نکه هم اکنون جامعه معا
دورانی طوفانی را میگذارند. مادران لحظاتی
ز تاریخ کشورمان سرمهیرمیم که در آن انقلاب شامی
بلطفات را به صحته مبارزه طبقاتی رانده است. و بیمه
که اینترین شکل راه و روش آشنا و اینها میگذاشت.
داهودوش مجاہدین نلق چیست؟

مَحَا هَدِينَ خَلْقَ عَلِيِّرْ غُمْ تَبْلِيغَ وَتَرْوِيْجَ

طه هر فیضه جنا ن است که خرده سرور زوازی
دمکرات میگوید: «همه چیز برای مردم و همه جیز
ز طریق مردم» (۵). وجہ عشق و علاقه سوزانی
میتواند در این کلام تخفیف باشد. ما عمل طبقاتی
نه کجا می انجامد؟ خرده سرور زوازی چگونه
دمکراتی را میتوانند بینان گذارد؟ تحلیل
ما را کنستی دولت را به درک باخ این سوال
را هنسا شی میکند: بدولت ابراز رسلته طبقاتی
است و طبقه مسلط، اقتصادوسیاست را در چهار چوبه
منافع خودش هدایت میکند. منافع خرده سرور زوازی
در حفظ نظام مالکیت خصوصی است و خرده -
سرور زوازی برآ سام موقعیت بینا بینی و نیا -
هگویی خوبی نمیتواند سیاست مستقلی را به
بیش بر دولاژرم سیاست سرور زوازی را به بیش
خواهد برد و فنا در سامانه داده از را با سازی و
هدا بیت خواهد نمود. لئن در توضیح سیاست
خرده سرور زوازی در انقلاب دمکراتیک روییه

چنین میگوید:

این سیروپین رهبری برولتاربا و رهبری
بورزوای نوسان میکرد. ولی جراحت
نیروکه اکثریت عظیمی را تنکیل میدهد،
خود خویشتن را رهبری میکرد؟ زیرا بایط
افقنا دی زندگی این توده چنان است که
نمیتوان خودش منحدر و همپوشش شود.^(۶)
دین گوشه این مهر طبقاتی خرد بورزوای
است که بر "دکمرا" ساخته و پرداخته و میخورد
نه مهر "اتوبی" شده سوپالیستی آن.

سازیخ سان داده است که هر کجا خود رده
بورزوایی به فدرت دست یافته است، در مورد
جیا، دستگاه دولتی "بوروکراپیک" - ارجاعی
بورزوای برآمده و بهمراه بورزوایی، با مستغالت
به مبارزی آن پرداخته است. خود بورزوایی
براس موقعيت بینی بینی خود، به روزی
محاب (را) (سوم) (کشا سبده مبتعد و مدعی پیمودن
را هی جزء مبارزه با ری و یا کمونیسم میگردد.
اما تاریخ معاصر ما به من بست رسیدن و ارتاجا عی
بودن چنین خواسته ای را در عمل نشان داده و
برایین حکم لئین کاملاً ص和尚گذا رده است که:
کلیه نلاشها شی که خود رده بورزوای سطورا عم
وهدقا نان سطورا خوبی به عمل آورده استند،
برای اینکه ارسروی خود آگاه گردند و اقتصاد
و سیاست را به شیوه خودشان رهبری نمایند،
تا کنون همه به شکست انجام میدهند - با تاحت
رهبری برولتاریا وبا تحت رهبری سرمایه -
داران - شق ثالثی وجود ندارد. کلیه کسانی
که در آرزوی این شق ثالث مستند، بیندازیان
رسووم پهستان بیوچند". (۷)

رسویا لیسم دروا فعیت خود جیزی حرخیلات شد
رسوایلیستی نیست که حول محور مطالعه ایات
دمکراتیک خوده بورزوایی شکل میگردد. جراحت
حرده بورزوایی دمکرات به حکم موقع
افسادی - احتمالی خود، هیچگاه شمشتو ندبه
معنای صارازه کارکران (که همین منعنه ای در
بنای ریزی سرمایه داداری سدارد)، بر علیه ای بن
نظم ای سردو رسوایلیسم جیزی سیستم خبر-
ادا حقن سطاخ مزدوری سرمایه سراسر ای بن
واقعیات طبقاتی است که حتی رادیکال سریس
سا سندکان خوده بورزوایی دمکرات، اگرچه
در اعطای و شعار رسوایلیسم سپای ریخن بکویسد،
در عمل کامی از دمکراتیسم سایکر "فرا تسر

نهند،
سقول لنس " نیت خبر سوسا لبست بودن،
نا فی (دا سن) جو هری خرد سوز و اند مکراتک
لبست": (۴)

شیخ تھیلہ سوپریسٹی

خودکاری در عمل:

حال، بهای نکته می برد ازین که شیوه سخنرانی می خواهد، در عمل به کجا منتهی میگردد. محور این تحلیلات و ساختن دیگر "انتوپی" خوده بورزوایی مذکور است، آشنا می باشد. طبقات اس-که با بد های آن سازمان یافته اند، میتواند جزء بورزوایی در عرصه مولیدا حتماً ایستادار شده است. خوده بورزوایی که به حکم موقعیت خود در میان دو طبقه کارگروه و سرمهای ردرنوسان است و با زاسیب همین موقعیت، نهی تواند قطعاً بیکی از این دو طبقه بیرون نمود و نتیجتاً سیاست اندیشه می بازد. فکر آشنا کارگروه و سرمهای دارای برخیزد، فکر آشنا کارگروه و سرمهای دارای رذنهن خودمی پرورا ندورد مددخانن پلیسی میان طبقات برمی آید. این تفکرات، خوده - سورزوایی مذکور را به تخلیات موهم و مسری از قبول اینکه: میتوان بردوگی مزدوری را بدون مساوازه طبقاتی سرازداخت "ومیتوان ساجنه زدن و نصیحت سورزوایی را به راه آورد" و "می- توان از طریق توزیع عادله، استثمار سرمهای داری را تعدیل نمودواز میان بردآشت" و "نظیر آن میگذاند. این جمیں هیان مبنی که حتی اگر در حرف بالا دیگل ترین جملات برعلیه سورزوایی مسحور گشته باشد، در عمل آشکار طبقاتی خود را می نمایاند، سبب میگردد که حتی مذکورات ترسی قشر خوده بورزوایی در صورت نموده هری قاطع و پیکربندی کارگروه انتقالات دمکراتیک، در عمل به سازش طبقاتی در غلطدو

با سوزروزی هفت سو و
با رازشین سقطه‌ای که ما هیبت واقعی جمله
بردا زی های شبه سوسیالیستی خرد بسور زوازی
دمکرات را خلوه گر می‌سازد، روش آن نسبت به
"دمکراسی" بیشتر برخورداران به "دولت" است.

نتیجہ گیری کنیم:

- خرده بورزو زوي سه حکم موقعيت اقتضا دي
- اجتماعي خود همچگاه مخواهان نا بــودي
- مــا لكت خصوصي نسبت بدین لحاظ ما هــیست
- دمــکرا تسم خرده بورزو اــاش در حقیقت بورزو اــاش
- است .

- دمکراتیسم خرد بورژوازی از جا که حاصل مطالباتی است گذشته در صورت پیروزی انقلاب دمکراتیک میتواند بدان دست باشد دمکراتیسمی واقعی است. اما حوزه خود را بورژوازی به حفظ ما لکیت خصوصی دلیل است و خواستهای خود را محدوده‌ای جستجو میکند که از مطالبات بورژوازی فراتر نمیرود. دمکراتیسم خرد بورژوازی ناپیگیر است.

۳- خرده بورزوایی بین طبقه کارگر و بورزوایی سوان میکند. سمت وسوی ایشونوسان را نیز جایگاه انتقامادی - اجتماعی ایله های منقاوت طبق نامهکون آن تعبین می - خدمابد (یعنی نزدیکی به طبقه کارگریا بورزوایی) از پسزود مکرا تسلیم ایله های منقاوت خرده بورزوایی به نسبت نزدیکی به طبقه کارگریا بورزوایی از درجات مختلف نامهگیری برخود راست.

۴- خرده بورزوای سراس موقعت
بینا بینی و نا همگون خوبش نمیتواند سیاست
مستقلی را به بیش برد، با تحت رهبری
پروولتا رایا وبا تحت رهبری سورزوای
نالشی وجود ندارد. در مرور عدم رهبری طبقه
کارگر، خرده بورزوای سیاست بورزوایی را در
بیش خواهد گرفت و اقتضا دسرما پهدا رای را باز
سازی خواهد کرد.

۵- دمکرا تیسم خرده بورژوازی به اتفاق‌لاب
دمکرا شیک و خدا مهربا لیستی گرما می‌بخند و آن
را هرج دبرتو نتر می‌کند. ما نا پیگیری آن -
در صورت عدم رهبری طبقه کارگر - میتوان دنباسه
هر ما هی با لیبرا لیسم خدا اتفاق‌لاب منحر گردد و به
اتفاق‌لاب ضریب زند.

اين سوالات پاسخ دهيد:

۱- ناپیگیری دمکراتیسم خرد بورژوازی
از کجا سرچشمه میگیرد؟

۲- نعمت‌های انسانیستی خود را، زمانی،

۱- سوچنے سی، رک پستیری مز، مور روری
را درا برا ذکر کنید؟

۲۶ در صفحه

رقمها:

- (۱) دو تا کنٹک سوسیال مکرا می در انقلاب روسیہ - لندن *

(۲) احزاب سیاسی در روسیہ - لندن

(۳) ازنا روڈ نیم تا ما رکسیم - لندن *

(۴) بیلشوم و منشویم در انقلاب دمکراتیک *

(۵) احزاب سیاسی در روسیہ - لندن

(۶) سخرا اسی در کنکرہ کشوری کا رگرا ان حمل و سقل روسیہ - لندن

(۷) سخرا اسی در کنکرہ کشوری کا رگرا ان حمل و سقل روسیہ - جمیع عالم ر - لندن *

مورد زیر توجه کنید:
مجا هدین در توضیح دلایل خدا میریا لیست
بودن میگویند: "اگر سرمایه داری و استان
 Hust در میرانداختن پولی کردن آن نتایش کند.
اگر مهرهای ای و استنده در گوش و کوتا را رش و هر
دستگاه دیگراست، تغییر آنها نتایش کند.".

محاهدین با این سخنان و بسیاری دیگر از خواسته‌غاشی که پس از قیام تاکنون در پیش روی دولت ارتضای عی جمهوری اسلامی قراردادهادند و تحقیق آن را از این رژیم طلب کرده‌اند (ما نند برسمیت شناختن شوراهای و....) مفهوم مبارزه فداییین البستی را در حد "فرم" هاشی تقلييل داده‌اند. تمامی بحثهای گذشته‌ها مانشان

داده که میبا رزه خدا میریا میبینی از طریق داغان
کوکون دستگاه بوروکیرا تیک - ارتقا عی دولت
سرما بدرا ری که عالم مستحب حفظ سرمایه داری
وابسته است بیگذرد. بدون این داغان کردن
و پرقراء رسمودن دمکراسی خلقی میبینی بسر
شوراهای مردمی زحمتکش، سختی ازقطع دست
امیریا لیست میتوانند درمیان باشد. درغیرا بن
مورت "ملی کردن" و "تصفیه" محتوا شی بوروزاشی
خواهد بینیفت و در خدمت امریا زاسازی سنت

سرمهاد ری قرا رخوا هدگرفت و این چهار
است که نه تنها خواست طبقه کارگریست، بلکه
مطلوبات سایر حکم‌خان را تیزبرآورده نمی‌
نماید. برزیم جمهوری اسلامی که با استفاده از
جنش خونین کارگران و زحمکشان دستگاه
دولتی بورکارانیک - ارجاعی، برزیم وابسته
پهلوی را متصرف شدواز همان فردای پس از
قیام به سرکوب انقلاب توده‌ها و با زیارت سیستم
سرمهاد ری و استبداد خود میتوانند
دمکراتیا شووندند امیریا لیست. مطالبات
دمکرانیک داشت از این رژیم و آب تغذیه‌
رسیختن برسر بخشی از بورزوایی که در قدرت
دولتی نیز سهمی است (ترجمه اکریسمیت) و دادر
ارجاعی بودن آن تغییری نمیدارد (جز تبلیغی
آن شی طبقه‌ای، هیزدیگری نیست.

منافع انقلاب دمکراتیک و خدا میریا لبستی
شوروما با چنین سیاست انحرافی، کما ملاو قطعاً
درستخواست است. این منافع اتحاد مستحکم کارگران
وزیریتستان را بر ضد کل طبقه بورژوازی ایران
که حال منافع امیریا نیمسر جامعه میباشد،
طلب میکند. گمونیستها و انقلابیون اکنون
وظیفه دارند که ما هیبت و اقیعی بورژوازی را برای
کارگران و زحمتکشان افشا کنند و با این
رسیله ازدواج نہشدن توده زحمتکش بدنیال
بورژوازی ضد انقلابی جلوگیری نمود - هرگاه
نمایندگان آنکه طبقات کارگروز حمکش
نتوانند این وظیفه را بایخ خود را به انجام
بررسانند، انقلاب توده درخون کارگران و
زمینکشان غرق خواهد شد. و نعمیب و پهله آن به
بورژوازی خاشن و پویسیده میرسد. امری که
معا هدین انقلابی قطعاً خواهان آن نیستند.

خواستند توده ها به اتفاق ضاد مهربا لیستی و
دمکراتیک و علمی رغم کما مهاشی که درز مینه تنکل
توده ها ببردا شته اند، بدرسیا سنت نقطه اثنا کاه خود
را آجنبان بر می گزینند که نهایا، علمی هر هر
خواست و شما پیل آمان، به مخدوش کردن میرز
انقلاب و بعد انقلاب و تبلیغ سازش طبقاتی
منجر میگردد. جگونه و حظ طور؟

مجاهدین میتوانند تا تکنیک خود را برخواهند
میان دوپیش ازبوروزایی در هیئت حاکمه
میگذرند. آنان با تکنیک برا بین مشله که
نمای روزات دمکراتیک در راه پهروزی بروط طے
امیریا لیسم مهم است، ازبوروزایی لیبرال
حکایت میکنند و این حکایت آنها ندانند.
کستردۀ ای به خود میگیرد که مجاہدین نه تنها
بکلمه نیزدرا فنای این "تحمد" که خود، آنرا
موقتی سیدانند، تعمیک بندونی نویسند،
بلکه به حکایت همه جا نسبه از پی مدروریا را نش
نظرپریز را زگان می بوده اند. مجاہدین سه
شوریزه کردن این تاکنیک برداخته و ملام
میتوانند که: "بوروزایی متوسط روپ
و استگی" را هنوز جز دشمنان خلق محسوب
نمی کنند. !!

به این ترتیب مجاہدین خلق بدها مان
انحرافی اساسی درمی غلطندگه متوجه محثوم
ان همکری و همکامی بالیبرالیسم‌دانقلابی است.
مجاهدین خلق مبارزه برای دمکراسی را از
می‌بازد و علیه‌ها مهرباً لیسم‌ جدا میکنند.
لبیرالیسم میان پوسیده بورژوازی را "دمکراتیسم"
جا میزند و بودجه اتحادیاً بورژوازی لمپرال کدر
واقع کفالت امپریالیسم را در ایران بهمهده
دارد (وما در بحث‌های گذشته خود، ما هیبت به
اصطلاح دمکرا نیسم آن را روشن و افشا نمودیم)
دست میزند و به این ترتیب درگ "مساواه"
طبیقاتی و خرد بورژواشی خود را از "دمکراسی"
و دمکرا نیسم به نمایش میگذاشتند. در کنی کسے
پیاده نمودن آن در عمل به این سیاست انحرافی
و خطرناک می‌انجامد.

”مجا هدين خلق“ صـ انتقلاب وـ دـ انتـ لـ قـ بـ رـ اـ دـ رـ هـ مـ بـ يـ بـ زـ دـ ، جـ رـ اـ كـ بـ جـ اـ اـ تـ اـ حـ اـ دـ بـ اـ كـ مـ نـ يـ سـ تـ هـ اـ وـ اـ نـ قـ لـ بـ مـ بـ سـ وـ كـ شـ رـ طـ لـ اـ زـ مـ بـ مـ بـ رـ وـ زـ اـ اـ نـ قـ لـ اـ بـ دـ مـ كـ رـ اـ تـ يـ اـ سـ تـ بـ سـ وـ يـ بـ رـ وـ زـ اـ زـ دـ خـ لـ قـ خـ سـ روـ مـ يـ وـ رـ دـ ، جـ نـ يـ اـ تـ اـ حـ اـ دـ هـ رـ چـ دـ مـ وـ قـ سـ وـ مـ دـ مـ بـ رـ وـ طـ بـ اـ شـ (گـ رـ چـ) مجـا هـ دـ هـ يـ آـ نـ رـ اـ بـ هـ بـ چـ کـ وـ نـ اـ نـ قـ دـ اـ فـ شـ اـ گـ رـ مـ اـ هـ بـ هـ بـ سـ وـ رـ وـ زـ اـ زـ لـ بـ هـ رـ اـ لـ ، مـ شـ رـ وـ طـ نـ هـ مـ دـ اـ نـ (دـ رـ شـ رـ بـ طـ کـ وـ نـ سـ) حـ اـ مـ مـ مـ ، جـ زـ خـ اـ کـ باـ شـ يـ دـ هـ نـ دـ رـ جـ مـ تـ وـ دـ وـ بـ اـ نـ حـ اـ فـ کـ شـ اـ دـ نـ زـ حـ مـ تـ کـ شـ اـ نـ اـ زـ اـ نـ قـ لـ بـ دـ نـ يـ سـ . مجـا هـ دـ هـ يـ آـ نـ رـ اـ بـ هـ بـ چـ کـ وـ نـ اـ نـ قـ دـ اـ فـ شـ اـ گـ رـ مـ اـ هـ بـ هـ بـ سـ وـ رـ وـ زـ اـ زـ لـ بـ هـ رـ اـ لـ ، مـ شـ رـ وـ طـ نـ هـ مـ دـ اـ نـ (دـ رـ شـ رـ بـ طـ کـ وـ نـ سـ) اـ نـ حـ اـ فـ کـ شـ اـ دـ نـ زـ حـ مـ تـ کـ شـ اـ نـ اـ زـ اـ نـ قـ لـ بـ دـ نـ يـ سـ . اـ بـ دـ رـ کـ مـ دـ حـ دـ دـ ، خـ وـ دـ رـ جـ وـ جـ اـ نـ بـ دـ یـ گـ رـ اـ زـ بـ اـ سـ مـ جـا هـ دـ هـ يـ آـ نـ زـ بـ یـ سـ نـ هـ مـ بـ مـ گـ دـ اـ رـ بـ

۶ - مجاہد شمارہ

دهقان را به مزدوران بومی خود تعطیلیم دهد. از سال ۱۹۷۹ تاکنون رژیم نظامی حاکم نزدیک به بیست هزار تن فرآراز کارگروه‌های وکومونیست و انقلابیون دمکرات را قتل یا مکار کردند. هزاران تن فرآراز نزدیک از کارگروه‌های وکومونیست و ترین شکجه‌های وحشیانه قرار داده است. اما این جنایات خلق السالوادور را زیارت‌گران باز نمی‌دارد. خلق السالوادور و خلق‌های جهان هرگز جنایات، تجاوزات و تبیکاری همای امیریا لیسم امریکا را فرا می‌خواهند کرد و امریکای جنایتکار بنا نهاده که از کارگران و خلق‌های جهان با لآخره درزیز پر ضربات سنگین انقلابات خودبار نکی های شاشیت را به گوره خواهند نموده.

رژیم ارتجاعی بوگولویی صدها نفر را به شهادت رساند!

در فروردین ماه امسال کارگران زحمتکشان ودا نشجوبان انقلابی ایالت "کوسووا" در بوگولویی به مبارزات قهرآمیز و انقلابی دست زدند. مردم این ایالت عمدتاً آلبانی‌شی هستند و تحت شدیدترین تبعیمات سیاسی فرهنگی و خلقان و سرکوب قرار دارند. جمعیت این ایالت اکثر جهه ۱/۶۰۰۰۰۰ نفرمی‌رسد و سومین ایالت را از نظر جمعیت تشکیل میدهد، اما این اقلیت ملی فاقد جمهوری بیباشد و در عین حال از بالاترین درصد بیکاری و فقر و فلکت برخوردار است. در برترین این محرومیت‌ها که عامل اصلی اش رژیم سما پیدای

بوگولویی بیباشد شد توهه هاست به ظاهر وسیع زدند. آنها به خیا بانها ریخته و در حالیکه شماره‌های مبنی بر آزادی قلم تغییر نمی‌دانند که تا من کاروا جاده‌جمهوری کوسووا شی میدادند به زد خود را پلیس فاش نمی‌نمی‌شوند. آنها خود را خسته و در حالیکه اشغال از همان آدمکنان رژیم استادگی کردند و مرتعیون حاکم شندر ۱۱ فروردین از هزار را بین منطقه‌گسل داشتند و تهرات را به خون کشیدند. آن زمان تاکنون در حالیکه منطقه‌ای اشغال از همان وکارخانه‌ها تعطیل گشته است تهرات همان ادامه دارد. طی این مدت طبق اخبار را دیسو آلبانی نزدیک به هزار تن به قتل رسیده‌اند و مدهاتن دستگیر و هزاران تن زخمی گردیده‌اند. در حال حاضر احتقان اعاده در منطقه‌ای است، هرگونه گردهماشی شدید به خون کشیده می‌شود و مردم بخشیده کنترل و بازرسی می‌شوند. مردم منطقه‌ای داده از روحیه تعریضی بوده و در پی اینست حقیقت کشورهای بورژوا - آری اینست حقیقت کشورهای بورژوا - رویزیونیستی! رویزیونیستهای خائن می‌باشند.



"فاین سند": مشت افراشنه پرنسه خلق ایران

می‌گویندندما در عمر مدنون سرمیبریم در سال تندن، سال ۱۹۷۹ ولی آنکه اکنون اطرا فهم نظره میکنم آنچه می‌بینم تکمیله مدنون است رنج مدنون و ریاکاری مدنون.

این عمر مدنون برای کودکان خردسال از مادران می‌باشد آن از گرستگی از بای می‌باشد آنچه می‌بینم اینکه ایرانیان از می‌باشد: چرا؟

و دخترکانی محروم از زن پوش در حریق سرخاسته از ناپالم در دل شب فرباد زنان دورمی شوند

طور فوق سرده بای سندز در زمنه معروف ایرانی است که با لآخره می‌ازع روز اعتماد غذا در زندان امیریا لیستهای انگلیسی جان سپرد. سالیان دراز است که مبارزات استقلال طلبانه خلق ایرانیان سندز را نهاده گردیدند در سراسر جهان است. امیریا لیستهای انگلیسی همواره تلاش کرده اند همراه با سرکوب و حشیانه این خلق، مبارزات آن را کا ردوگروه مذهبی کاتولیک و پرتوستان و اسلامکندولی نکاهی به همین چند سطر شعرکه ما نقل کردیم نشان می‌دهد که جوهر می‌زده طبقاتی زحمتکشان علمیه است شما را که می‌خواهید رسانید و می‌خواهید می‌زندوا بنی خلیفه را بیان میکنید که مبارزه ملی خلق‌های تحت سلطه حرشی از می‌زده طبقاتی می‌علیه امیریا لیسم جهانی می‌باشد.

می‌زدراز خدا سنتها را ایرانیانه داراه حق تعیین سرنوشت ساقه درازی داردو می‌روزد مبارزات قهرآمیز و ایرانیانه دارند و با یکاه وسیع "ازش جمهوری خواه ایرانی" (I.R.A) به جهان او حی رسانید که بصورت یک در درس "بزرگ برای امیریا لیسم انگلیس در آمد" است. "با سی سندز" فرزندان می‌زدراز است. اوردن ۱۶ سالکی کارگر کانک شد و از خلق دلاور السالوادور و انقلابیون مسلح آن همچنان علیه امیریا لیسم امریکا و نوکران داخلی اش می‌جنند. تاکنون جنبش مسلح از خلق السالوادور ضربات سنگین برداشته و ساخته روزیم حاکم را به مرگ قطعی خود نزدیک - ترسیمه است. نوکران مزدوران امریکانیز برای ادامه حیات خود بیش از بیش بدریافت کنک از ایرانیان و کشتن خلق مشغول بیباشد. اخیراً ۱۱ امیریا لیسم جنایتکار امریکا توان از کرده است ۳۵ میلیون دلار کمک نظا می ۹۳۰ میلیون دلار کمک اقتصادی به رژیم نظا می‌کام بدید. امریکا کمک می‌نماید تا جنایتکاران حاکم را از سقوط نجات دهد و در کنار این کمکها مستشاران تبهکار خود را به این کشور ارسل می‌کنند. جنگنگی قتل و کشتن را هزاران کارگر و

جنایات امیریا لیسم اموریکا در السالوادور

آن موقع دزا تحدیده کارگری به فعالیت همان متفوق شد و در ۱۸ سالگی به ازش جمهوری خواه ایرانیانه دست گرفت. بیکار سعدیه جرم حمل اسلحه د سال زندان حکوم گشت. شش ماه پس از آزادی از زندان در سال ۱۹۷۷ دوباره به حرم حمل سلاح دستگیر و زندانی کردیده و در زندان از هنگام زندان محاکم گردید. اوردن ۱۶ سالگی به ازش جمهوری خواه ورودا زیوشنده لباس زندان خودداری کرده و خواست را که گردیدن ته بیعنوان زندانی جنایی بلکه بعنوان زندانی سیاسی شاخته شود. در زندان اورهی اعتماد زندانیان سیاسی

وضعیت آوارگان جنگ ارتجاعی در اردواگاههای شوستر

با شروع جنگ ارتجاعی و اداء مادا، عده‌ای از حمکنان آواره جنوب علاوه بر مدارس و ساختمانهای سیمه‌سما مدولسی، در رودواگاهی علم الهدی، کمر سندی، عبای سیده و قمی حسین و ... شوتورستکنی گزندیده است. وضعیت این آوارگان همانند ساده برخناط است. از تظریه‌آب در مضیقه بوده و از پیدا شدن خبری نیست و در معرفت خطرگرسنگی قرار نداشت. آوارگان به علت سکی درجا در، تا جندي پيش از سارندگي هاي شدیدرنج ميپرند و اكتون از بادوگردوخاک و حشرات موسي و ماوعقبر در عذاب هستند. يك آوارگان عرب ميگفت كه بخاطر دربارافت كشك ناچيرغا شد و تحت فتارگرسنگي، اتفاقی را که در در سده داشته، بهمراه ۱۵ خانواده دیگر ترک گفته و همگي به مسجدکوچ گرده است. بدنسال گرم شدن هوا، ماروغعقرب در رودواگاه زیاد شده و تابحال آوارگان چندين ماردراردوگاهه کشته‌اند. كشته‌ار، آوارگي، فلاكت، يك مسكنی، نداشت پيدا شت، گرسنگي و خطرمند و ... آري اين است از معان جنگ ارتجاعی رژيمهای جمهوری اسلامی و عراق برای زحمکنان.

حرکات فاشیستی پاسداران سرمایه در خوابگاه المپیك

رژيم‌مدخلقی جمهوری اسلامی، پس از سرکوب تحصیل‌گرانهای اسلامی، شرکت نفت جنوب در محل وزارت نفت تهران، دست به يك سرمهی اقدامات سرکوبگر شده درجهت ایجاد رعب و وحشت در میان آوارگان میزند. ابتداء مأمين‌های سپاه‌که برای افزایش بودند، به رفت و آمدهای مکرر در محل سکونت خانواده‌های کارگران و کارمندان آواره‌می - پردازند و سپس نمایندگان آوارگان را که سرای رسیدگی به خواسته‌شان به ساختمان مرکزی شرکت نفت رفته بودند مورد هجمون قرارداده و ۴ نفر را دستگیر میکنند. اما تما اینها، ترازو آغاز هجوم وحشیانه سرمذوران رژيمهای خوابگاه آوارگان بود. بعداً زندنهایه مزدوران رژيم و سپاه، دهکده اتحادیکار راکه محل سکونت آوارگان است تخت فشارهای پلیسی و اقتصادی خود قرار داده و بروای بقیه در صفحه ۲۶

جنگ و آوارگان

مقامات در بلوکها بوجود می‌آید و در مقابله سرکوب ارش و پاسداران بتوانند مقاومت کنند. بدون داشتن چنین شوراهاشی، مطمئناً رژیم و رکاها پیش برآ هستند و میتوانند هر جریان را سرکوب کنند. ما با تمام توان خود، ضمن حمایت همه جانبه از هر حرکت انتقلابی هم‌اعلیه رژیم‌جمهوری اسلامی، حمایت دیگر حمکنان خوزستانی و آبادانی را به طرف شما جلب کرده و فریاد حق طلبانه تان را به گوش آشنا خواهیم رساند. واژه‌ی کوشنی در راه پیروزی شما در بین خواهیم کرد.

نا بودیا دستوطشهای رژیم‌جمهوری اسلامی برعلیه جنگزدگان!

مکن حق مسلم آوارگان جنگی است؟ زنده با دیگار رشته ها برعلیه رژیم جمهوری اسلامی!

برقراریا دامنه روزی دمکراتیک خلقی! بینقل از اعلامیه "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - تشكیلات اصفهان" با اندکی تلخیخ ۱۴۰۰/۲/۸

تشکیل تعاونی توسط آوارگان و توطئه‌های رژیم

خبر آوارگانی که خود را در هر کدام ایمان داشتند، در مقابله این سرکوب و سمع رژیم، جنگزدگان علمی غم مقاومت خود، بعلت نداشت تشكل، برآ گشته می‌شوند و رش و سپاه، آشنا را بلوکها بیرون می‌کنند.

زمکنیان مبارز، جنگزدگان مبارز خوزستانی! از همان آغاز جنگ ارتجاعی، مسئله مکن برای آوارگان مسئله‌ای اساسی بوده که رژیم خدخلقی بدون اینکه بتوانند خواهد بدهیه این با سخن بدده، می‌رزا ت آنها را درجهت مصادره انتقلابی، سرکوب کرده است. سرکوب آوارگان ملک شهر، سرکوب کارگران می‌رزا شرکت نفت و با لآخره سرکوب آوارگان فولادشهر، نشا دهنده این چهره ارتجاعی رژیم در حمایت گستردگه اش از سرما بیداران و هتلداران بزرگ می‌باشد.

جنگزدگان مبارز خوزستانی! مهمترین علیتی که باعث در هم شکستن مقامات جنگزدگان فولادشهر شد، نداشت اتحاد و تشكل بود. آوارگان می‌زفولاد شهر همچوون شورا از افراد انتقلابی تشکیل می‌دادند این شورا، کارها بشان را همکنند و کندوا زطرف دیگر بعداً زواردهشند به بلوکها می‌باشد بک شورا ای

حمله وحشیانه ارش و سپاه پاسداران به آوارگان زحمتکش فولاد شهر

در حق آوارگان زحمتکش ایاشی ندارد، و تابحال با سرکوب وحشیانه آوارگان در شهریار، ملک شهر، ما هشtero ... ما هیبت خدمه‌ی خود را به خوبی نشان داده، اینها را هم در فولاد شهر جای خواهی افربید. جریان واقعه‌ای را بین قرار است که عمر روز شنبه ۵ اردیبهشت تعدادی از آوارگان جنگ زده‌جهت معا در راه انتقلابی بلوکهای فولاد - شهر را در منطقه می‌شوند. ارش و سپاه این آرگان - های سرکوب رژیم، به قصد جلوگیری از اقدام انتقلابی جنگزدگان وارد صحنه می‌شوند، اما مقاومت آوارگان آنان را مجبور به عقب نشینی کرده و حدود ۳۰۰ خانواده دیگر را در بلوکها می‌گردند.

ارتجاع وحشت زده‌ای این اقدام انتقلابی با ریدیکروز یکشنبه ۶/۲/۱۴۰۰ ساعت ۲ بعد از ظهر، ارش و سپاه پاسداران را با ۳- سپاه راغ جنگزدگان می‌فرستند. با سرما به شروع به ضرب و شتم آواره‌ها می‌کنند. با ساری بالکده شکم زدنی می‌کویند، با ساری دیگری با قنداق تفنگ به سر زدن دیگری می‌کویند که خون جاری می‌شود. مزدوران رژیم با جا قوبه جوانان حمله کرده و عده‌ای را نیز دستگیر می‌کنند. در مقابله این سرکوب و سمع رژیم، جنگزدگان علمی غم مقاومت خود، بعلت نداشت تشكل، برآ گشته می‌شوند و رش و سپاه، آشنا را بلوکها بیرون می‌کنند.

زمکنیان مبارز، جنگزدگان مبارز خوزستانی! از همان آغاز جنگ ارتجاعی، مسئله مکن برای آوارگان مسئله‌ای اساسی بوده که رژیم خدخلقی بدون اینکه بتوانند خواهد بدهیه این با سخن بدده، می‌رزا ت آنها را درجهت مصادره انتقلابی، سرکوب کرده است. سرکوب آوارگان ملک شهر، سرکوب کارگران می‌رزا شرکت نفت و با لآخره سرکوب آوارگان فولادشهر، نشا دهنده این چهره ارتجاعی رژیم در حمایت گستردگه اش از سرما بیداران و هتلداران بزرگ می‌باشد. جنگزدگان مبارز خوزستانی! مهمترین علیتی که باعث در هم شکستن مقامات جنگزدگان فولادشهر شد، نداشت اتحاد و تشكل بود. آوارگان می‌زفولاد شهر همچوون شورا از افراد انتقلابی تشکیل می‌دادند این شورا، کارها بشان را همکنند و کندوا زطرف دیگر بعداً زواردهشند به بلوکها می‌باشد بک شورا ای

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است برعلیه توده‌های ایران و عراق

نگاهی به تجارت و درس‌های یک اتحاد عمل

روشن شدن وضعیت نیروها و ترکیب گمیت برگزاری حقوق هریک تنما شدم. جراحت از نظر ما بحث برسنید علم نیرو، در اتحاد عمل و چونگی تا شیوه آن در مناسبت نیروها در این حرکت متعدد علیرغم اهمیت آن، جیزی بود که میباشد است بعد از باخت مریبوط به پلاتفرم مورت گردید و درست از آن جا که میباشد "نیرو" درست حقوق مساوی و سراسر نیروها دیگر، درست از زا و بهمین مسئله "نیرو" را میگردیم و نه اینکه آنها را بطور کلی رفته شیم، بنا بر این معتقد بودیم که بحث برس حقوق آنها در این اتحاد عمل بسیز باشد بدیناربیت پلاتفرم موقول شود. این جیزی بود که مورد

رمینه ذهنی لازم در نیروها دمکرات - انقلابی و خوب میداشت، طبیعتاً میتوانست جان تنظیم گردد که با حقط حملت انقلابی خود، بوا بذیرفتن جدا کشنا نعطای فنا کنیکی، نیروها دمکرات - اسقلابی را نیز درگیر کرد و از این لحظه با بهای این اتحاد عمل و همکاری دریک زمینه مشخص، بحوالی یک پلاتفرم انقلابی و منعطف را قوا میخند و وسیع ترین نیروی ممکنها مختاراً فو کرد - آوری نماید، لیکن از آن جا که در شرایط ملاحظات هنوز مینه های ذهنی همکاری و اتحاد عمل وسیع نیروها دیگر، درست این نیروها که میتوانست، فرا همین بود مجا جدین (ما نیروها) این اتفاق را میگردیم تا ضمن این اتحاد عمل (وهم) اکنون نیز شده است (وازنی، روشن بود

- تشکیل یک صفت متحد انقلابی با شعارهای انقلابی در مقابل رژیم و روزیزیونیست های ضد انقلابی، نقطه عزیمت ما برای تشکیل یک اتحاد عمل در روز اول ماه مه، بود.

توافق مادر و فقای فدا شی بود، لیکن مورد بذیرش نما بینه دنای جنایت چب نبود. به اعتقاد ما "جنایت چب" بعنوان یک نیروی دارای هویت معین و شناخته شده، تشكیلاتی و نیز با بهای قابل قبول توده ای، نیمیتوانست با حقوق مساوی از هر تلاش درجهت تا مین زمینه های خوبید. لیکن علیرغم این اعتقاد خود، ما این مسئله را یک مسئله مورد بحث بعد از توافق برسر پلاتفرم میدانستیم و در عین حال نهایتاً قائل به انتقام گرفتن از این اتفاق بودیم، اگرچنان نجهجا خلاف برسر آن موج از همها شدند کل اتحاد عمل میگردید. این جیزی بود که ما از قبل، بدلیل مصالح مهمترها سی تری که در این اتحاد عمل می - دیدیم، آگاه نه بذیرفتنه بودیم و آن را در طبقی نامه ای با لالاع از زمان چریکهای فدا شی خلق رسانده بودیم.

راه کارگر و روحناج جب اکثرت، تا آنجاکه مربوط به بحث ترکیب نیروها بیشتر، هریک بتوانی وارد مذاکره نشده و با آن کاره گرفتند، راه کارگرها این بهانه که بپیکار خارجی همکاری نیست و مزد های بیش محدود وارد مذاکره نشده اوجناج جب با این پیش شرط که ابتدا با پذیرفوت برآورده با نیروها دیگر تضمین شود و سپس حول پلاتفرم بحث کنند، از مذاکره کننا ورفت.

که شرکت آنها در این اتحاد عمل مشخص، منتظری خواهد بود. بنا بر این ما این پلاتفرم را توجه شدیم و اعمیت تنظیم نمودیم، من آنکه معتقد بیم نیروها که میتوانست، باید بسیار که ضرورت چنین اتحاد عمل هایی حول مسائل مشخص، از هر تلاش درجهت تا مین زمینه های ذهنی اتحاد عمل میان نیروها دمکرات - اسقلابی با نیروهای کمونیست دریغ سورزد. این انتقامی باید بسیار که میتوانست درین شرایط متعاقباً از اطراف زمان چریکهای فدا شی خلق، یک پلاتفرم چهار رماده ای پیشنهاد دشکه رئوس آن عبارت بود از:
۱- خدا انقلابی دانستن حاکمیت -۲- صرورت.
رهبری طبقه کارگرها انقلاب دمکراتیک -۳- میاره برای دمکراسی از طریق مبارزه با انتشارهای این انتقام و ایجاد شورا های انقلابی -۴- شوارهای خدا میرا بیستی.
در مرور ترکیب نیروها شرکت کننده نیز رفاقت مطرح کردند که از نظر آنها راه کارگر و اکثریت جنایت چب نیرو را رجوب نیروها ای قابل همکاری می کنند. وا زاین نظریه آنها نیز پیشنهاد همکاری داده اند.
بعد از این پیشنهادات و برخوردها، به عنای زیردرشت مشترک دو سازمان مورت گرفت:
۱- در مرور ترکیب نیروها نظریه هدف اصلی ما یعنی تشکیل یک مف انتقامی، اعتقاد ما چنین بود که مذاکره برسر پلاتفرم را در اینجا موکول به

اتحاد عمل سازمان ما با سازمان چریکهای فدا شی حل سه منابع را همیا شی روزاول ماه مه، حاوی تجارت، مسائل و دستاورهای آموخته و نیاز ارشی سودکسرای عنا تحشیدن بنا دندونه های جنیش کمونیستی، و سهره گیری از آن در حرکت های آینده، جمع بندی آن، حاشیه همیت فراوان است. بیویزه آنکه جنیش کمونیستی ما، بدلایل متعددنا ریخی، ایدئولوژیک و سیاستی، این مطرد و فقره کمودفرا و این سرمیسرد.

بررسی این اتحاد عمل همچنین از این نظر اهمیت دارد که حرکت مرسور در نوع خود حکمتی نوین بود که در بیان این سازمان همراهی اولین بار، المسم همکاری و اتحاد عمل رسی نیروها ای اهلی جنیش کمونیستی شکسته شد و چنین اند راهی جدیدی از این لحاظ سروری آن گشوده گردید. چشم - اند از این که تحقق آن شاید منتددا و ما این کامهای مثبت از جانب نیروها جنیش کمونیستی، و دریک ضروریات کوشی جنیش، فرا تراز همه ملاحظات گروهی و سازمانی و همه اختلافاتی که میان این نیروها در عرصه های مختلف وجوددارد، میباشد. از پیروها در اینجا میکوشیم تا ضمن این اراده گزراش محصور و دشکیل این اتحاد عمل، به جمع بندی محتمری از مهمترین جمیه های انتقادات آن پیردازیم:

الف: روند تشکیل اتحاد عمل برای راه پیمانی اول ماه مه

تقریباً بطور همزمان از اطراف ما و سازمان چریکهای فدا شی خلق، پیشنهاد ایتی برای برگزاری یک مراسم مشترک، راه گردید. ما در طی نامه ای درونی پلاتفرم پیشنهادی خود را که دربرگیر نده دویندا ای، یکی موضعگیری سر علیه هدوجناح هیئت حاکم و دیگری موضعگیری بر علیه روزیزیونیست های بود، به رفاقت فدا شی از اشکه کردیم و در را بسطه ای تا کنید بپرور و تشكیل یک صفت انقلابی در برای نیروها فوی بدر ای روز بزرگ، هرگونه بحث حول مسائل دیگری از قبیل نام کمیته برگزاری، ترکیب و چگونگی شرکت نیروها شرکت کننده و... را به مذاکره درونی محول نموده و اعلام کردیم که در مرور این قبیل مسائل ما دادا کشنا نعطای فوای جای بزداسته و برخنا مین نظرات خود در این زمینه ها، در مورتیکه کل همکاری را بزرگسازی کردند، با خشای خواهیم گردید. تشکیل یک صفت متحدد انقلابی با شعارهای انقلابی در مقابله رژیم و روزیزیونیست های خدا نقلابی، نقطه عزیمت ما برای تشکیل یک مف انتقامی، اعتقاد ما چنین بود. مضمون دمکراتیک این پلاتفرم، چنانچه

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را بر افراسته تو سازیم

فدا شی خلق، در کنار رهم قرار گرفتند، و بدین
ترتیب به حول این مسئله اسامی در اتحاد عمل،
سرنجا مترکیب نهادی نیروهای شرکت کننده
شکل گرفت.

۴- در سود حکومت و جناحهای آن:
بابایت‌هایی که رفقای فداشی مبنی بر ضد
انقلابی داشتند حکومت در پلاتفرم خویش اراده
داشت، کما ملا مواقف بودیم. واژه آن استقبال
نمودیم، بیشترها دما مبنی سرموضعگیری علیه هر
دو چنانچه اول در درجه اول نظرت برای این داشت که
پلاتفرم غرفای علیه هنچ معنی از هیات حاکمه
نباشد. بیشترها "حکومت مذاقلایی" زایسن
لحاظ نظر را تا مین میکرد. در مورد موضعگیری
علیه جناحهای مختلف حکومت توافق برای این شد
که اگر همکاری محدوده دو سازمان گردید، با

وا میداشت، واقعیت این است که در کننه نظر راه
کارگران حرفت - یعنی راهبیما شی در اول
ماهه - متابه حرکات قبلی دیگر متلاش دی،
یک حرکت "جب روانه" تلقی میگردید. این است
آن "چیزی" که شرکت راه کارگر در این اتحاد عمل،
آن را "مخدوش" می‌نمود. راه کارگر وجود "ما"
در این اتحاد عمل، عالم "مزاعمی" را میدید که
با افزایش پتانسیل انقلابی این طبق، می -
توانست مانعی جدی در سرعت امنورخ مشی
با سیفیتی و انجام طلبانه ایجاد نماید.
بنا بر این تคาดی شیوه کارگر،
پس از تفاوت مقابل ما ورقای نداشی در این
همکاری، و به عبارت دیگر پس از جمع شدن
پتانسیل انقلابی این دونبرو - ما ورقای
فداشی - بطورقطع از این طبق نمود.

آنچه که راه کارگر اراده اتحاد عمل به هر امامی داشت، تزلزل اونسبت به این سیاست
تاکتیکی، یعنی سیاستی که ماقطاعه از آن دفاع میکرد، بود و نجیزدیگر آن "چیزی"
که راه اتحاد عمل فوق، در صورت شرکت راه کارگر مددوش میگردید، پاسفیسیم سیاستی
راه کارگر بود. دیدگاه راست روانه و پاسفیسیتی اونسبت بعاین نوع تاکتیکها و حرکتها بطورکلی در
شراطیت کنوی است.

موضعگیری در قطبنا مهرا هبیما شی گنجانده شود
که چنین نیزشد.

۵- بحث حول بند ۳ پلاتفرم سازمان جریکها
(مبارزه برای دمکراسی از طریق مبارزه با
اختناق و سرکوب و ایجاد شوراهای انقلابی)
رفقا ازا این شوارک شعار تاکتیکی مرتخله ای
را منظور نظردا شتند. مرغنترازا ینکه مبارزه
برای این این آزادیهای سیاسی و شعار شوراهای
وافعی، بصورتی که رفقا آن را تحت یک شعار
تاکتیکی مرحله ای شوربزه و فرمول بندی
میگردند، درست بودیانه - که ضرورتی به بحث
و توافق بررس آن دریک آکسیون مخصوص و جدید
نشد - از آنچه که برای ما هم مبارزه بالاختناق
و سرکوب و مبارزه برای این آزادیهای سیاسی
میگردند، درست بود. اخلاقی در اتحاد عمل حسول
چنین خواستای دریک آکسیون مشترک بخوبی
در روزی جون اول ماهه، بررسی نمینمود. و بسا -
برای این با تاکتیک برای اینکه بصورت شعار مرحله ای
فرموله نشود و سمت مبارزه آن هم مشخصاً علیه
رژیم جمهوری اسلامی باشد، توافق حاصل گردید.

۶- بحث مهم و کشدار ما را بر فرقا بررسی بنشانید
در موضعگیری علیه حزب توده، اکثریت و سه -
جهانی ها بود. بیشترها داولیه ما چنین بود که با
این نیروها بعنوان نیروهای روزیزونیست ضد
انقلابی مرزبندی شود. البته این بیشترها
ما اما این کیفیت - یعنی گنجاندن خدا نقلابی
بودند رویزیونیست ها در پلاتفرم - همچنان نکه
در سطوح سعدا شاه خواهیم کرد، از آنجا که متناسب
با وضعیت ذهنی و واقعیت موجود نیروهای جنیش
کمونیستی نبود، بکسر خود جب روانه نمود. اما
مرغنترا ازا این مسئله بیشترها دات بعدی ما نیز
(ای اصلاح موضع اولیه ما) که موضعگیری
بر علیه این نیروها، بر اساس مواضع مشترک

این اختلاف در تاکتیک، از دیدگاه ما، درست
همان عاملی است که از نزدیک شدن راه کارگر به
این مفهوم، جلوگیری میکرد و نیز همان عاملی
است که راه کارگر از این داشتن رفقای فداشی
از شرکت در چنین اتحاد عملی با سازمان معا
نموفق گرداند. در واقع این اختلافی بود که
هم میباشد از راه کارگر و هم میباشد از رفقای فداشی
این وجود داشت. هرچند که در این حرکت مشخص
ماند.

در موردنها چب نیز به گمان ما چنین -
عالي در عدم شرکت آنها با یادی نقش بسیار
باشد. واقعیت این است که راه کارگر علیه غم
آنکه به لحاظ موضع جهانی و ایدئولوژیک
خوبی - در میانی عاشر - با سازمان جریکها و
جناب چب دریک نظا مفکری قرار دارد. لیکن
اختلاف در بین سیاست و تاکتیک آنها، که
البته خود ریشه در جایگاه واقعی متفاوت هر یکی
از آنها در این نظام موطیف فکری و ایدئولوژیک
دارد، منجر بدان گردید که راه کارگر از این
اتحاد عمل دوری گزیند و سازمان جریکها در آن
شرکت نمود. به بیان دیگر این دو حرکت
متناسب قص، علیرغم نظا مفکری و ایدئولوژیک
مشترک از یکسو، حکایت از پتانسیل رادیکالیسم
سیاسی سازمان جریکها داشت که آنها وارد عمل
گزینش متدخوبیش در این همکاری مشخص بود
ست سازمان ماسوق داد و از سوی دیگر کسواه
ضعف این پتانسیل در راه کارگر بود که اورا از
این حرکت متمددگریزیان می‌ساخت.

محمول و تیجه عملکردا این مجموعه تفاوتها و
وحدث ها در نهایت، با این بود که علیرغم ظهور
تزلزلات و تردیدهایی داشتند این انتخاب در
سازمان جریکها، سرنجا مودلیل نزدیکی
سیاست تاکتیکی، سازمان ماسوق از میان جریکها

در مورد نحوه پیش‌بینی و تحقیق در کننه نظر راه
کارگرها، اختلافی نداشتند و بنا بر این پس از
کنارگیری راه کارگر و همچنان جب بحث مشترک
ما نیز سپاه لافتگرم آغاز گردید.

توضیح این نکته اهمیت فراوان دارد که از
دیدگاه ما، علت واقعی کنارگیری، این دو
نیرو و پیوسته راه کارگر، راه اتحاد عمل در تزلزل
آنها نسبت به محبت این تاکتیک، یعنی برگزاری
یک راهبیما شی با مضمون انقلابی، در این
شراطیت سیاسی، رسیده داشت ولایت. بعدی مرغنا
توجهیات و عمل صوری مسئله را شکل میداند.
بعنوان مثال راه کارگر برای مانندی سیاست
شناخته ای نمود. برا تکی گذشته این نیزرو
ما محل همکاری بین این شناخته دارد. میداند
مرغنترا از اختلاف ما و آنها برسیم این ابدیو -
لوژیک، به اختلافات مهمی برسا رزی باشی از
شراطیت و تاکتیک های مطلوب و متناسب با آن
وجود دارد. ما تجربه ۲۲ دی را با راه کارگر زسر
گذرانده و عملکرد آنها را مشاهده کرده بودیم.
بنا بر این ماده لوحه نمایندگان اگر تصور میکردیم

که مخالفت راه کارگر زشکر دارا بین اتحاد عمل
صرف بدليل غدمتمایل به همکاری با پیکار
میباشد. دليلی که راه کارگر برای این عمد
تمایل خوبی از همکاری با ما را این میداند، که
ما هیبت این کنارگیری را بروشنی برخلا می -
سازد. راه کارگر دليل عدم موافقت خود را همکاری
با پیکار را بطور عمد مخدوش نمود موضعی در
آن همکاری میدانست. این به چه معنی است؟
هرارا راه کارگر از "مخدوش شدن" موافع در حرکت
مشترکی که قادتا میباشد برای این فصل
مشترکی موافع و به عول مثال موردا تفاوت
و برای این سیاست و احمدورت گیرد، نگران است؟
و بدتر از آن چرا از شرکت در میباشد و بدلولوژیک
در پروسه بحث روی پلاتفرم این اتحاد عمل،
هرسان است؟ طبیعتی است که این هرقدرهم که با
سازمان جریکها را خلاف داشته باشد. که دارد -
موارد مشترکی را میتواند بیان بدکه برسانند
اتحاد عمل مورت گیرد. اما بدون شک راه کارگر
آنقدر کوک نمیگیرد که چنین سخن با طلی را بگوید
و یا مثل این زانیروها پیکاری اتحاد عمل
نشنیدنکه از قباید پیکار خویش نماید. غیر آنچه
که راه کارگر اراده این اتحاد عمل به هر این و این
داشت، تزلزل اونسبت به این سیاست تاکتیکی
یعنی سیاستی که ما قاطعه از آن دفاع میکردیم
بود و چیزی دیگر. آن "چیزی" که در این اتحاد عمل فوق
در صورت شرکت راه کارگر، مخدوش میگردند،
با سیفیسیم سیاستی راه کارگر دیدگاه راست روانه
و با سیفیسیتی اونسبت به این نوع تاکتیک ها و
حرکت ها بطورکلی در شراطیت کنونی است. دیدگار
کا هی که ریشه در تزلزلات ایدئولوژیک راه کارگر
دارد. همان تزلزلاتی که در عین حال راه کارگر
را از قرارگرفتن بطور قاطع، همیغ و بددون
تزلزل در کنار راه کارگر خط میان انقلابی و پیکاری
بک نیروی کمونیستی پیکاری میگیرد. این به هر این

های بینا بینی حداقل نتا بیچ است که میتوان
ز آن نا مبرد ما در شرایط موجود حداقل برآیند
نظر بودیم که فعالیت روزاول مامهدر تهران
و بوکان میتواند بینا مکبته برگزاری مرکب از
ما، گوشه و سازمان پریکها برگزار شود و این
حرکت از جهات مختلف خواهد شد. از این وجه
از نقطه نظر پروژه جدیدش مذاق و مت با جنبش سراسری
و چند از نظر تشکیل هرچه وسیعتر صفات اقلایی مفید
و منطبق باشد.

اما زما ن چو بیکه شنود بگری داشتندو
معتقد بودند که در شر! بظ فعلی اتحاد عمل را
سر اسری نمی بینند و نظرشان براین بود که
اتحاد عمل آنها و ما با کومله درگردستان (موکان)
در این روز درست ولی در تهران ن نادرست است!
که طبیعاً این نظرنا از طرف مامدو و دوتشی اذار زیارت

نظرها چنین بود که هرگز از ای اتحاد عمل سراسری باکوشه، ولو یا نکد راهنمایی محسوب نشود، نعمتهاش کالی ندارد، بلکه برای پیوند با جنبش مقاومت خلق کرد و جنبش سراسری کارگران و زحمتکشان و همچنین تشکیل یک صفت نیرومند انتظابی در برآوردهای اجتماع و روزیزونیست ها، امری کاملا ضروری است.

نامهیح وغیروا قصی این رفقا از موقعیت خوددر
کردستان و موقعیت عموی رفقای کوملهدر
جنبیش سرا سری ایران بود.

۶- اختلاف در مورد شکل تبلیغات: در صورت شکل تبلیغات و دعوت برای شرکت دورا همراهی اختلافی به این صورت بروز ننمود. نظرما چنین

بودکه هرگونه دعوت به راهنمایی چه مسیر است
خراکت و تابلو و مشترکها شد و بیان در تراکت و تابلو
خوبی سازمانی، می‌باشد اما برگزار کنندگان راه

- بهما شی مشخصاً قیدشده و از تبلیغات به شوه‌ای که مستقیم و غیر مستقیم آزان چنین استهان طشودکه راهیمها شی توسط این با آن سازمان به تنها شی برگزا رمی‌شود، احتراء شود. ما هر

برخورداری غیرزا بین و ایک برخوردار پورتوپنستی
دا سنته و مبتنی بریک رقا بت سالم نمیدانستیم
اما در عین اینکه تبلیغات مستقل، جهت دعویت

به راه پیمایش اول مادر مرا حق مسلم هر ساره زمانی
میدانستیم، اما آن را بگوشه‌ای جایز و مولی
می‌شدیم که در من تن آن نام برگزار رکنندگان
مشخصاً قبیل شد و نمی‌درآین این مستله بطور مستقیم

یا غیر مستقیم به این مورت انگکا نهاد که راهبیما شی و استبه این بآن سازمان است ما این عمل را نتبلینات مستقل، بلکه برگ

رقة بست ناس مالمونگ نظرانه از پایه مینشودم
ررقای چربیکهای فداش نظرشان بر این بود که
کل تبلیغات به این صورت که هوا دارانشان
به اعماق زمان چربیکهای فداش توده ها را

دغوت به راه همیماشی اول ماهه - بدون قیمت
برگزار کنندگان راه همیماشی - نمایندگان درست
بوده و آن را درجهت تبلیغات مستقل هر سازمان

ویتنی بررقا بت سالمیدا نستند.
سرنجا مهیں از برخوردهاں اختلاف، نظر
ما موردندا شیدقا رکرفت و توافق گردید کے

هم نظر مرا چنین سودکه برگزاری بس
تحا د عمل سراسری باکو مله، بولوینکه کوملدر
نهرا ن شروع محسوب نشد، هنتها آشکاری
نمودا ره، بلکه برا پهوندبا چشم مها و مت خلق
گرد و جنبش سراسری کارگران وزحمکشان و
جهنمنش تشكیل بک مه نمرو و مندا نقلابی در
برابر ارجاع روپریزی نمیست ها، مری کاملا
مزوری است . ما کهندمودیم که اتحاد دیپلی ،
ای مینتو ن دنبورت منطقه ای صورت گیرد بهین
معنی کدرمنا طبق مختلف شیوه های مختلف ،
شنستنی ب با و خیت هریک و با توجهه اصل شناس
نمرو و با به توده ای با یکدیگر همکاری نموده و
در اتحاد عمل مشخص شرکت جویند . طبعا در چنین
تکلی ازا اتحاد عمل، اگر مثلا دونبری و درتهرا ن
بدليل حداقل پا به توده ای و مناسب آن با

نظرماچنین بود که مرگزاری پک اتحاد عمل سراسر محسوب نشود، نه تنها اشکالی بدارد، بلکه براس سراسری کارگران و زحمتکشان و همچنین تشکیل روزبرنوبیست ها، امری کاملاً ضروری است.

بیکدیگر، بتوانند با حقوق برا بر بره همکاری و اتحاد دامنه بپردازند. اتحاد دامنه و حرکت مشترک با حقوق برا برآشنا در یک منطقه دیگر، چنان نجده تناسب نیز وارد آن منطقه برقرار رسانید. غیرا مولی و نتا درست میباشد.

و با این همکاری و اتحاد عمل میتوانند
سرا سری با شدو همکاری در این بیان منطقه
بطور کلی در پوشش یک کمیت بزرگ زیر مورث

گیرده که اعضاً اصلیش مرکب از نیروها شی باشد
که در گل ایران بمعنوان یک نیروی قابل توجه
محسوب شوند. در جنین شکلی از اتحاد عمل

نیست که اهل شنا سب نیز رودر
سطح این با آن منطقه موردملاحته قرار گیرد و
براسان آن همکاری فقط در مناطقی مورت گیرد که

نیروهای طفین از تناسب منطقی در برابر هم در آن منطقه خاص، بخود رند. در این نوع اتحاد عمل، نیروی تنشکل فوق، در مقام اس سرا سری

جا ممده در نظر گرفته میشود. و برایین اساس، بطور
مثال اگر کوچله در گردستان از بیک با به توده‌ای
برخوردار است و سازمان موسازمان چریکها در

تهران با مناطق دیگر تبریو قابل توجه داشته باشد، اتحاداً بین شیرهوا در شکل سه‌سی آن مولی بوده و غیرا زن مبتنی بر روابط عینی

بن نیزروها نمی باشد.
دراویج این اتحاد عمل، به اعتبار روضه عیت
ممومی هر یک از اعضا شرکت کننده آن در گل
با این میزان تقدیر و گفته دیگر سخنوار، تشکیل

بران، میتو سکورت سیر، اوپریشن اسکرین

طیبی در پیج نیروهای انقلابی و متعدد نسخه‌های آن را اقامت عینی این مفهوم اعتماد سیاسی، آن را ردنده ورد. طبعاً اشارات سیاسی شکل چشمی نمودند.

موجود، یعنی ارزیابی از آنها بعنوان مبلغین سازش طبقاتی و خانه‌های به طبقه‌کار گروه اقلاب و پا بعنوان متدهای حامیان بوروزوازی را، ضروری و لازم می‌شمرد، از جانب این رفقاً مسورد مخالفت قرار گرفت. این رفقاً تنها موضوعی که پیشنهاد می‌نمودند، نه مبden از آنها بعنوان رفرمیست با سوسیال-لبررفرمیست. یعنی موضع رسمی آنها در برآبران بن شروعها، بود. در غیر اینصورت آنها سکوت را جایزی شمردند. آنها تاکیدشان در این زمینه‌تات حدی بودکه می‌توانست همکاری را به زیررسانی بپرد. طبعاً از آنجاکه سوسیال رفرمیست با رفرمیست خواهد شدند موضع فدا شیان، باضمون و محتواشی که آنها در سطح چنین‌آن اراده‌نشدند بودند، با موضع سازمان مادرخانه‌دقائق را داشت، سرانجام عمدتاً موضوعکبری بر سرا بین مسئله‌دربلاتغیر تمثیل گردیدکه ما با غلط موضع انتقادی با این امر توافق نمودیم. در این مورد بیشتر بحث خواهیم کرد.

۵- اختلاف برسروشک رفقاء کومله: علیرغم پیشنهادی ده مادر حدو دیکمه میل ازاول ماهه مینی بر همکاری در روز اول ماهه از طریق کمیته تهران کومله با این رفتاده بودیم، با سخن کومله متن سخا نه تا مدتی بدبست ما نرسید و با سخن کدر حدو ده روز قبیل ازاول ماهه در ریافت داشتیم حکایت از عدم آمادگی این رفقا برای برگزاری مراسم مشترک سراسری بهسود. طبیعتاً مابنا بر تجاوب قبیلی در عین اینکه آمادگی این رادا شتیم، که از هنرمندی دیگر در حین پیش فت کارکا ملا استقبال کنیم، اما حرکت خود و تدارک امور را موکول به وضعیت و با سخن نبروهای دیگر شنیدم و در این رابطه بر آن شدیم که کدام هنرمندی که ماده باشد، کامرا جلو ببریم. در آخرین روزهای حدود ۵-۶ روز قبیل ازاول ماهه، از رفقاء مرکزیت کومله توسط کمیته کردستان سازمان، خبری در ریافت داشتیم که کومله پیشنهاد همکاری و اتحاد عمل برای روز اول ماهه را داده است. از آنجا که ما از قبیل نسبت به این امر نظر من شخصی داشتیم از این پیشنهاد استقبال نموده‌ایم (و) و شرکت کومله را در این اتحاد عمل - که هم‌آنون تقریباً به سر انجام خود رسیده بود - پیشنهاد ترسیمه که بدلیل اختلاف نظر به نتیجه نرسید. از زاویه مسئله ابد شولزیک - سیاسی که با توجه به مواضع رفقاء کومله، هیچ مشکلی در این جهت وجود نداشت. در مورد مستثناه نبرو

(۱۰) - گواینکه بعد از روش شدکه رفاقتی ما استنبا ط
نادرستی از پیشنهاد کوچلمه نموده اند و بیشنهاد
این رفاقتی مبنی بر یک اتحاد عمل سراسری و با
اتحاد عمل کامل در کردستان شبوده است، اما
از آنها که خودمای داراین رابطه نظرداشتیم، لازم
دیدیم که این بحث را در اینجا منعکس ننماییم
که تاریخی کوچلمه هم در جریان نظرات مانرا رگیرند.

تلائی فوق العاده‌ای را هم طلب نمی‌کند، دقیقاً
میتوانست شان دهد که این ادعای رفاقت اجراه
حدها قدیباً به واسطه عینی و استوار است.
علاوه بر آن، اگرچنانچه بین رفاقت‌لیل خود را
در اراده‌ای می‌پیشنهاد، «بی اعتمادی» به رهبری
عملی ما و بوسیاست تاکتیکی ما فراردهستند،
آنگاه سوال ما این است که جزاً این رفاقت از
استدایاچی چنین اتحاد عملی آمدند؟ وچرا
چنین اتحاد عملی را جایز شمردن و دویاحداً قلل
چرا برای رفع سرمع خوداً بین نقیمه مسئله فوق
و رادریلا تغیر همکاری با مانگجا نداند؟ بنابراین
این دلیل شرمنمایند موجه و اولی باید بسته باشد. بنابراین
این انجه که می‌سماهند، و میتوانی واقعی این
پیشنهادها دوپا فشاری را قرار میدهد تزلزلی است
که کجا این رفاقت‌درهمکاری از خودنشان میدانند و
در قسمت دیگریه آن خواهیم برداخت.

بنا بر این ماده نقطه نظر و حركت رفقا
غیر صولی داشته و با امرا تحدا عمل در منافات
می بینیم، ما معقد بودیم هر سروشی که هژومنی
خوبی را - آنهم در وضعیت منحصر با زمان مساو
جرنیکهای فدائی خلق - که فاقد هرگونه مبنای
عینی بود، پیش شرط تعیین نماید، در واقع
بررسی است تحدا عمل خوبی استوار نیست،
تزلزل دارد و دچار رمحافظه کاری است و در همین
را بطریشمیتو نذر بخط اتحاد عمل خوبی به
آن طبعت حرکت نماید. ما این تزلزل و ناسواری
راد و جریکهای فدائی و در بروسا این اتحاد
عمل در جندیں مورده که ندیک بودا تحدا عمل را
با شکست مواجه شد، مثا همه نمودیم که هر سار
با انتظاف تاکنیکی ما - در رابطه با ضرورتی که در
تشکیل یک صفا نقلی می دیدیم - قضیه حل
میشدواز شکست اتحاد عمل جلوگیری منکردید.
به رحال وقتی که دیگران این اتحاد عمل به
بنست کامل رسید و رفقا علم نمودند که اگر
حقوق بیشتر آنها در امرهای تا مین نشود،
همانجا اتحاد عمل را منتفی خواهند کرد، مبارای
جلوگیری از شکست این اتحاد عمل با طرح زیر
مواقت نمودیم. این طرح چنین بود که یک
شورای فرمانده، مرکب از یک رفیق ازما و یک
رفیق از آسیاهای انتخاب شود. این شورا نه متعلق
به این با آن سازمان بلکه متعلق به این
حرکت بوده و با اختیار رتا حق تصمیمگیری
دارد. تصمیمگیری در درون این شورا نه ایرسیون
و بواسطه موضع سازمانهای متبع هر شما بنده،
سلکت در درون خوبی مورت گرفته و در مورد
اختلاف با اضافه شدن رفیق سومی در ترتیک
نوروا که از سوی چریکهای خواهد بود، تصمیمگیری
با رای کمی مصوت خواهد گرفت. تردد سوم ممکن
بود و نظر رفیق سازمانی اش را تائید نماید و ایسا
حیا تا نظر رفیق ما را، روش بود که این شکل
بر ماده با شکل قاطی شدن بدورای سرای
از زمان چریکهای فدائی خلق و یک رای سرای
ما را می بیکارا خلاف داشت و ما با این انتظاف
که از سازمان چریکها دور فیض در روزهای

نگرانی داردند. و نتیجه‌دان در هر سهی عملی راه این پیامی شی حقوق بیشتری برای خود قائل هستند. و در صورتیکه چنین "حقی" تا مین نشود آنها پیای این اتحاد عمل نخواهند آمد. و آن را منتظر خواهند نمود. و عملاً نیز پس از یافته‌ی مذاکرات دراً بن نقطه‌ی بین بست و سیدیاً توافق طرفین دستور توقف تبلیغات و انشتا ریبیشت دعوتیا مه داده‌شد.

این حرکت غیر مترقبه سازمان جریکها آنهم در شرایطی که پلافترم و دعوتنا همراه بیمه اثی انتشار ری فته بود، از نظرما شدیداً قابل انتقاد بود. اولاً به این دلیل که این ادعای بند از توافق بر سر کلبات و اصول همکاری و تشبیه این اتحاد عمل بر منبای پلافترم مشخص مطرح میشد. خیلی روشن بود که هیچ کدام از طرفین در تمام

● ما معتقد بودیم هر زیرشی که هژمونی خویش را پیش شرط، تعیین نماید، در واقع بر سیاست اتحاد عمل خویش استوار نیست، تزلزل دارد و در جارح حافظه کاری است و در همین رابطه نمیتواند بر خط اتحاد عمل خویش با قاطعیت حرکت ننماید.

طول این بروشه حقوق نا برادره بیری عملی را مطرح نکرده و بر عکس کاملاً برادر بیرون میگردند واقعیت عینی دو زمان نیز دقیقاً چنین جزی راگواهی نمیداد. این نظر قبلاً چه مستقیم و چه غیر مستقیم از جانب رفقا در مورد ما به پیش کشیده شده بود، بلکه بر عکس نظر آنها در آن زمان در مرور دختار چپ، یعنی رسیت دادن به حقوق سرا برآ نهایا با دونش روی دیگر دقیقاً خلاف نظر سعدی رفقا در برابر ما بود. به استنباط ما، این مسئله‌ای بود که بعداً (پس از انتشار اطلاعیه مشترک دعوت به راهنمایی) در هن آنها شکل گرفته و به اینصورت از جانب رفقا مطرح گردید. اما معرفت نداشتن برخورده نا درست که جنبه فرعی انتقاد را تشکیل میدهد، انتقاد اصلی آنچاست که این مسئله در چنین شرایطی، بصورت یک اصل مطرح میگردد، آنهم پس از ساخت بررس امول همکاری و به توافق رسیدن بررس آنها، هیچ معناشی حرا نشاند. ظلمی مانداشت، از نظر ما حرکت با زمان چربکها در این نقطه، یک عقبه بود و با دعوت اولیه وسیاستی که از ابتداء مطرح شموده بودند، کاملاً منفات و تناقض داشت. هیچ بررسی انتلاقی چنین جزی را جایز نمیشمار رده که با نیروهای اتحاد دعمل صورت گیرد و توافق فرق بیلانتر فرم آن به سر انجام رسیده باشد، دعوتنا مهبلات فرمدر سطح جنبه منشر کشته باشد، آنکه مسئله حقوق نا برابر "مطرح شود و بدتر از همه فئات را بر روی آن تاثلائی اتحاد دعمل و منتفی شدن آن مدعونا مه، تحت شعار "مرگ بر امیریا لیسم" جهانی بسکردنگی امیریا لیسم آمریکا" یعنی شعا را زمانی این رفقا که مورد اختلاف آنها با مابود و زبانگر هم حذف گردیده بود، وبا اضافه زمانی آنها، بودیم بدون آنکه روش شود برگرا رکنندگان این راهبیماشی کیا سند. در واقع اضافه و شعار فوق، هیچ معناشی جزا یافته برگرا رکنندگان راهبیماشی چربکها فدا شی خلق است نمیداد. از نظر ما، این برخوردها، مرغ نظر از مضمون غیرکمونیستی و تنگ نظرانه و سکتا ریستی اش با توافق طرفین کاملاً منافات داشت و از این جهت قابل انتقاد بود.

۷- آخرین اختلافی که بین ما و چربکها فدا شی سروز نمود و به نقطه حساس و تعیین-کننده‌ای در این اتحاد دعمل کشیده شد، بربر رهبری عملی راهبیماشی بود. آنها پس از اینکه بیلانتر فرموده دعوتنا مه تنظیم شده و انتشار یافت، مطرح کردنکه سنظر آنها در موقع بروز اختلاف در مهربیری عملی راهبیماشی، یک سازمان با پدちتمیم بگردوان هم باشد آنها باشد! وقتی ما توضیح خواستیم، با بندانگشتل تضمیم گیری و فرم ندهی منحصر کار در شرایط حساس با وجود و طرف (دورای) مطرح نمودند که می توانست در صورت اختلاف تضمیم گیری را به بن بست یکشند. رفقا توضیح دادند که اگر سه نیرو شرکت میگردند، چنین مشکلی وجود نمیداشت و برای حل این مسئله راه حل فوق را رائی می دادند.

بعد ازا یعنکه ما راه حل های مختلفی را برای حل این مشکل ارائه دیم که قطعاً مسئله تضمیم - کبری را حل نمینمود، رفقاً مطرح نمودند که اساساً مسئله آنها چیزیگری است و آن یعنکه خودرا نسبت به ما در وضعیت برتری می بینند و از تحریب بیشتری نسبت به ما برخوردارند! و اینکه در صحنہ عمل ازا نشاء احتمالی مسا

پیکار

تبليغاتي خويش، زهکاري شان با بورزا زى و از جماعت ازيك رژيم ضد انقلابي و از خاست مریخان به طبقه کارگرو انقلاب (البيه روشن) است که تحسیبوش عبارات انقلابي سخن می‌گویند و خود را صریحاً منحده بپوشانند و دشمنان اسقلاب میدانند (البيه باوارونه) کردن جایگاه انقلاب و ضد انقلاب (بس در اینجا چه جيزي مخدوش ميشود، موضوعگيري ايده‌مولوزيک شما يا خيانت اين دارد و دسته هاي خدا نقلالي؟ چونه مخدوش بيلاتفتر فرمي که نسبت به خدا نقلاب موسع قاطع دارد، نسبت به متهدین خدا نقلاب و خا شنین به طبقه کارگروشنا ندموضع بگيرد، شما در جواب ميگوشيد که موضوع گيريشان نسبت به "حزب تude" و "اكتريت" روش بود و آن را سراسر ل رفريست" و "خاشن به طبقه کارگر" میدانيد. اما زمان نيمكياي همکاري با شوروهاي ديگري مثل ما برويد، و شعار "مرگ بر اميريا ليسم" چهار يسي سبرکردگي اميريا ليسم "مرگ" را حذف كنيد ديگرسى تواني نهادن نسبت به اين شوروها موضوعگيري کنيد و آها را خاشن و منحدب بورزا زى قلمداد ننمایند. جراوه مرزاها بيتان مخدوش می‌شود، شما اين مستلتوار ضمن توضیح پرسه بحث في ما بين بزرگان اين بندچنین منعکس ميکنيد: "رقای بيکاري موضوع ما درقبال "جز ب تude" و "جناح راست اكتريت" را خواستار شدند. ما اعلام کرديم که موضوع ما بدفعات در "کار" منعکس شده است و آن اين است که ما "حزب تude" و "اكتريت" جناح راست را "روزيونين" و (موسائل رفريست) او خاشن به منابع طبقه کارگر میدانيم. ازاين پس رفقا برس منعکس کردن همین موضوع در بلاتفترم امرا رمي ورزیدند ما با اين امر مخالف بوديم زير آزان جاوه مسا آگاه ته و به قدر جلب كلیه سازمانهای انقلابي به اتحاد عمل و اتحاد مبارزه در روز اول ماه مه در طرح شعار "ناسودياد اميريا ليسم" جها نسي بسرکردگي اميريا ليسم "مرگ" و پايه گاهه داخلی اش "ناحد" نا بوديما دا اميريا ليسم "مرگ" و پايه گاهه اش "در بلاتفترم" تقليل داده بوديم هرگونه طرح مبهوم و روش که موجب مخدوش شدن خط و مرزاها و بروز توهنت است به ردوگاهه سراسر اميريا ليسم شود، موضوع امن را در بلاتفترم مفايس باصول خود ميداشتم و همین دليل اصرار موديم در اين بلاتفترم "حزب تude" و "اكتريت" - جناح راست در در رفريست (کا رشمها (۱۵۲۰) موضعگيري شود.

در اینجا شادا ریک تناقض آنگاه است. سلطنت دارا بن برخوردشما چند شکال اساسی وجود دارد، اول اینکه بطور کلی موضعگیری نسبت به تما می خانمین به طبقه و متعدد من سورزا زی، خواه میخواهد بیمورت کار منطقی باشدیا مشترک یک فرورت است و با سنتیا مسا نه تنها هیچ نیروزی شنبیتا ندنیست به این مسئله بی تفاوت باشد بلکه بر عکس با بدادرابن زمینه پیش رو بوده و کوش نمایند و هر چیزی که در اینجا مزبورندی سایر برخوردهای خان به طبقه اکارگروا نسلخاب را دربریندازد، واژاین لحاظ است که ما این عدم موضعگیری را به سکوت تعبیر میکنیم و آن را قابل انتقاد میدانیم. بنظر ما اگر دچار تناقض نباشیم، روش گردن موضع مربوط دربرابر با این نیروها و تعیین جا یکا واقعی آنها، در صحنۀ سیاسی جامعه، احتیاج به کشف و شهودورم و اسرارلاب و تحلیل و تفسیرهای سیاسی رهیچیده ندارد. حداقل این نکته عیان است که آنها خود شب و روزا زیستی های

برو زنمود. اولا درا بیکه «بند موضعگیری بر علیه روپریوتیستها را - بعنوان یک اصل در پلاتفرم قرار زمینه داده طبقاً هرگونه انعکاسی را به خود آن، حتی تا مارحله حذف آن، ازینچه سامانکش میشمرد. دوماً یعنی مضمون تعیین شده در پلاتفرم پیشنهادی (یعنی مرزبندی با این نبروها بعنوان نیروی امنیتی روپریوتیست ضد انتقلابی) مناسب با وضعیت عینی و ذهنی نبروهای جنینش که ممکنستی نمود، وازا بین لحظه می - باشد مضمون نازلتزی را مطرح نمینمود.

در مورد دسته اول با پیداگفت که در این شکری نیست که پلاتفرم یک اتحاد عمل انتقلابی، آنهم در روزی که پیوندتا و موترا می باشد راهه برولتا ریا دارد، می باشد حتی الامکان حاوی موضعگیری بر علیه دشمنان و خائنین به طبقه کا رگره که هم بپریکر برولتا ریا و هم نیز انتقلاب ضربه میزندند باشد. اما قراردادن آینه سنده بعنوان یک اصل، وجایز شرمند انتعطاف برسران. چنان نججه منجر به تلاش اتحاد عمل گردد، به معنای آن است که اصول را مانه برای پیشبرد مبارزه، سلکه برای نفس اصول تقدیس نماییم. این به معنای آن است که مطالب آن با ششم که در هر اتحاد عملی ذهن گرا باشد، تلاش کنیم همه اصول و موازنین خود را بگنجانیم و با بکوشیم بر مناسبات عینی نبروها، و شرافت ذهنی مغروض آنها تعمیل نماییم، بدون آنکه زمینه بدیزش

دا شنید باشد. بدون آنکه تا بع ملاحظات و مقتضی
بک تاکتیک در پرسه مبارزه اسلامی بینی
ضرورت دست زدن به سازش ها، مصالحه ها و
انساطه های تاکتیکی با شیم، به همین دلیل
علیرغم آنکه در این اتحاد عمل کاملاً غروری و
مطلوب بود که بر علیه روزیزیونیست ها بصورت
صريح موضوعکبری گردد و با فشاری مادرایان
مورکا ملا اصولی بود، اما قراردادن آن را به
منا به یک امل، «برخوردی چه روانه»^۱ رزی باشی
میکنیم. بخصوص اینکه به مرور نسخ انقلابی
بودن پلاتفرم مرزبندی روشی را رویزیونیستها
داشت. در مرور نکنده دوم نیز، ازانجا که از پیش
روشن بود که سطح نکامل و وضعیت عینی نیروی
های جنوبی کمونیستی، زمینه پذیرش موضوعکبری
در برآ بررویزیونیست ها را بینوا ن یک نیروی
عده انقلابی، فرا همتبنا و رد است، بنا برایان
کنجا شدند آن در پلاتفرم نیمنهای نیز، نادرست
و چه روانه بودوا زمزوریات و ملزمات اتحاد
عمل تاکتیکی در شرایط شخص مفروض، بسیار
بود. ارتقا، مواضع ایدئولوژیک دریک اتحاد
عمل تاکتیکی نه بطور مکانیکی و از طریق
تحمیل موافع، که لاجرم اتحاد عمل را به شکست
می کشاند، بلکه از طریق مبارزه ایدئولوژیک
درست برپارایک انقلابی و از طریق نشان دادن
محنت مواضع در جریان عمل و پیرانیک (مشترک و
با مستقل) ممکن میشود.

پیکار

حزب توده و کثربت بعنوان اتحاد را فی در درون
جنسن کمونیستی و انتقامی و باحدا قل در درون
جهجهه نقلاب، از زیبا داشته باشد و برا پیش
صرف نظرها را اتحاد فرمصوونی ترقی خواهانه
قالل باشد، تنهای در این صورت میتوانند
موضوع کبری علیه این شیروها را مستلزم موضع -
کبری علیه اتحاد شیروها را دیگر بدانند.
نهض این استدلال درواقع خودبرشوتنی تنزلز
و خصلت تقلیل گرایانه موضوع کبری این سازمان
را در برابر شیروها فوق الذکر و شوش می -
سازد. بهر حال اینها سوالاتی است که رفقای
قداده، بادیا می گویند.

ب) چگونکی تحقق عملی پلاتفترم:
ها نظرور که گفتگو در جریان عمل، مهترین اختلاف در هر بیرونی عملی را همیما شی سروز نمود.
در جریان عمل سیاست رفاقتی که داده که درجهت این جنبه زیلاست فرقا است برعکس بسیج هرچه وسیعتر نیروها بود، عملی به انشاع ب- طلبی و سکتا رسیم کشیده شد. بطور یکه اگر بصورت مشخص ما تنفیل از لارم را بخراج خدمایدیم، این اتحاد عمل به شکست انجام میده بود. این انشاع ب طلبی که روی دیگر کشک همان پلاتفترم تقلیل گرا یا شر رفاقتی بود، هر دوازده کنقطه منشا میگرفت و آن چیزی جز همان تزلزل و تردید و عدم قابلیت رفاقت را مستقبل و پیشبردی ک اتحاد عمل (علیرغم که مهای مشتبه که برداشتی بودند) نبود. این تزلزل باعث میشکه رفاقت در جریان عمل اشتعاف لازم را به خرج ندهند. و به را خلافی که میرسند، در صورتیکه نظرنا تشا ن تا مین نشود را هر چند شی پیش گیرند، همکا ریشان را **موکول** به همان مین هژمونی عملی نمایند، و خلاصه عملاً به همای نقص سیاست ها شی که اعلام کردند بودند، بروند. این سیاست در جریان عمل با حرکت اولیه رفاقت را تنفس داشت. و بهمین دلیل رفاقت برای این اتحاد عمل استوار و مصمم نبوده و دچار تزلزل بودند. روش است که مقا میلت و هنر یک سازمان کمونیستی تنها در اراضی بریتانیه و در اینجا برینا مهای اتحاد عمل نیست. بلکه مهمتر از آن، مادیت بخشیدن به آن برینا مه است. این همان چیزی است که بجرات میتوان گفت رفاقتی داده شی نتوان نستندبینخومطلوب بدان جا مه عمل بیوشا نند و در این زمینه آن دگی لازم را برای فرا هم شمودن شرایط مضمون یک اتحاد عمل که لازمه اش اشتعاف و ملامحد را در جریان رجوب سیاست معین انقلابی یا شادا زخود نشان ندادند.

در مورد مشخص، اگربرا استی چنین بود که بر سر بلاتر فرم و قطعنما مراد همیا شی سیاست حاکم بر را همیا شی و با لآخره رهبری عملی و دیدگاهی اس رهبری توافق حاصل شده بود، بنا بر این در پیش آمدن هرگونه اختلافی در زمینه حق و حقوق، در وضعيت مشخص سازمان و سازمان چریکها که از نظر نیرو، هرگز در وضعيت نیستند که بکسی بر دیگری، آشیم در سطح دو حقوق مختلف، برتری داشته باشد، هررا احی معمور واقعی بدل بررسی

جنین هرا س و بیمی وجود میداشت. ما معتقدیم که نفس حرکت شمادرا بین اتحاد عمل با مفا مین موجود در پلاتفرم، یک گام مشتب و نشانه را دیکالیسمیسای و در همان حد دیثولوزیک شما نسبت به دیگر نبروهای سانتریستی بود. و این برای ما یک گام قابل تقدیر و سنا بش می باشد. لیکن انتقاد مادران این است که شما بدليل همان المقاومت، متواتر نشید که مهاری بیشتری بردازید. و این از یک جهش مشتب در نقطه ای از تزلزل و تردید توافق نمودید و این توافق و تردید، حاکی از خدا کشتر طرفیت ابدی شد -
لوژیک شما در مقطع مورد بحث بود. دروازه نفخ این را دیکالیسم موجود در موافع شما، با مجموعه سیستم ایدیولوژیک - تئوریک شما، منتنا این تردید و تزلزل بود. دروک مقطع شما این تناقوف را به نفع را دیکالیسم خود شکستید (درست همان نظرور که راه را گراز همان ابتداء این تناقوف را به نفع راست خویش حل نمود) و شما در عرصه حركت و در برخورد به واقعیت سخت، ازا زین را دیکالیسم خویش در جهش استاداش نیروگرفتید. اما مادر کامهای بعد دور زمانی که لزومن تمیق بیشتر این حرکت میرفت، خویشن را در برابر این تناقوف خلع -
صلاح نمودید و سکوت را جایز شمردید. این است آن انتقاداً صلی ما به شما که در واقع در رابطه میان آن مکوت و این تناقوف ایدیولوژیک بروشی می شما یا نند.
و اما بعد شما میگوشید آن ماده هستید که دریک تحدا عمل حزب توده را "سویل رفرمیست" بدانید. طبیعی است که این موضعگیری شما با موضع ماستنفات داشته و خوانا شی نداشت چرا که فراترا ز جنبه های مفترک موضع دوسازمان بودویک معمون خاص را لقا میکرد که به تنفس میانی و اصول مورداً عتقاد مام انجامید. اما به استنباط مدارجها رجوب یک پلاتفرم انقلابی می توانستیم یک موضعگیری مشترک، که همان اتفاقی از حزب توده، بعنوان خان به انقلاب خان به طبقه کارگرویان متاح بورزویی باشد، اشتبه شیم. اما متن سفاهه هیچیک ازا این موضع گیری هرا که تحلیل و تفسیر ما و شما نبوده و بینان یکی با پارخی از جنبه های واقعیت عینی بین نبروها باشد، نبیند گرفتید. و نتیجه از این موضع خود نیز تنزل کردید.
نکته دیگری که رفاقتی فدا شی در همین ابطه مطرح نمودند، چنین بود که اگر بخواهند نسبت به حزب توده اکثریت موضع بگیرند، اما بدنیست بدتر این نزاعات موجود در جنبش را رگری واژمله "آن را کوستنیکالیسم" (که نوبای انتظار شان انتقادات آنها نسبت به ماسا بادند)، موضع بگیریم. این دیگر بنتظمه عذر بجز اینکه بود. این به آن معنی است که از نظر رفقا، موضعگیری علیه خان شنین به انقلاب ما و متحدها بورزویی با موضعگیری علیه انحرافات م وجود در درون جنیش کوشیستی و انقلابی

انقلابی دیگر از هم درجا رچوب نظرات مشترکشان به موضعگیری برعلیه خاشنین به طبقه و انقلاب بکشانند. در اینجا بنظر ما توجیهها تی ازا یعنی قبیل کقدار موضعگیری مشترک مرزها مخدوش میشود و تحیلی های نیروهای مختلف ازا یعنی "خیانت" و "اتحادیا بورزوای زی" مختلف بسوده و بین براین مواضع آنها مخدوش میشود: بهیچ وجها قبل قبول شیوه و اساساً ندارست. این دیدگاه با پذیراعلا بهمنی هرگونه همکاری و اتحاد با دیگر نیروهای انقلابی و کمونیست بررسد. اتحاد پرولتاریا با خردی بورزوای در انقلاب دمکراتیک و شرکت آنها در یک جبهه، بهیچ وجه و فعلیت در چهارچوب این چندمکاری، تحیلی مستلزمدا شتن تحیلی واحد زدمکاری، و درک واحد زمضا مین دمکراتیک انقلاب نیست و از آنجاکه اساساً جنین چیزی نمیتواند مفهوم داشته باشد، هیچگاه مبنی هم قرار نمی گیرد. بهاین ترتیب این استدلال رفاقت در موضوع - کبری مشترک نسبت به خاشنین به طبقه و انقلاب مواضعنا مخدوش میشود، اساساً ندارست و متنامی است. به استنباط ما میتوان و بایند با هر نیروی شی کذا انقلابی با شددر مقابله نیروی شی که نسبت به انقلاب و بوده ها خیانت است کرده است، در چهارچوب مواضع مشترک و یا جنبه های مشترک یک موضوع، موضع گرفت. و ما این دو گانگی که مواضع شمارادر یک اتحاد عمل تقلیل میهدو آن را درجا رتناقض میکند، هر فر - نظر از حرکت متزلزل شما در بخورد با نیروهای انقلابی و خاندانقلابی (حدا قل بقول شما خاشن به طبقه کارگر) حکایت از تناقضات ذاتی اید شو - لوزیک شما و موقعیت سانترشم از لحاظ اید شو - لوزیک میکند.

شما باید پاسخ گوشیدکه کدام حساس، کدام کراپش و کدام متنامی قضی شما را به سکوت حتی در بر برحدا قل موضع برعلیه نیروهای خاشن فوق برآسان جنبه های مشترک مواضع (اگرچنان نجده وجود آن معتقد هستید) میکشاند. شما میگوشیدکه این موضعگیری با توجه به دیگر مرماد پلاتفرم باعث "بورزوی هم نسبت به ارادوگا سوسیال لیسم" میشود. سوال ما این است اگر شما برویم میمین ارزیابی تان از نیروهای رویزیونیست فوق استواره استید، چگونه طرح این مفا مین را ویسا حداقل گوشایی ازا ن را، مخدوش شدن آن را دوگاه سوسیال لیسم "موردا دعاخی خود میدانید. آناین باید این هر اس و بیم را ناشی از تناقضی داشت که میان موضع ایدئولوژیک سیاسی جهانی شما و موضع ایدئولوژیک سیاسی داخلی شما، تناقض میان موضع شما در برابر نیروهای رویزیونیست حزب توده و اکثریت و حزب رویزیونیست شوروی ماقایق، و مجددان؟

و زدن و زدن اگر مرز بندی شما با رویز بونیم و با حزب توده و کشتی، از سنگ بنای مستحکمی برخودار می بودوا زد رک **حسی فرا** ترمیمرفت و به سک درک عمیق اید شلولو زیک انگشتا ف میبا فت آیا جای

مجاهدین خلق: باز هم تزلزل در راه انقلاب

سازشکاری در صوف خلق کردرا محاکمه کرده و مبارزه مقاومت انقلابی در سراسر ایران را تجاهی حاکم را تنشی را رسیدن به خواستهای حق خود - دوشادش دستگزاری محکمکشان و خلخهای اسران - میشمارد، ماجاهدین خلق برای خدا انقلاب در کردستان تبلیغ کرده و چهره مزبور اسلامی را بزرگ مینماید.

اما ماین روش، در کنار برخورد مجاہدین به خواست اخیر تهران و بویژه سکوت مجاہدین در قبال پرتاب ناتوانی از سیاستهای ایران به وکیلها و دادمه دستی اش بازیستند این بزرگی سوی نظا هر کنندگان کمونیست و شهادت رفقاء پیکار رگترابی و مهرعلیان در ۲۱ فروردین اصال شناهی از رشد تزلزلات مجاہدین در برخورد به انتقام ارجاع حاکمیت اسلامی میباشد. در سوره مثیله شکنجه و آزار زندانیان نیز مجاہدین همچنان به زندانیان مجاہدین بسته کرده و از جماعت از زندانیان کمونیست و دیگران زندانیان انقلابی خبری نیست.

اما ماین سیاست از جانب مجاہدین همچنان که با رهگوش کرده است، ضرورهای جوان را ناپذیری را برای انقلاب خلخهای ایران در نیز خواهد داشت. این حرکات اتفاقی تیست این حرکات ریشه در گرایشات لبیرالی مجاهدین دارد. آیا اختلاف سیاسی ایدئولوژیک مجاہدین با کمونیستها مانع از محاکمه کردن جنایات رژیم حاکم و قبال کمونیست هست؟ سازمان مجاهدین به این سوال چجواهی میدهد؟ حمایت از جزوی که طوفانی رملکین و سرمایه داران است، جزوی که انقلابیون کمونیست را کشانه میکنند و عدم حمایت از کمونیستها و محاکمه نکردن جنایات ارجاع در قبال آنها جزیان تزلزلات و گرایشات لبیرالی، چیزی دیگری نمیتواند باشد.

اتحاد، قابل طرح میدانیم و نیای بدیل وضعیت نادقيق نیروها، در شرایط کنونی معتقد. بهذا کثر انتعطاف در این زمینه از جانب نیروها میباشد. و برای اختلافات کاملاً ملموس وفا خواست از نظر نیروها، اشکال مختلف نتایا سات در این اتحاد عمل را در شکل ۱-برای رای ۲- رای مناسب با نیرو ۳- حق مشورتی در رهبری ۴- پشتیبانی سیاسی و عملی از اتحاد عمل، میتوان تعیین نمود.

با این توضیح روش است که با توجه به وضعیت مشخص دو سازمان ما و ازمان چربکهای فداشی خلق، سخن گفتن از حقوق یاری نایاب است. تا جه دیبورج و بی پایه است.

با وجودیکدر هفته های گذشته، سازمان مجاہدین خلق در اعتماد نهاده کشنا رها و جنایتها را اخیر ارجاع به یک سری فناهای کشتهای کشتهای شعری از جمله برگزاری نظا هرات مکومنه تهران دست زد، اما در برخورد به نیروهای ضد سلاسلی در دفاع از کمونیستها و درستیه در تقویت جبهه انقلاب همچنان دجا راست روی است. ما هبیت حزب دمکرات کردستان بوسیله بسیار حملات و پشا نهاده اخیر شد. علیه پیشرگه های پیکار و کومله وا دادمه دستی اش بازیستند این بزرگی و داشتن روابط پنهانی با رژیم اتحادی عراق بیش از بیش برای توده های "زمتش خلخهای ایران و بویژه خلق قهرمان کردروشن ترمکرد زحمتکشان کردبر علیه کشنا رکمونیستها بدست عوامل مزدور "حزب دموکرات" فریبا دیده عنصر از برداشتندروهای انقلابی و کمونیست جنایت های اخیر این حزب را محاکمه کردند.

اما سازمان مجاہدین خلق، نه تنها به این جنایات حزب اشاره ای نکرد و بسا سکوت خود به تایید آنها پرداخت، بلکه در شاهزاده ۱۱۸ مجاہد نا مه "مرگشاده ای" از "کمیته مرکزی" این حزب خطاب به "خلخهای رزمنده ایران" چاکرده است. مجاہدین خلق با چاکر این نهاده ای و نیزی از خودهای از جمله کشنا را بعنوان تنها نهاده خلق کردیده توده های "زمتش ایران" معرفی میکنند و سرای رویزشونیستها خان حزب توده، خوارک تبلیغاتی فراهم مینماید.

"حزب دموکرات" در این نهاده خلق مبا روزه و مقاومت قهرمان نهاده خلق کرد را نفی کرد و از حمله از "راحل مسالمت آمیز" بعنوان تنها را حل "مسئله کردستان" دم زده است. آری از درگاهی که میخواهیم این حزب توده، خوارک خلق قهرمان کردیا فربار در سایر خودهای این حزب را بعنوان تنها نهاده خلق در میگیریم.

اتحاد عمل، توافق وجود دارد این احسان از کمترین ارزش عملی برخوردار نمی باشد. بهمین جهت بیکوشید طرح این مسئله با پیشنهاد اولیه رفقا در تناقض قرار دارد. جزا که این دعوت خوبی از نیروها و نهادهای دشمن خشان به ما چنین پیش شرطی را (آنهم بعنوان نیک) مطرح نکرده بودند. درواقع چنین برخوردی اساسا نیز نداشت این دلیل نا درست است که با اعتماد داده ای این سازمان داشته باشد. اما نا زمان نیکه بر سر دیدگاه های ای اس ای اتحاد عمل، توافق وجود دارد این احسان از

و تزلزل آنها را در این اتحاد عمل بر جسته مینماید که میخواهیم این نهاده ای این مسئله با پیشنهاد اولیه رفقا در تناقض قرار دارد. جزا که این دعوت خوبی از نیروها و نهادهای دشمن خشان به ما چنین پیش شرطی را (آنهم بعنوان نیک) مطرح نکرده بودند. درواقع چنین برخوردی اساسا نیز نداشت این دلیل نا درست است که با اعتماد داده ای این سازمان داشته باشد. درصورتیکه به سیاست و دیدگاه او وحدتی دریسک اتحاد عمل و رهبری را هیبما شی رسیدیم، خواهیم توانست متحداشیم، در غیر این صورت نخواهیم توانست، بنا بر این مبنای که رفقا تعیین نمودند، بهمیج و چه نمیتواند پیش شرط

بود جزا نشایب و جدا شی!

اگر رفقا اتحاد عمل را از درون یک تحیل شخص سیاسی استناد انجام میکنند و اگر برای این اتحاد عمل سیاست معینی هم تعیین میکنند، با این آن دگری را نیز داشته باشند که برای موقیت این سیاست در عمل و تامین شتاب میخوامی سیاست آن، هر نوع مصالح و تقاضا همی در در جریان عمل نشان دهد. اما رفقا متأسفانه در جریان عمل این اصل را در جنبد نقطعه بزیر پیکار کذا شنید. و با طرح مسائل گردد که عملاً اتحاد را بهین بست می کنند، در پیشرفت موقیت آمیزی کارکنی ایجاد می کردند. دقیقاً بهمین دلیل است که ما میگوییم این نوع برخورد نمی توانند مبنیتی بررسیک سیاست استوار برای پیشتردا تحدی دارند باشد. سیاستی که با درستیه چهارمیخ کردن هزمنی خویش تا جایی است که اصل اتحاد عمل را نبزیر بزیر سوال ببردیا نسبت به هدف اصلی و سیاست حاکم برای اتحاد عمل و آکسیون مشخص دچار رتدید و آشفتگی است. و با لآخره با درک نادرستی از تا مین هزمنی داردویا هرسه آنها!

و ما میبینیم رفقا در توجیه این سیاست به ما چه میگویند. آنها استدلال میآورند که "خود را نسبت به پیکار ربرترمی بینند"، "تجربه شان از پیکار بین اعتمادند"، "نتیجه را هیبما شی برای آنها جنیه خیشیتی دارد" (نقل به معنی از بحث های رفقای نهاده ای این سازمان).

صرف نظر از رزیابی های که هر سیاستی از خوبی نهاده کشنا میگیرد و فعلاً ضروری نمی بینیم و ارادا بین بحث شویم، آنچه که فقا ظاهرا جنبه امولی میدادند، همان اظهاری اعتمادی و نگرانی از سرنوشت سیاست این آکسیون بود که نقش رهبری عملی را در این زمینه ها وارد مینمودند. طبیعتاً دلیل اختلاف موجود در حق داشتند که هر احسان و سیاست اعتمادی را جایز سیاست و تاکتیک این بایان سازمان داشته باشد. اما نا زمان نیکه بر سر دیدگاه های ای اس ای اتحاد عمل، توافق وجود دارد این احسان از کمترین ارزش عملی برخوردار نمی باشد.

بهمین جهت بیکوشید طرح این مسئله با پیشنهاد اولیه رفقا در تناقض قرار دارد. جزا که این دعوت خوبی از نیروها و نهادهای دشمن خشان به ما چنین پیش شرطی را (آنهم بعنوان نیک) مطرح نکرده بودند. درواقع چنین برخوردی اساسا نیز نداشت این دلیل نا درست است که با اعتماد داده ای این سازمان داشته باشد. درصورتیکه به سیاست و دیدگاه او وحدتی دریسک اتحاد عمل و رهبری را هیبما شی رسیدیم، خواهیم توانست متحداشیم، در غیر این صورت نخواهیم توانست، بنا بر این مبنای که رفقا تعیین نمودند، بهمیج و چه نمیتواند پیش شرط

پیکار

صفحه ۲۵

کمکهای مالی رسیده

۱۰۰۰ رفیق همافر.۷	۲۶	۱۰۰۰ شهروان:	۱-۱	۱۰۰۰ اردبیلست:	۹۷
۱۰۰۰ سجاد	۲۷	۱۰۰۰ آوارگان خصوصی	۲-۱	۱۰۰۰ م-	۹۳
۱۰۰۰ د. سیمای لاهیجان	۲۸	۱۰۰۰ احسان	۳-۱	۱۰۰۰ م-	۹۲
۱۰۰۰ سریا ز	۲۹	۱۰۰۰ ایزیوجرد	۴-۱	۱۰۰۰ م-	۹۱
۱۰۰۰ س- س	۳۰	۱۰۰۰ ایکبر	۵-۱	۱۰۰۰ م-	۹۰
۱۰۰۰ س- س	۳۱	۱۰۰۰ الف	۶-۱	۱۰۰۰ م-	۸۹
۱۰۰۰ ش-	۳۲	۱۰۰۰ الف ط	۷-۱	۱۰۰۰ م-	۸۸
۱۰۰۰ نشان	۳۳	۱۰۰۰ ز- و رامین	۸-۱	۱۰۰۰ م-	۸۷
۱۰۰۰ ش-	۳۴	۱۰۰۰ ب-	۹-۱	۱۰۰۰ م-	۸۶
۱۰۰۰ بودون کد	۳۵	۱۰۰۰ ب-	۱۰-۱	۱۰۰۰ م-	۸۵
۱۰۰۰ بودون کد	۳۶	۱۰۰۰ ب-	۱۱-۱	۱۰۰۰ م-	۸۴
۱۰۰۰ ع-	۳۷	۱۰۰۰ ب-	۱۲-۱	۱۰۰۰ م-	۸۳
۱۰۰۰ ع-	۳۸	۱۰۰۰ ع-	۱۳-۱	۱۰۰۰ م-	۸۲
۱۰۰۰ ع-	۳۹	۱۰۰۰ ع-	۱۴-۱	۱۰۰۰ م-	۸۱
۱۰۰۰ ع-	۴۰	۱۰۰۰ ع-	۱۵-۱	۱۰۰۰ م-	۸۰
۱۰۰۰ ع-	۴۱	۱۰۰۰ ع-	۱۶-۱	۱۰۰۰ م-	۷۹
۱۰۰۰ ع-	۴۲	۱۰۰۰ ع-	۱۷-۱	۱۰۰۰ م-	۷۸
۱۰۰۰ ع-	۴۳	۱۰۰۰ ع-	۱۸-۱	۱۰۰۰ م-	۷۷
۱۰۰۰ ع-	۴۴	۱۰۰۰ ع-	۱۹-۱	۱۰۰۰ م-	۷۶
۱۰۰۰ ع-	۴۵	۱۰۰۰ ع-	۲۰-۱	۱۰۰۰ م-	۷۵
۱۰۰۰ ع-	۴۶	۱۰۰۰ ع-	۲۱-۱	۱۰۰۰ م-	۷۴
۱۰۰۰ ع-	۴۷	۱۰۰۰ ع-	۲۲-۱	۱۰۰۰ م-	۷۳
۱۰۰۰ ع-	۴۸	۱۰۰۰ ع-	۲۳-۱	۱۰۰۰ م-	۷۲
۱۰۰۰ ع-	۴۹	۱۰۰۰ ع-	۲۴-۱	۱۰۰۰ م-	۷۱
۱۰۰۰ ع-	۵۰	۱۰۰۰ ع-	۲۵-۱	۱۰۰۰ م-	۷۰
۱۰۰۰ ع-	۵۱	۱۰۰۰ ع-	۲۶-۱	۱۰۰۰ م-	۶۹
۱۰۰۰ ع-	۵۲	۱۰۰۰ ع-	۲۷-۱	۱۰۰۰ م-	۶۸
۱۰۰۰ ع-	۵۳	۱۰۰۰ ع-	۲۸-۱	۱۰۰۰ م-	۶۷
۱۰۰۰ ع-	۵۴	۱۰۰۰ ع-	۲۹-۱	۱۰۰۰ م-	۶۶
۱۰۰۰ ع-	۵۵	۱۰۰۰ ع-	۳۰-۱	۱۰۰۰ م-	۶۵
۱۰۰۰ ع-	۵۶	۱۰۰۰ ع-	۳۱-۱	۱۰۰۰ م-	۶۴
۱۰۰۰ ع-	۵۷	۱۰۰۰ ع-	۳۲-۱	۱۰۰۰ م-	۶۳
۱۰۰۰ ع-	۵۸	۱۰۰۰ ع-	۳۳-۱	۱۰۰۰ م-	۶۲
۱۰۰۰ ع-	۵۹	۱۰۰۰ ع-	۳۴-۱	۱۰۰۰ م-	۶۱
۱۰۰۰ ع-	۶۰	۱۰۰۰ ع-	۳۵-۱	۱۰۰۰ م-	۶۰
۱۰۰۰ ع-	۶۱	۱۰۰۰ ع-	۳۶-۱	۱۰۰۰ م-	۵۹
۱۰۰۰ ع-	۶۲	۱۰۰۰ ع-	۳۷-۱	۱۰۰۰ م-	۵۸
۱۰۰۰ ع-	۶۳	۱۰۰۰ ع-	۳۸-۱	۱۰۰۰ م-	۵۷
۱۰۰۰ ع-	۶۴	۱۰۰۰ ع-	۳۹-۱	۱۰۰۰ م-	۵۶
۱۰۰۰ ع-	۶۵	۱۰۰۰ ع-	۴۰-۱	۱۰۰۰ م-	۵۵
۱۰۰۰ ع-	۶۶	۱۰۰۰ ع-	۴۱-۱	۱۰۰۰ م-	۵۴
۱۰۰۰ ع-	۶۷	۱۰۰۰ ع-	۴۲-۱	۱۰۰۰ م-	۵۳
۱۰۰۰ ع-	۶۸	۱۰۰۰ ع-	۴۳-۱	۱۰۰۰ م-	۵۲
۱۰۰۰ ع-	۶۹	۱۰۰۰ ع-	۴۴-۱	۱۰۰۰ م-	۵۱
۱۰۰۰ ع-	۷۰	۱۰۰۰ ع-	۴۵-۱	۱۰۰۰ م-	۵۰
۱۰۰۰ ع-	۷۱	۱۰۰۰ ع-	۴۶-۱	۱۰۰۰ م-	۴۹
۱۰۰۰ ع-	۷۲	۱۰۰۰ ع-	۴۷-۱	۱۰۰۰ م-	۴۸
۱۰۰۰ ع-	۷۳	۱۰۰۰ ع-	۴۸-۱	۱۰۰۰ م-	۴۷
۱۰۰۰ ع-	۷۴	۱۰۰۰ ع-	۴۹-۱	۱۰۰۰ م-	۴۶
۱۰۰۰ ع-	۷۵	۱۰۰۰ ع-	۵۰-۱	۱۰۰۰ م-	۴۵
۱۰۰۰ ع-	۷۶	۱۰۰۰ ع-	۵۱-۱	۱۰۰۰ م-	۴۴
۱۰۰۰ ع-	۷۷	۱۰۰۰ ع-	۵۲-۱	۱۰۰۰ م-	۴۳
۱۰۰۰ ع-	۷۸	۱۰۰۰ ع-	۵۳-۱	۱۰۰۰ م-	۴۲
۱۰۰۰ ع-	۷۹	۱۰۰۰ ع-	۵۴-۱	۱۰۰۰ م-	۴۱
۱۰۰۰ ع-	۸۰	۱۰۰۰ ع-	۵۵-۱	۱۰۰۰ م-	۴۰
۱۰۰۰ ع-	۸۱	۱۰۰۰ ع-	۵۶-۱	۱۰۰۰ م-	۳۹
۱۰۰۰ ع-	۸۲	۱۰۰۰ ع-	۵۷-۱	۱۰۰۰ م-	۳۸
۱۰۰۰ ع-	۸۳	۱۰۰۰ ع-	۵۸-۱	۱۰۰۰ م-	۳۷
۱۰۰۰ ع-	۸۴	۱۰۰۰ ع-	۵۹-۱	۱۰۰۰ م-	۳۶
۱۰۰۰ ع-	۸۵	۱۰۰۰ ع-	۶۰-۱	۱۰۰۰ م-	۳۵
۱۰۰۰ ع-	۸۶	۱۰۰۰ ع-	۶۱-۱	۱۰۰۰ م-	۳۴
۱۰۰۰ ع-	۸۷	۱۰۰۰ ع-	۶۲-۱	۱۰۰۰ م-	۳۳
۱۰۰۰ ع-	۸۸	۱۰۰۰ ع-	۶۳-۱	۱۰۰۰ م-	۳۲
۱۰۰۰ ع-	۸۹	۱۰۰۰ ع-	۶۴-۱	۱۰۰۰ م-	۳۱
۱۰۰۰ ع-	۹۰	۱۰۰۰ ع-	۶۵-۱	۱۰۰۰ م-	۳۰
۱۰۰۰ ع-	۹۱	۱۰۰۰ ع-	۶۶-۱	۱۰۰۰ م-	۲۹
۱۰۰۰ ع-	۹۲	۱۰۰۰ ع-	۶۷-۱	۱۰۰۰ م-	۲۸
۱۰۰۰ ع-	۹۳	۱۰۰۰ ع-	۶۸-۱	۱۰۰۰ م-	۲۷
۱۰۰۰ ع-	۹۴	۱۰۰۰ ع-	۶۹-۱	۱۰۰۰ م-	۲۶
۱۰۰۰ ع-	۹۵	۱۰۰۰ ع-	۷۰-۱	۱۰۰۰ م-	۲۵
۱۰۰۰ ع-	۹۶	۱۰۰۰ ع-	۷۱-۱	۱۰۰۰ م-	۲۴
۱۰۰۰ ع-	۹۷	۱۰۰۰ ع-	۷۲-۱	۱۰۰۰ م-	۲۳
۱۰۰۰ ع-	۹۸	۱۰۰۰ ع-	۷۳-۱	۱۰۰۰ م-	۲۲
۱۰۰۰ ع-	۹۹	۱۰۰۰ ع-	۷۴-۱	۱۰۰۰ م-	۲۱
۱۰۰۰ ع-	۱۰۰	۱۰۰۰ ع-	۷۵-۱	۱۰۰۰ م-	۲۰
۱۰۰۰ ع-	۱۰۱	۱۰۰۰ ع-	۷۶-۱	۱۰۰۰ م-	۱۹
۱۰۰۰ ع-	۱۰۲	۱۰۰۰ ع-	۷۷-۱	۱۰۰۰ م-	۱۸
۱۰۰۰ ع-	۱۰۳	۱۰۰۰ ع-	۷۸-۱	۱۰۰۰ م-	۱۷
۱۰۰۰ ع-	۱۰۴	۱۰۰۰ ع-	۷۹-۱	۱۰۰۰ م-	۱۶
۱۰۰۰ ع-	۱۰۵	۱۰۰۰ ع-	۸۰-۱	۱۰۰۰ م-	۱۵
۱۰۰۰ ع-	۱۰۶	۱۰۰۰ ع-	۸۱-۱	۱۰۰۰ م-	۱۴
۱۰۰۰ ع-	۱۰۷	۱۰۰۰ ع-	۸۲-۱	۱۰۰۰ م-	۱۳
۱۰۰۰ ع-	۱۰۸	۱۰۰۰ ع-	۸۳-۱	۱۰۰۰ م-	۱۲
۱۰۰۰ ع-	۱۰۹	۱۰۰۰ ع-	۸۴-۱	۱۰۰۰ م-	۱۱
۱۰۰۰ ع-	۱۱۰	۱۰۰۰ ع-	۸۵-۱	۱۰۰۰ م-	۱۰
۱۰۰۰ ع-	۱۱۱	۱۰۰۰ ع-	۸۶-۱	۱۰۰۰ م-	۹
۱۰۰۰ ع-	۱۱۲	۱۰۰۰ ع-	۸۷-۱	۱۰۰۰ م-	۸
۱۰۰۰ ع-	۱۱۳	۱۰۰۰ ع-	۸۸-۱	۱۰۰۰ م-	۷
۱۰۰۰ ع-	۱۱۴	۱۰۰۰ ع-	۸۹-۱	۱۰۰۰ م-	۶
۱۰۰۰ ع-	۱۱۵	۱۰۰۰ ع-	۹۰-۱	۱۰۰۰ م-	۵
۱۰۰۰ ع-	۱۱۶	۱۰۰۰ ع-	۹۱-۱	۱۰۰۰ م-	۴
۱۰۰۰ ع-	۱۱۷	۱۰۰۰ ع-	۹۲-۱	۱۰۰۰ م-	۳
۱۰۰۰ ع-	۱۱۸	۱۰۰۰ ع-	۹۳-۱	۱۰۰۰ م-	۲
۱۰۰۰ ع-	۱۱۹	۱۰۰۰ ع-	۹۴-۱	۱۰۰۰ م-	۱
۱۰۰۰ ع-	۱۲۰	۱۰۰۰ ع-	۹۵-۱	۱۰۰۰ م-	۰
۱۰۰۰ ع-	۱۲۱	۱۰۰۰ ع-	۹۶-۱	۱۰۰۰ م-	-۱
۱۰۰۰ ع-	۱۲۲	۱۰۰۰ ع-	۹۷-۱	۱۰۰۰ م-	-۲
۱۰۰۰ ع-	۱۲۳	۱۰۰۰ ع-	۹۸-۱	۱۰۰۰ م-	-۳
۱۰۰۰ ع-	۱۲۴	۱۰۰۰ ع-	۹۹-۱	۱۰۰۰ م-	-۴
۱۰۰۰ ع-	۱۲۵	۱۰۰۰ ع-	۱۰۰-۱	۱۰۰۰ م-	-۵
۱۰۰۰ ع-	۱۲۶	۱۰۰۰ ع-	۱۰۱-۱	۱۰۰۰ م-	-۶
۱۰۰۰ ع-	۱۲۷	۱۰۰۰ ع-	۱۰۲-۱	۱۰۰۰ م-	-۷
۱۰۰۰ ع-	۱۲۸	۱۰۰۰ ع-	۱۰۳-۱	۱۰۰۰ م-	-۸
۱۰۰۰ ع-	۱۲۹	۱۰۰۰ ع-	۱۰۴-۱	۱۰۰۰ م-	-۹
۱۰۰۰ ع-	۱۳۰	۱۰۰۰ ع-	۱۰۵-۱	۱۰۰۰ م-	-۱۰
۱۰۰۰ ع-	۱۳۱	۱۰۰۰ ع-	۱۰۶-۱	۱۰۰۰ م-	-۱۱
۱۰۰۰ ع-	۱۳۲	۱۰۰۰ ع-	۱۰۷-۱	۱۰۰۰ م-	-۱۲
۱۰۰۰ ع-	۱۳۳	۱۰۰۰ ع-	۱۰۸-۱	۱۰۰۰ م-	-۱۳
۱۰۰۰ ع-	۱۳۴	۱۰۰۰ ع-	۱۰۹-۱	۱۰۰۰ م-	-۱۴
۱۰۰۰ ع-	۱۳۵	۱۰۰۰ ع-	۱۱۰-۱	۱۰۰۰ م-	-۱۵
۱۰۰۰ ع-	۱۳۶	۱۰۰۰ ع-	۱۱۱-۱	۱۰۰۰ م-	-۱۶
۱۰۰۰ ع-	۱۳۷	۱۰۰۰ ع-	۱۱۲-۱	۱۰۰۰ م-	-۱۷
۱۰۰۰ ع-	۱۳۸	۱۰۰۰ ع-	۱۱۳-۱	۱۰۰۰ م-	-۱۸
۱۰۰۰ ع-	۱۳۹	۱۰۰۰ ع-	۱۱۴-۱	۱۰۰۰ م-	-۱۹
۱۰۰۰ ع-	۱۴۰	۱۰۰۰ ع-	۱۱۵-۱	۱۰۰۰ م-	-۲۰
۱۰۰۰ ع-	۱۴۱	۱۰۰۰ ع-	۱۱۶-۱	۱۰۰۰ م-	-۲۱
۱۰۰۰ ع-	۱۴۲	۱۰۰۰ ع-	۱۱۷-۱	۱۰۰۰ م-	-۲۲
۱۰۰۰ ع-	۱۴۳	۱۰۰۰ ع-	۱۱۸-۱	۱۰۰۰ م-	-۲۳
۱۰۰۰ ع-	۱۴۴	۱۰۰۰ ع-	۱۱۹-۱	۱۰۰۰ م-	-۲۴
۱۰۰۰ ع-	۱۴۵	۱۰۰۰ ع-	۱۱۱-۱	۱۰۰۰ م-	-۲۵
۱۰۰۰ ع-	۱۴۶	۱۰۰۰ ع-	۱۱۲-۱	۱۰۰۰ م-	-۲۶
۱۰۰۰ ع-	۱۴۷	۱۰۰۰ ع-	۱۱۳-۱	۱۰۰۰ م-	-۲۷
۱۰۰۰ ع-	۱۴۸	۱۰۰۰ ع-	۱۱۴-۱	۱۰۰۰ م-	-۲۸
۱۰۰۰ ع-	۱۴۹	۱۰۰۰ ع-	۱۱۵-۱	۱۰۰۰ م-	-۲۹
۱۰۰۰ ع-	۱۵۰	۱۰۰۰ ع-	۱۱۶-۱	۱۰۰۰ م-	-۳۰
۱۰۰۰ ع-	۱۵۱	۱۰۰۰ ع-	۱۱۷-۱	۱۰۰۰ م-	-۳۱
۱۰۰۰ ع-	۱۵۲	۱۰۰۰ ع-	۱۱۸-۱	۱۰۰۰ م-	-۳۲
۱۰۰۰ ع-	۱۵۳	۱۰۰۰ ع-	۱۱۹-۱	۱۰۰۰ م-	-۳۳
۱۰۰۰ ع-	۱۵۴	۱۰۰۰ ع-	۱۱۱-۱	۱۰۰۰ م-	-۳۴
۱۰۰۰ ع-	۱۵۵	۱۰۰۰ ع-	۱۱۲-۱	۱۰۰۰ م-	-۳۵
۱۰۰۰ ع-	۱۵۶	۱۰۰۰ ع-	۱۱۳-۱	۱۰۰۰ م-	-۳۶
۱۰۰۰ ع-	۱۵۷	۱۰۰۰ ع-	۱۱۴-۱	۱۰۰۰ م-	-۳۷
۱۰۰۰ ع-	۱۵۸	۱۰۰۰ ع-	۱۱۵-۱	۱۰۰۰ م-	-۳۸
۱۰۰۰ ع-	۱۵۹	۱۰۰۰ ع-	۱۱۶-۱	۱۰۰۰ م-	-۳۹
۱۰۰۰ ع-	۱۶۰	۱۰۰۰ ع-	۱۱۷-۱	۱۰۰۰ م-	-۴۰
۱۰۰۰ ع-	۱۶۱	۱۰۰۰ ع-	۱۱۸-۱	۱۰۰۰ م-	-۴۱
۱۰۰۰ ع-	۱۶۲	۱۰۰۰ ع-	۱۱۹-۱	۱۰۰۰ م-	-۴۲
۱۰۰۰ ع-	۱۶۳	۱۰۰۰ ع-	۱۱۱-۱	۱۰۰۰ م-	-۴۳
۱۰۰۰ ع-	۱۶۴	۱۰۰۰ ع-	۱۱۲-۱	۱۰۰۰ م-	-۴۴
۱۰۰۰ ع-	۱۶۵	۱۰۰۰ ع-	۱۱۳-۱	۱۰۰۰ م-	-۴۵
۱۰۰۰ ع-</td					

بزرگداشت اول ماه مه، روز جهانی کارگر،
در شهرهای مختلف ایران

لیبرال‌ها، زندگانی دیپکا روتوده ها درسا سرا بران
ساز حمکشا ن؛ تا مسکن بازدی و همچنان
شماره ای در پشتیبانی از جنبش مقاومت خلق
کردداده دند. این نظا هرات بین از ۱۵ دقیقه
بدون اینکه مزدوران رژیم بتوانند عکس العمل
فعالی نشان دهنده بایان رسید.

صفحه:

در ساعت ۵ بعداً زهروز ۱۱ اردیبهشت، رفای هوا دار سازمان بامداد کاری یک تظاهرات موضعی در خیابان وجد، روز جهانی طبقه کارکر اگرا می‌داشتند. رفای سازمان شماره‌شی چون: "اتحاد، اتحاد، کارگران اتحاد، علیه سرمایه-دار، علیه میریا لیسم"، بهشتی و پسی صدر در سرکوب توده‌ها متوجه‌بودند. "بهشتی"، بهشتی صدر، مرگ بهمن‌تکنان، خون شهدان خلق می‌چکدزا جنگتگان، "زمختکنان ایران برمی-شند" فریداد، دیگرین است که این دیگرین است بیکاری، "زندانی سیاسی، بهشت توده‌ها، از آداب یادگارد".... پیام‌نگاری خود را به کوشک ایران و زمختکنان رساندند. این تظاهرات که به مدت ۴ دقیقه‌دا مدداشت مورد استقبال و تماشده‌نموده قرار گرفت. در رخانمۀ تظاهرات، پاساران واپیشان رژیم با هدف سرکوب تظاهرات و نیز بجا در عرب و حاشیه در توده‌های که از مراスマستقبال می‌گردند، پاسارچوق‌جماق و... ۳ به شرکت کنندگان در مراسم حمله برده و تعدادی را خمی و دستکبر کردند.

آمل:

رفقا هوا دام زمان در سقزیتی از گرامی -
داشت ۱۱ اردیبهشت، روز همبستگی جهانی
طبقد کارگر در این روز دست به یک تظاهرات
موضوعی زدند. رفقا متعدد و یکباره کویندگی
هرچه بیشتر شما رمیدا دند: "هر یاری به کی شایا
روزی چینی کریکار" (زنده با داول ما همه روز
طبقد کارگر)، "دژبه چیزی جمهوری، دژبه لبیرالله
کان، هر یاری شورشی زحمدت کیشانی لعنتا
سی ثیران"؛ (علیه حزب جمهوری، علیه

کارکنان جنگره صنعت نفت در اصفهان روزه مبستگی جهانی کارگران را گرامی داشتند

نما پندکان کا رگرا منعت نفت، برودا شت
بعدا رگذشت ۲ ساعت، بآسرا ران سوما به سه
غمرا هدیگرا وابا شان، به مراسم حمله کرده و من
پنیرا ندازی و حمله اما جما وجا تو، تعیدا دی
را از خمی وحدود ۳ تن را دستگیر شمودند. بور ش
وحشنا سه مسدوران رژیسمه مراس اوول ما همه
کارکنان چنگزده منعت نفت، بیکارا دیدیگر وحشت
رژیسمرا از طبقه کارگر و قدرت لایزال ش نشان داده
وکینه طبقاتی کارگران و اسلامیون گمینیست
را نسبت به رژیسم سما بدرا ران مددنا ن کرد.
پنینه ای که بسوی میا رزه طبقاتی قاتا طعناء، تسا
بیرونی سوسایلیسم، ره میکنید.
زندہ داروز مدلدار نامه کارگران

بدعوت "سورای کارکنان جنگزده شرکت
نفت" صبح روز ۱۱ اردیبهشت (اول ماه مه)
مرا سمی در باب شگاهد کارگران شرکت نفت در
خیابان میر، سرگرازد. در این مراسم که مسورد
استقبال کارگران و نشروهاست انتقامی قرار
گرفت، چندتن از کارگران ضمن سخنرانی‌های
کوبنده خود، دست به افتخای ما هیبت‌ذکار گردی و
ضدخلقی رژیم جمهوری اسلامی زدند. یکی از
کارگران با معروفی روزا اول ماه مه توپخان
تا ریخچه‌آن پیرامون نقش کارگران و موقعیت
 فعلی آنان، سخن گفت و ضمن انتراض به —
جنایات رژیم، پرده‌ای از چهره رژیم جنایتکار
جمهور اسلام در این طبقه ستدگشت. —

بقيه از صفحه ۱۶ حركات ۰۰۰

کنترل آوارگان دریکی از ملوكهای خوا بگاه
مستقر میشوند. مزدوران سپاه گذشته ازو وضع
قوانین ارجاعی سرای ساکنین خوابگاهه
تمام مدردو بیرو ابلوکهای را از عکس های سرد مداران
رژیم جمهوری اسلامی پر کرده و هر چگاکه
اعلامیه ای اقلایی و با کمونیستی بر دارد بیوار
می بینند، آنرا پاره میکنند. مزدوران رژیم
علاوه بر اینها، تمام بندگان دیگر تورا را تحت
تعقیب قرار داده و ما شنگرگهای درندۀ بدنبال
آنان میگردند. آنها درندۀ خوش را بحدی
رسانده اند که در تاریخ ۱۴۰۶ به میکی از
اتفاقهای خوا بگاه محله کرده و با زور میخواهند
که اتاق را بدهیاندواهی "رفت و آمد" می
مشکوک" با زرسی نمایند، اما فرادخان تواده
مخال لفت کرده و آنها مجوز میخواهند. مزدوران
سلخ سپاه نیز در مقابل چشم عده زیادی از
ساکنان بلوک که در آن جا جمع شده بودند با گشیدن
کلینکن ز - ۳ و گذاشت لوله اسلحه روی سینه
افراد خانواده میگویند: "این مجوز ماست!"
سبس به درون اطاق رسخته و شما آن را زبرو رو
میکنند و وقتی چیزی پیدا نمیکنند برا بردن دو
پسرخانواده به مقر خود، عمق کینه و دشمنی شان
را نسبت به آوارگان نشان میدهند. اما از ترس اعتراض
مردم، ناجار میشوند و روز بعد آنها را آزاد کنند.

آری با سخ رژیم ضد خلقی به آوا رگان جز سرکوب و دستگیری وزندان و شکنجه آنها نبوده و با سخ آوا رگان نیز جز تشدید مبارزات بحق خود بر علیه سرکوبگران جمهوری اسلامی و پیوند آن با جنبش کارگران و زحمتکشان نخواهد بود.

بیانیه ۱۵ صفحه ۰۰۰ رژیم
کویند داریان کشورها مبارزه طبقات
کویند و لنهای حاکم داریان کشورها
باشد، آنها میگویند کارگران و زحمتکار
دارند و آنها میگویند رژیم مترجع است
غیره معهد و مستقل و انتقادی می‌نمایند
کارگران و زحمتکاران ماهیت این تبلیغ
مسایر این مبارزه نشان میدهد
سیاسی درست سوز روزا مرتضی
جز استثمار و کشتار جمیعتکاران کار
زنده باد مبارزات کارگران و زحمتکار
روپرتوینیستی و سوسال امی
بورزوای استثمارگر و سروکوبید
زنده با دمبارزات طبقه
در راه مغلاب سوسالیستی و دبیر

بیانیه ۱۴ صفحه ۰۰۰ دمکراسی
۳- دمکراسی پرونتری یا
بورزوای شی، کدامیک با منافع
بورزوای زی در کشورهای تحت
بسیشتر خواهان شی، دارد؟

۴- راه سوم خرد بورژوازی به مقصده منتهی می شود؟ چرا؟

۵- آیا انتوپی خرد بورژوازی، آرزو و تصوری ارجاعی است؟ چرا؟

اطلاعیه اعلام هویت بخشی از وحدت انقلابی برای آزادی طبقه کارگر

به هشت حاکمه معتقد و دوگرا بیش که از زیبایی
از جنا جهای هشت حاکمه بمنابع سوزروا زی
ارجاعی و اینسته امیریا لیسم، بتاکتیک
برخوردقا طبع و انتقامی با کل هشت حاکمه و
ما شین دولتی بعنوان ارگان سرکوب طبقاً ترسی
را مطرح میکرد، نسبتو استند در کناراهمد رسک
تشکیلات قرا رگرسد، و طبیعتاً تجمع آشنا و لسو
تحت کلی تربی و مفهمه تربی بلطفه مهاشمی-
توانست بحران زایبا خود را غلبه برای بحران
گرا یافت مختلف برخوردهای منفای و تی مسند و ند
و پر مهیای از زیبی از آن به راه شروع حمل
پرداختند هنمودهای مختلفی اراده میدادند.
ذیلاً سعی میکنیم این برخوردها را بطور مختلف
و جام شرح دهیم:

الف: تز مناسیات عمدہ

ترمانتا سیاست عدمهای برخورداری اکوئومنیستی
وولونتنا ریسنسی و مارسپوش گذاشتند برای تحریرات
اساسی ایدئولوژیک وحدت انتقلابی و باقی بسیار
تر "دوران گذار" علی‌اصطی را عدماً جرای صحیح
آن طرح در وحدت انتقلابی میدانست این تمرز
میگفت "تشکیلات دوران گذار... با توجه به
نقضها و کمودوها بش در آن دوره بسته‌نمای تنشی طرح
عملی بوده که میتوانست بعنوان اولین قدمهای
مؤثربرجهت باشد باین بخشیدن به برانگشته شروها
باشد" و "ما درستی بلاتفترم‌سیاسی را نقطه‌شروع
حرکت ارزیابی کردیم، ولی برای ندا و ما بین
حرکت و چگونگی تحقق آن برنا مهدتا نشیم. این
ترنیابی قبیل وحدت در تاکتیک (پلاتفترم‌سیاسی) و
قبیل دوران گذار و استفاده عدماً جرای صحیح
آن در وحدت انتقلابی اینورت‌تونیستی ترسیم و
عقل مقابله ندهد ترین گرا بش راشماستگی می‌نمود.
این تزمتعقدسودکه سارقراری مناسقات
صحیح بین ارکانها و فرادویبا دهکردن یک
سازماندهی؟! صحیح میتوان بررسی‌ران فائز
آمد.

به این ترتیب راه حل خروج از سحران را در

★ از آنجا که وحدت انقلابی "تکلیفاتی" اشتباعی بود و شهادت را کسیستی بدروستی باشد موردنی قرار میگرفت. و از آنجا که عمل‌الهم تکلیفاتی موجود شد. ما اعلام انتشار و پایا اعلام اخراج کریم‌باد دیگر را غیر اصولی دانسته و بیدین و سلیمانی هم بیست خوش و اعلام مبدای رسیم.

این مقطع، تشكیلاتی کدبرمسنای آشی طلبی وسا زش طبیعتی، گرایشات گوشاکون را در خود جمع کرده و سیاست و ایدئولوژی واحداً مسؤول م.م.د. سازمانی (سنترا) ایسمدموکراشک (سرآن) حکمفرما نباشد، دیربا زودی بران سراسر وجودش را فرا میگرد. همچنانکه وحدت انتظامی دستخوش بیهاران (بعضی اختلال در رگا نیسمیک پیدا شده) بودکه اساساً ناشی از شودا بدیتلولوژی و سیاست و اعاده شقلایی و ما رکسیستی از یکطرف و حاکمیت فراکسیونیسم و محلیسم و پارلament را بمحابای سنترا ایسمدموکراشک باز طرف دیگرسود.

اگر در سالهای قبیل ازا و جکری مبارزه را ت
تودهای و در شرایط حاکمیت دیکتاتوری عربان
وفا شیستی و در شرایطی که بعلت حادثه‌های
مبارزه از طبقاتی در حاجه معمه، مرزبانی بین
طبقات در عرصه‌های است به این حدت بر جسته و روشن
شید و گراپیات مختلف امکان همیستی بمدت
طولانی تری را داشتند، ولی از یک طرف در مقاطع
قیام‌وپیش از آن بعلت حادبودن مبارزه طبقاتی
در رجا معاوا و از طرف دیگر جریان یافتن یک مبارزه
ایدئولوژیک فعال و همچنین روشن شدن مژ -
بندهای های ساسی - ایدئولوژیک تبروهای مل
سا روزی یونیستها و سیره‌های متزلزل امکان
ادا مطولاً همیستی بین گراپیات مختلف
موجود نبود. بعنوان مثال اگر سازمان جریکهای
فداشی خلق در طی چند سال که مبارزه طبقاتی
حدت جندانی نداشت، توانست در درون خود
گراپیات مختلفی را، از قبیل گواشی احمدزاده -
مومنی که با روزی یونیسم خروجی مزین‌بندی
انقلابی داشت و گراپیش لیبرال - سارودنیکی
جزئی که با روزی یونیسم خروجی مزین‌بندی
نداشت، بنا درستی جمع کرده و به حبات خود
ادا مدد و دیدیم که سا حادثه‌نما و زره طبقاتی
در این سازمان جندان شغاف مورث گرفت.

تحجم گرا بیش مختلط درا بن شکل
ائتلای برمن می رازت حاد طبقاً تی و می رزه
ایدئولوژیک حاری در جنبش کمونیستی نمی -
توواست این شکل را از همان ابتدا دجا رسخان
نمی ازد، بدین ترتیب تفاوکرا بیش مختلط و
تعقیق مرزیندی بین آنها این مجموعه را در
بن بست تناقضات لایحلی گرفتنا رساخت. وا ضع
بودکه درا بن شرایط حاد و بحرانی، گرا بیش که
با ارزیابی ازحتاج مسلط هیئت حاکمه معنویان
شما بینده روابط فنودا لی به تا کتبک ترجیحي

۴۹
همان در میا رزه جربا نهای موجود در داخل
ما رکبیم است که جتنا خرد بورزوایی روشنگری
سوسال دموکراسی پدیدار ریاست دودوکسا را از
اکتوبریسم (۱۹۰۳-۱۹۰۵) شروع کرد و هدف آن
را به منویسم (۱۹۰۵-۱۹۰۸) و انحلال طلبی
۱۹۰۸-۱۹۱۴ (۱۹۱۴) میرساند.

لندن
”وحدت اسلامی براو آزادی طبقه‌کار“
که حدودیکال از تشكیل آن میگردید را سان
سینش انخلاء طلبانه که خود را در تزمد مارکسیستی
واشتلافلی ”دوران گذا رینشان میداد، بوجود
آمد. این تزیبا مخدوش کردن لیرالی اختلافات
ایدیولوژیک بین سازمانها، بهبیانه باشکنکه
این اختلافات ناشی از اینها مات معرفتی می-
باشد و در درون هر سازمان دیگری نیز وجود
دارد، با عدم استفاده ضرورت حاکمیت ایدیولوژی
و سیاست واحد بر تشكیلات و درستیجه جمع آوری
تشکلها گون تحت بلا تغیر مهای کلی و مهم
و با تنزل دادن نقش منا روزه ایدیولوژیک (یکی
از وجوده مبارزه طبقه‌تی که لاجرم با بدھرما هادو
وجددیگرینعی مبارزه سیاسی و اقتصادی باشد)
تا حدیلیمکهای روشنفکر اندوآکادمیک و
سینش انخلاء طلبی را به بازترین شکلی به
نمایش میگذاشت.

ترنحکیلات دوران گذا رکه‌جوهر املى آترا
انحراف اساسى ايدشولوزيک انحلال طلبى
تشکيل ميدا ددر مقطعى از جنىش توسط گروههاي
(بیوند- زخت- مبارzin - میارزا
اتحاد ديه) در جزو وحدت مسئله محوري و
شورىزه شدو و منيا تشكيل وحدت انتقالي قرار
گرفت اين انحراف ايدشولوزيک خود را در گيرفرايس
و هدت دا نشجويان مبا رز...، هسته هاي مختلف
كمونىستى نفعي کار مستقل گروهی در گرددستان و
نيريشان ميداد.

"بیانیه وحدت" که بکمال پیش تشكیل
وحدت انقلابی و انتقال ۸ گروه و مغلول (سما رزین
آزادی طبقه کارگر - مبارزان راه آفتدیه کارگر -
زمت - بیرون - گروه کارگران محدودین خلق - بخشی از
سما رزین آزادی خلق - بیکارگران آزادی طبقه
کارگر) را علامت نمایند شود و در حقیقت بهمایان
پلاformer وحدت بیشتر مرغفت به هیچوجه نسبیتو انت
بعنای تنشیوری را همایی یک تشكیلات کوشیستی
برای شرکت در سما روزه طبقاتی سا شد. بیانیه
فوق ملخمهای از گرا بنایان کوناکون سا سی
بودکه اساس آنرا گرا پیش راست تشكیل میداد.
 واضح است در مقطعي کدرجا معهده حرجان زده
ما، مبارزان طبقاتی بصورتی حادر جرجان
است، پژوهش شرکت فعال در سما روزه طبقاتی
جا ری، باتکیه بر سازمانی که بر مبنای اصول
م. ل. و سیاست و ایدئولوژی واحدی بی ریزی
شده باشد، بیش از بیش احساس مشهد و بیان طبع در

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

تشکلاتی مشخصی (حتی به شکل نیم بندسا بق)
حاکم بود و گراشت ۲۱ بمورت ۲ فرماکسیون
مجرا در درون "تشکلات وحدت انتقامی" سرمیریدن
مرکزیت وحدت انتقامی، اساسا دیگر توریسته ای
نداشت و با تصویب طرح می رزهای بدشلوزیک
علتی، بطور کامل عمل ازین رفت و بجای آن
کمیسیونی مرکب از ۶ نفر، (نفر از دیدگاه ۱۵،
۲ نفر از دیدگاه ۲، ۲ نفر از دیدگاه ۳۵) برای
نوشتن مقالات ودادن آن به منشیه، تعیین شد

ما بعنوان بخش عمده رفاقت طرف سه معتقد بوده و هستیم که بحران تشکیلات وحدت انقلابی اساساً ناشی از حاکمیت یک انحراف راست روپریزونیستی بود که بخوبی در عرصه تشکیلات از موازین م.ل. عدول نموده و به اتحاد طلبی درمی غلطید. تز تشکیلات دوران - گذا رکه وحدت انقلابی هوتی می بخشید جلوه آشکار را تحمل طلبی در تشکیلات بود. واضح بود که بدون مرزبندی ریشه ای و قاطع با این اشعار و بصیرت مشخص با اتحاد طلبی نمیتوان بهرا حلمن.ل. خروج از بحران دست یافت، وا ز آنچه که تشکیلات وحدت انقلابی اسا سا برپا بهتر ابوریزونیستی و اتحاد طلبی نمودوران گذا و سنا شده بود، سنا برایین بدرستی با یدموردن فتنی انقلابی قدر منگفت. ★

ما بعدها زنفی شکیلات وحدت انقلابی بر اساس مجموعه مواضع سیاسی - ایدئولوژیک - شکیلاتی ما ن میباشد به حرکت خود داده

میدادیم، و ز آنچا که مابین مواعظ خودوسا زمان
بیکار اختلاف اساسی نمی دیدیم بطریف رفقای
بیکار سمتگیری کردیم و حركت گمونیستی نیز
همین بود. چرا که معتقدیم که برای پشت مختال

زمانی حق داشتند بفعالیت مستقل بپرازدند و استنکلیات مستقل درست کنندکه جای خودشان را در چنین کمونیستی روشن کنند و مزمندی خود را با تشکلها می‌خواهند. بدین معنی که اگر بین مجموعه موافع خود و موافع نیروهای جنبش کمونیستی اختلاف اساسی داشتند بفعالیت مستقل بپردازند ولی اگر چنانچه موافع سایر شرپوها هم بل اختلاف اساسی و عدمه نداشتند باید درجهت وحدت حرکت کنند. روشن است که فعالیت مستقل گروهی در

★ روش است که مادر پرسه شکلگیری و حرکت خوب، از ابتدا عمیقاً و بطور همه جانبه بالخلال طلبی و جلوه های مختلف آن مرزبندی ننموده و طبیعتاً آن لوده به گرا بستات آتحلال طلبنا نه و آشنا طلبانه بودیم و بهمین علت بودکه مادر برخورده طرح مبارزه آیدولوژیک علی‌عنی به آن رای داده و نیز در برخورد به نشانه نظرات دیدگا ۳ اختلافات خودمان را کمرنگ میدیدیم. روش است که این انجرا فات اساساً باقی ای همان بیش اتحلال طلبنا نه ای بودکه برکل "وحدت انتقامی" و اجمله خودما حاکمیت داشت.

آکادمیست، مکان پذیرمیدا نست، راه حل
میا رزه آبدشلوژیک علتنی نیزیما توجیها نی از
قیبل! انسجا مبیشتروندوین مشی وبرنا هم و...
را حلی ادخل طلبی نه و آکادمیست بود که
بجای اینکه انسجا مبیشتروندوین تئوری همه-
جانبه رادر جریان میا رزه آبدشلوژیک فعال
برومن شرکت درپرا تیک انقلابی جستجوکند،
آنرا در شلاف آکادمیک بمورت شریه مشترک
با دیدگا ههای مختلف جستجو میکرد. روش است
همزیستی و ساز در دیدگا ههای گونا گون نه
انسجا مبیشتردیدگا ه وگرا پیش برولتری بلکه
احتاطه و انجراف آنهاست

ب: تزسازش سیاسی

این تزئینات اساسی بحران را عدم وحدت در تاکتیک (اختلاف در برخورده به همیشگان) و قدرت سیاسی) دانسته و وحدت نظر بررسی مسئله قدرت سیاسی و تاکتیک برخورده آنرا راه حل خروج از بحران میدانست.

این تزیبا قبول تر "دوران گذار" و اعتقاد به یعنکه "وحدت گروهگا می مشتب و انتقامی در جهت منافع و آرمانهای کارگران، زحمتکشان و خلقهای ستمدیده ایران است" و "وحدت انقلابی" گا می عملی به سمت ایجاد حزب کمونیست ایران بردا شته و وحدت را در عرصه جنبش کمونیستی-اقویعت بخشیده و... اساساً نمی توانست گا می درجهت حل بحرا ن باشد، زیرا روشن است بدرون وحدت دراید شلولی و سیاست و پرورنا مه، سخنی از وحدت در تاکتیک (همعنی ما را کسیستی آن) نمی توانست در میان باشد.

ج: مبارزه ایدئولوژیک علنى

این تیزکه جلوه‌ای از همان بینش اتحلال -
طلبانه حاکم بر وحدت انتقامی بود، با مطروح
کردن همکوشی تئوریک، این به شکلی دیگر
بعنی به شکل با صلاح می‌ارزد ایدئولوژیک
علی‌الله، می‌ارزد ایدئولوژیک علی‌الله بین گواهیات
مختلف را، راه حل خروج از بحران قلمداد می‌کرد.
از آنجا که این راه حل در سطح جنبش‌کمونیستی
انعکاس یافته می‌شد، نیمی کمی در این راه
مکث کرده و بطور مختصر این حرایفات این طرح را
با زکرده و نشان دهنده‌که این طرح در حقیقت
ادا نمای همان بینش اتحلال طلبانه، منت‌های در
پوشش نوین بود.

۱- از آنجا که یکی از لذایل وجودی هر تشكیلات کمونیستی شرکت آن در مبارزه طبقاتی است و از آنجا که تز "دوران گذا ر" عمدلاً رخدامت نفی شرکت در بین رازه طبقاتی بود، راه حل مبارزه پدالوژیک علشی «نمی توانست با سیفیسم تشكیلاتی را برطرف کرده و فرقای صادق را درجهت مبارزه طبقاتی رهمنم سازد، وا زاین نظریک را احل انحلال طبلانه بوده و با تزریق این عذری "تفاق" نداشت.

۲- هما نگونه که تز "دوران گذار" امرت دوین
تئوری و پایا لاش جنبش کمونیستی را از طریق
همکوشش، شیخ، مطابعات علمی، و شفکان

رویزبینیستی دارد. آیا ارتبا درونی این سلسله نظریات هنوز برای رفقای نویسنده روش نیست؟

نتیجه اینکه نه تنها ردا نقلایی و ما رکسیستی

- لینینیستی تزدروان گذاری نتوانست بدون طردیدگاه اشتلاف و انحلال طلبی مورت پذیرد و به نقدسا برخطوهای اشلال طلبی از قبیل کنفرانس وحدت، داشنجویان مبارز، هسته‌های مختلط و... نیز منجرب گردد، بلکه مهمتر ازان اگر چنانچه نقدیدگاه های اشتلافی و انحلال -

طلبانه همراه با تقدیر و دیدگاه های راست و اند در مردم را خسته می‌نماید - اجتماعی جامعه،

قدرت سیاسی، تاکتیکی «مول سازمانی و....»

همراه نمی‌شدنی نتوانست نقدی م.ل. و انقلابی

باشد، بدین ترتیب از نظرما ردا انحلال طلبی

می‌باشد، بدین ترتیب از نظرما ردا انحلال طلبی

می‌باشد، بدین ترتیب از نظرما ردا انحلال طلبی

راستروانه در زمینه‌های دیگر جواشی دید -

گاههای درست مورت پذیرد، جراحته همه آنها

جلوه‌های گوناگون گرایش را استروانه و

رویزبینیستی حاکم بروخت انتقامی بودند.

بدین ترتیب همان نظریکه اساندمیاره

ایدیولوژیک و قطعنامه‌های ما نیز نشان میدهد

ما همراه با نقدیدگاه اشتلاف و ردلجهوهای

گوناگون آن، به نقدنظرات را استروانه نیز

برداختیم. سمتگیری ما به رفقای پیکار نیز

دقیقتاً شتجه تشکیلاتی نظرات سیاسی - ایدیولوژیک

ما بود.

نظریا تی که مادرطی می‌زده ایدیولوژیک

دروونی در نوشه و قطعنامه مان بیان کردیم.

نکته جالب این است که این قهرمانان

می‌زاره با انحلال طلبی در شکل راست و چوب آن

نه تنها در ردا انحلال طلبی پیشوای بودند و تنها

یک سند تحلیلی نیم‌بندده در دیدگاه اشتلاف و

نقدهله‌های انتقال طلبی اراشندند!!

بلکه از مادا فین طرحهای از قبیل می‌زاره

ایدیولوژیک علی‌نیز بودند (رجوع شود به

ضمیمه انتقال شماره ۵ - پیش‌نویس قطعنامه نویسنده‌گان).

مسئله دیگری که با ایدیدا اشاره کرد مسئله

قطع می‌زاره ایدیولوژیک علی‌نیز است. همانطوری

که فوق نیز توضیح دادیم نویسنده‌گان اطلاعیه

انشاء‌بندی می‌دانند ایدیولوژیک علی‌نیز

با طرح می‌زاره ایدیولوژیک علی‌نیز بودند

نداشتندا ازان دفاع سیکرد! وقطعه انتشار

غمیمه‌های انتقال نیزه‌های انتشار می‌ولی!

آنها بلکه صرفه در نتیجه می‌زاره ایدیولوژیک از

طرف ما و رفقای پیکار، اخطار رفاط می‌بینی برو

اینکه اگر انتشار گمیمه‌های انتقال ادا می‌باید

ما در سطح جنیش موضعگیری خواهیم نمود، و

اً عتراف نوده‌های تشکیلات ما نندخودداری از

چاپ و توزیع و فروش گمیمه‌های انتقال بوده -

است و اینها عالمی بودند که مانع انتشار

گمیمه‌های انتقال شدند.

ما اذکر نکات فوق را در این مختصر کار

بقیه در صفحه ۴۱

واختلافات به وحدت سیاسی - ایدیولوژیک با سازمان پیکار داشت با فتیم و در حال حاضر در جریان وحدت تشکیلاتی با سازمان پیکار بوده و می‌کوشیم تا اینها مبروس وحدت (ادغام تشکیلاتی) درستگر تشکیلات کم‌ویستی سازمان پیکار به می‌زده خود را مددھیم.

پیش‌بسوی وحدت جنبش کم‌ویستی

بخشی از وحدت انتقالی برای آزادی طبقه‌کارگر

۱۶ دیبهشت ۱۴

این حالت بخصوص با توجه به مبرم بودن امر وحدت در راستا با سخنگویی به نهادهای مبارزاتی نوده‌ها امری که ملا نادرست و نشانده شده است. سکتا رسیم و عقب مادگی محفلی است، برآسان چنین اعتمادی و با توجه به مجموعه موضع سیاسی

- ایدیولوژیکمان به این نتیجه رسیدم که:

- دیدگاه اول ضمیمه انتقال با برخورد

نیمه‌نشود - نیمه مستعمره‌ای به ساخت جامعه

و اعتماد به نظاوماً است، با ارزیابی از حزب

جمهوری و روحانیت بعنوان نماینده مناسب

فتووالی و ما قبل سرما به داری، به تاکتیک

حاکمه معتقد بوده و با انحلال طلبی و تزدروان گذار

مرزبندی نداشت، دیدگاهی را استروانه با

گروایش عمیق رویزبینیستی می‌باشد.

- دیدگاه دوم ضمیمه انتقال با تبلیغ تز

دوران گذار، با نفی دستا و رده‌های جنبش

کم‌ویستی و اشاعه نظرات با سیفیستی دیدگاهی

اشحال طلبانه و با سیفیستی - آکادمیستی

می‌باشد، این دیدگاه در برخورد با ساخت جامعه

قدرت سیاسی نظرات را است و رویزبینیستی خود

را در پس غبارگلیظی از آبها مات و نارا شیهای

جزشی به نهاد می‌گذاشد.

- دیدگاه سوم ضمیمه‌های انتقال دیدگاهی

است با گروایش انتقال طلبانه، که علیرغم

داشتن مرزبندی با برخی جلوه‌های انتقال طلبی

هویزبیندا نقداً نقلایی و ریشه‌ای انتقال طلبی

دست نیانه است، در عرصه ساخت و برونا می‌باشد

قدرت سیاسی با اعتماد به اینکه حزب جمهوری

نهایت بورژوازی سوداگر می‌باشد (دیدگاه سوم

سرما به سوداگرها مناسب است ما قبل سرما به داری

میداند - رجوع شود به ضمیمه انتقال)، در حقیقت

شانه به شاهدیدگاه اول ضمیمه انتقال می‌باشد

وکرایات را است روانه خود را زیرپوشش انتقال

وابها مودوپله‌گلوبی می‌نمایند.

- مابا موضع سایر نهادهای دوران جنبش

کم‌ویستی از جمله رفقای کومله، رزمندگان

نبردو... مرزبندی‌های اساسی و مشخص داشتند

هم نشوریکه ذکرشا آنچاهکه ما بین موضع

خود و موضع رفقای پیکار اختلف اساسی نشی

دیدیم به طرف سازمان "پیکار در راه آزادی طبقه

کارگر" سمتگیری کردیم، ولی روش سودکه این

همدیگر (هم از طرف ما وهم از طرف رفقای پیکار)

نمی‌توانست به معنی وحدت سیاسی - ایدیولوژیک

با سازمان پیکار رباشد، بدین لحظه ما بآذارایکه

با انتقال طلبی مرزبندی کرده و انتقالات

اساسی خودمان را با دیدگاه‌های او و ۲ فرموله

کردیم و بروون تما رفقای طیف سوم بررسیم از

نظر تشکیلاتی نیز مناسب است معینی بین خودمان

برقرار رکرده و طی جلسات متعدد با رفقای پیکار

و تدقیق موضع و برخورد دقيقتر به موضع

سازمان پیکار رونیز برخورد همه جانبه ترقیاتی

پیکار ره موضع ما، روش شدن پاره‌ای اهیات

مدا ندکه اگردا شنکا هها با زشوند، دا نشویوا
انقلایس با زهمان را به سنگر آزادی بسدل
میکنند، منتهی او میکوند با طلوکبری از فعالیت
سیاسی و حتی استفاده از راگا نهای سرکوب،
مسئله راحل کند. او واقعه تما فعالیت
دا نشویوان انقلایس را مانندشا هخان فضولی
می شوند:

۱) بن کاریک مقدار خروج دارد که باشد
 استادان عزیز و گرامی این خروج را تحمل کنند.
 البته داشتند شخوصیان هم کمی فضولی خواهند کرد.
 (انقلاب اسلامی ۱۳ اردیبهشت پاکیدا زمان است)
 ۲) افشاگری جنایات حزب جمهوری اسلامی،
 بنی صدر و آیت الله خمینی فضولی است و سراسی
 همین هم هست که بنی صدر از شرکت در کشتن را بین
 "فضولها" که دروازه فرزندان خلف رحمتکشان
 ایران نشاند را اول اردیبهشت ۵۹ نه تنها ۱ حساست
 پیشماش نه نعنی کند، بلکه آن زاده مجموع مثبت
 انتقام را میکند.

زیرا اینکه از سال گذشته من پیشیما نمایم
با بدینکویم که خبر چرا؟ بدلیل اینکه هیچ چیزی
در این جهان بدون قایعات جنبه منفی نمیشود
باشد... بس اگرچه حضور مردم در صحنه فایض
دارد، اما اگر بدون مردم، داشتگان و رامی بستند
شما چه میکردید؟ (انتقلاب اسلامی ۱۶ اردیبهشت
۱۴۲۵ - تأکید از ماست.)

آری هدف سرکوب داشجوابان انتقامی و
جلوگیری از فعلایت سپاهی آنان بود، خلاکر
بیش از سی تن دروسا مرا بران به شهادت
رسیدند و دههای تن رخمه و مجرح شدند، این که
عیبی ندارد، هیچ چیزی بدون خایمات منفی
نمیشود. تازه‌اگر من دخالت نمی‌کردم و تودها
را بدآشکار نمی‌آوردم، سرکوب داشجوابان
انتقامی شنها و تنها بدست حزب جمهوری انجام
میشود و من بی کلامی مانند خوب شدکه من هم
در این سرکوب اعمال قدرتی کردم. آری این
است کلامی بینی مدرخاش.

بدين ترتیب هرچندکه بنی مدرمیکوشند
دستا نش را بشوید . اما بگاه ارتقا عی طبقاتیش
با لاخه "بیندر آب میدهد" و پشت سرمهی صدر
"از دخواه" و خواهان با زکنایی داشتگانه
بنی مدر جلد ، قاتل دانشجویان اول ایدیمهشت
سرکوبگرا رگران و زحمتکنان خلقهای تحت
ستمیدا مشودکه جنایت سال گذشته اش را
تطهیر میکند . دانشجویان انقلابی را "قضول"
میخواهند و میخواهند که تعفین کنندگاردا نگاه
با زشد ، دیگرستگرزا داده شد . سنگر تربیت
متخصصین برای سرمایه داری واستهبا شد .
سنگر لیبرالهای خان بنی شده بمن هرچندکه
بنی مدر میخواهند استان نش را بشوید ، اما با لاخه
اهداف ارتقا عیش اورا لمیدهد . خودر عصر
اختنا و گندیدگی سرمایه داری ، نمیخود به
را حتی بیلاطوس دستان را در آب شست و خود را
تطهیر کرد . بخصوص که بنی مدر لیپرال اگر میباشد
با شخودر از جنایتش مبارکند ، همیورا است ،
هر روز دستا نش را بشوید !

گفتم که این کاری است که شما باید تخمین
بگنید. دیروز (حمد) به بعضی از استادان
همین حرف را زدم. شما بعنوان استاد میتوانید
آن کار را بگنید و با نظرور نیست که بگویید منی.
تو اثیم این کار را بگنیم، بلکه میتوانید.
هذا نجا .

از نظر آقای سپنی مدرستهای سخن گفتند
دا شجوریا ن با یکدیگر آزاد است. آنها میتوانند
بیکدیگر بگویند "چه خبر، متوجه خود را وی؟" و ...
تا زده اند بهم یا این خطا را داشت که بگفته
بنی صدر "یک مسئله‌ای است که منی شود آن را از
بنین برد" و "ای را که منی شود تعطیل کرد".
آقای سپنی مدردر جای دیگر روش ترمیکوید:
"اگردا شنکا محل آزادی بحث است (یعنی)
همان که نمیشود جلوی پرش را گرفت!... پیکار،
ای محل آزادی فعالیت سیاسی هم هست؟ یا خبر
طا هر قصبه‌ای است که بگوشیم که خبر، گفتن از
ماست و عمل کردن از دیگران. (انقلاب اسلامی،
۱۴ اردیبهشت ۱۳۶۰)

پس آقای بینی مدرنسی خواهد داشت
ستگر آزادی باشد. نسبخواه همکانی برای
آگاهی در خدمت توده ها باشد. شما مدعاوی
آفای بینی مدرربا جناح رقیب بر سرداشته اید،
این است که امیخواهید داشتگانها برای سرمه ایده
داری و استهنه و آنکه همکاریها میخواهند،
متخصص تربیت کنند. اور فکر پیچ و مهره های
سرمه بدرازی واستهنه است. علاوه بر آن بینی مدر
که از عشق توده ها به داشتگاه با خبر است، می
خواهد خواست با زکنایی داشتگاه، عواطف ری
کند و توده ها را بسوی خود جلب شماید. در حال لیکه
توده ها، داشتگاه را یعنوان ستگر آزادی می
خواهند، نه دکاری برای تربیت پیچ و مهره های
سرمه بدرازی استهنه. البته آقای بینی صدر

بیانات شهید تقی عباسی

رفیق شهیدتی عبا سی، عفوسا زمان
روزمندگان آزادی طبقه کارگر بود که در ۱۴
اردیبهشت سال گذشته در جریان حمله وحشیانه
رژیم بدکردستان درستندج به شهادت رسیدند
بیزگداشت او که بر مرا برپا در شهیدش رفق محمد
با قرب عباسی در بهشت زهراء برگزرا رشد خواه نداده این
رفقاً و چشمی از خواهدهای زندانیان و شهدای
سازمان ماوون‌نمایندگان گروه کمونیستی نبرد
شرکت داشتند. رفاقتی ما باشنا رحلقه‌گل زیبایی
بی‌داره دوشهید و خواه ندان رو شد شهیدان و
وقراشت پیامی در فرق شهیدتی عبا سی و کلیه
شهدا کمونیست و انقلابی را گرا می‌دانستند
ما در فرق شهید آذرمهر علیان بنی‌کده در این
مرا سم خبورداشت سخنان کوتاهی ایراد کردند
خا خواههای زندانیان و شهدای سازمان پیکار
بیزگداشت دیگر شهادی جنبش کمونیستی و
انقلابی را بیزو وظیفه خودداسته و تا کنون در
مرا سم متعدد بزرگداشت شهیدان شرکت کردند.
گرا می‌بادیا دشدهای بخون خفت خلق!

بیقهی از صفحه ۲۲ بنی صدر ۰۰۰
اما بسیک آزادیخواه شده و سرای داشت که ام
انگ تنساچ می ریزد! سخنرانی هفتگذشته
بنی صدر در هفته بررسی بحران داشتگاه ها "در
دفترها همانگی همکار رسپاهی مردم با رئیسجمهور
در تهران، نمیرنگ پیلاطوس ما باشد" را بود سرای
شتن دست نمیرنگی که کنون ما هیا است پس
از درا قلتی افتادن در حاکمیت و در دست
گرفتن ارکان شهای حساس حکومتی بدست جنای
وقتی، مدتی است زیرا در آمد

رسیب پرستورت سپس شماره داشت .
اما علیرغم این تلاش بنی مدبرای شتن
دست آن از خون دانشجویان انقلابی، در کلمه
به کلمه این سخنرا نی وحشت اوازا نقلابیون و
دیدگاه را ترجیح ایش را نسبت بهدا نشکا همی -
توان یافت، از سکرطه اومیکو شود خود را برگزار
از جنایات رژیم در دادن شکا هها و تعطیلی آن
شکا هدا ردوا ز طرف دیگر بینا به با یگاه طبقاً تبیش
نمیتوانند خواهان سرکوب اینقلابیون در
دانشگاه تباشد. متنبی او این سرکوب را در
لغافه میخواهد و شه عربان و آنکارا مندرج قبیش.
به این سوال و جواب دقت کنید :

”خلی روشن و واضح گوشوند جها بعلی در
روزی که سال قبل بهدا نشکا هدا مده بودید، تسا
گروههای سیاسی دفه تر خود را تعطیل کنند
فرمودید که امروز حاکمیت دولت آستوار شد .
این حرکت خود را باید این امروز خود را بازه
با فعلیت سیاسی دردا نشکا هها چگونه توجیه
میکنید؟

رئیس جمهور: من همین الان هم گفتم که اگر
داشکا ه محل دغا تروا حزا بشود، خود را نشی
کرده است. آن روز هم عین همین حرف را زدم و
گفتم که بخت آزادیک مسئله ای است که می شنیدند
آن را از بین برد. جراحتی داشتیو بان وارد
داشکا ه می شوند به کیدیگر می گویند چه خبر؟ تو

چه خبردا ری ؟ نظر شما چیست ؟ نظر من این است
و.... خوب ، این را که نمی شود تعطیل کرد . ما
اگر داشتکاری دفعترا حزاب و گروههای سیاسی شد ،
دیگر داشتکاری نمیست . برای اینکه آنها جما - ق -
های ذهنی و عینی خود آنها حاضرند و آنها را فرق
بیکنند و بگرسی شمی تو اندر حرفش را بیزند .
(انقلاب اسلامی ، ۱۴ اردیبهشت ۶۰ - تاکید از
ماست .)

پس آقای بنی صدردا شنگا هرا بدون فعا لیت
 سیاسی نیزهوهای انتقلابی میخواهد. او میخواهد
 داشجعوبان انتقلابی فاقددفاتریسی و کتابخانه
 - ها بشند. او میخواهد داشجعوبان انتقلابی
 ستوا نسبده فروش شریات آگاه هکرا نه و بخش
 اعلامیه بپردا زندوخط رطه مین فعا لیت انتقلابی
 است که توافق میکنندان شنگا هم بخون کشیده
 شود و برای سازگاری داشنگا هها سبز از استادان
 تضییف میخواهد که در صورت عدم فعا لیت انتقلابی
 داشجعوبان دادشانگا هها با زشوند. بنی صدر در
 این زمینه میگوید:
 "آن روزها این کار (معنی فعا لیت سیاستی



برای پیروزی کمونیسم لینین در "شنیه همای کمونیستی" شرکت میکند.

نقدها ز صفحه ۲۹ اطلاعیه ۰۰۰
دانسته و توضیح مفصل فناوار حمله جمعیت‌سیدی از بحریات وحدت انتقالی و سرخورد منور و به کواینات مختلف وحدت انتقالی را به آبتد موقول میکنم.

بر جمیع روزهای بدیلولویک را بر افراد شاهد تر نازیم!

"شنیه نتسا مالمت آمردوان سال ۱۹۷۱ ابورتونیسم را استاد مهندسی کارکرد. حالت روحی، سیس به متنی بیک خط و منی و سالارخون به متنی بیک کروه با قشر سورکرایی کارکرد و پای رفیقان شنیده راه خرد و خوده سورزوازی برویش داد. عنان مردمیتو نستند شنیش کارکردی را تابع خود سازندجز از این راه کوکسکنی دانمایند کوشا کلیه کارهای "مسا ملت آمری" فقط دارکرد. برای انتقلاب بروولتاریاشی، این نظایر دملی می‌بود که می‌باشد سربا زکند و سرمه باز کرد. تمام موضوع سزرا می‌است که آسا با بدمل کائوشکی و شرکا، سی کرده جرک این دمل را سام "وحدت" (وحدت با جرک) مجدد او را دستیش کارکری نصود - با استنکده منظور کمک به بیک جنیش کارکرد - با اینکه تویی بروولتاریا رسمی نون آمردند که سقول رفیق لینین "جوادهای کمونیسم اند" و اگر به پیروزی کمال در آن توفیق نیافند - آنکه و فقط آنکه بازکشت به عقب، بازکشت به سوی سرمایه داری غیرممکن و کمونیسم واقعاً شکست ناپذیر خواهد شد.

شنیه های کمونیستی: دریچه‌ای بسوی دنیای زیبای کمونیسم

"کمونیسم عبارت است از بهره دهی عالی تر (نسبت به بهره دهی سرمایه داری) کار کارگران داوطلب آگاه و متحدى که از تکنیک پیشوای سفراه می تما بنسد. شنیه های کمونیستی فوق العاده کار اینها و بمنای آغاز عملی کمونیسم هستند و این بدبده فوق العاده نادری است، زیرا مادر مرحله ای قراردار داریم که "در آن فقط نخستین کامهای برای انتقال از سرمایه داری به کمونیسم بردا شته میشود "... (لینین - استکار عظیم) کسال و نیم پس از پیروزی نکوهمند انتقال سوسالیستی اکبر، هنگامیکه بخشیکها و رتش سرخ برای دفاع از میهن سوسالیستی و حفظ دستاورد های انتقال کمیرا کمیر بر علیه امیر سوسالیستی، وا استکا نشان و نیروهای مرتعج داخلی در جبهه های مختلف، قهرمانانه نشود میگردند: دریشت جمهه کارگران قهرمان نژادی با تلاشی خستگی نا پذیر از رهایی از بیغ سرمایه و جنگ و نیز ساختن جامعه نوین سوسالیستی جسده دیگری گشوند.

در روز شنبه دهم ماه سال ۱۹۱۹، کارگران راه آهن مکوبای کار امامی و مجاهی خودجهت جبرا عقب ماندگی ها و شکوفا ساختن نیروی کار در ساختمان سوسالیسم و بالا بردن بهره دهی کارگران استکاری قهرمانانه، رسمی نودر شووه را شد کارکمونیستی بیا کردند که کارگران آگاه، متعهد کشیده و سه و نوح شناش مددکد کارگران، زمانی که خود به سرعت خوبی خواسته حاکم با شندرجه است ساختن جامعه ای نوین با شیوه تولید ایجاد و تولید سوسالیستی، وا سفر را تولید سوسالیستی، داوطلبانه تقدیم به پیش کذا شد و روزهای استراحت خوبی را تبدیل تجلی کار دسته جمعی دریخت شکوفا بی تولید سوسالیستی و برای مالین دن پیووزه سرمایه داران به خاک تبدیل می‌شوند.

و حتی معمولی دو شا دوش کمونیستها در شنیده های

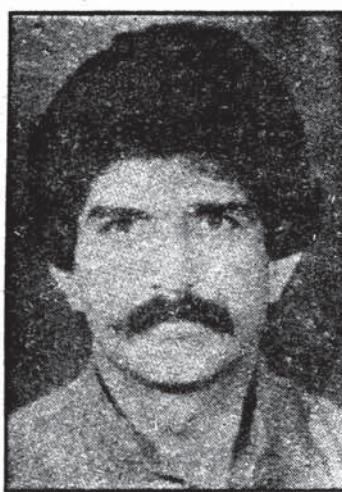
دیگر نیز شرایکاریستند. کارگران شکوفه رنج و مشقت و گرسنگی و قحطی چهار رسال جنگ امپریالیستی را تحمل کرده بودند، برای پیروزی نظم ای اجتماعی نوین سطح بهره دهی را بطریق بسیاری با لایبردند و مفهومی نوین از "کار" بوجود آورده دوست مآثر از شنیده های کمونیستی "نهادند آنان در کار ری بدون مزد برای شما هم محتکان و به نفع جامعه سوسالیستی در عمل خلاصت و شکوفا شی کمونیستی را به نماین کذا شنیده سا با لایبردن سطح بهره دهی کار جهت پیروزی بیشتر و استحکام پدرت کارگری، رویه خلاق کمونیستی را درساختن جامعه ای نوین و نیرومند و فاده ای خود را به آرمان کمونیستی متجلی ساختند.

"شنیده های کمونیستی" زاین لحظه استشنایس گرانشها شی هستند، زیرا در این مورده کارگران معمولی و کارگران راه آهن مسکو - غازان ابتداء عمل شناش دادند که قادرند مانند کارکنیست کارکنند و آنکه بده استکار خود عنوان "شنیده های کمونیستی" دادند. (لینین - استکار عظیم) اهمیت تاریخی "شنیده های کمونیستی" در اینستکه کارگران سا استکار آگاه نهاده داوطلبانه خود دیگر احسان مسئولیت در قالب جامعه سوسالیستی که خود قدرت رهبری کننده آن را دارد دست دارندیا اینجا دشرا بطي نوین در اقتصاد و زندگی و کار بده استحکما موسوسا لیسم قرار و این بخشیده و کماهی اولیه را بسوی کمونیستی بر میدارند. "شنیده های کمونیستی" بر تنشی سا و هدایت سرمایه داری بر علیه کمونیسم خط طبلان

رادیو
”صدای پیکار“

روز بُنگنیه ۱۲ اردبیلهشت بوروی مسوج
متوسط (MW) رسد ۱۶۰۰ کیلوولتریسترا مد رادیو
"مدای پیکار" سپور آزمایشی پخت گردید. در این
برتری مدرای بیندا سرو دادنترنای سیونا نواخته
شد، بعد تبریک اول ماهه، روز جشن کارگران
جهان خوانده شد و با لارخه اعلام سازمان
پیکار و در راه آزادی طبقه کارگر در مورد راهیم‌آشی
ول ماهه "قرار گرفت" رادیو "مدای پیکار"
مدای کارگران و زحمتکشان است و در
برتری مدهای خودخواه دکوشیدتا بذراع نقلاب را
در میان توده های هرجو و سیعتری بپراکند. ما
برتری مده "مدای پیکار" را در آینده عالم خواهیم
داشت.

رفیق محسن فاضل، مبادر قدیمی و یار خلق فلسطین از اد باید گردد!



★ ★ ★

یادداشت‌های شیاسی هفت‌ه

بنی صدر و بازگشائی دانشگاه نقدی بر سخنان هفته‌گذشته

نقدی بوسخنان هفته‌گذشته

بنی صدر در دفتر هماهنگی

در اس طیز، از سیلاتلوس حاکمی مستبد و جلاد
سخن میروند که جون دستور دادیکی از مخالفینش
را که محبوب شوده‌ها بوده‌ای طلیب کشند، در حضور
شوده‌ها دستا نش را مست آنکا دستا ن پا کیزه.
اش را به شوده‌ها نشان داد تا شا بت کند، هیچ
خوشنی برآ نشسته است و در بخون کشیدن
حال لفت، نقش نداشت.

- اکبرپیلاظوں فردای کشتا ردستا ش را می
شوید، ہنسی مدرخا شن ما ھا پس از جنایت اول
اردیبیهشت کوشیدتا دستا ش را زخون دا تشجو۔
بان انتلائی شہیدا دین روزمنا و مت بشیودو
نقش حا سینکارا نہاش را بھمرا ھی حزب ارتھاعی
حکم دے اسلام سے شا بد۔

سپهوری سرمهی بیرونی دارد که میتواند در خارج از تن تولد
دوماً را بدینهشت، ۵۹ که بنی صدر خارج از تن تولد
های نا آنکه در اسدا نشکا کشید و در هنگام میکه
فطرات خون داشتند و شیوه هنوز از زدروز دیوار
دانشکا می چکد، سا غزرو و شخوت فاتح بک جنگ
در دانشکا فربرا داده از مرزو حاکمیت جمهوری
اسلامی استوار شد. (مطبوعات دوم و سوم
ردیمهشت ۵۹) آری بنی صدر حاکمیت دولتش
را محفوظ برخون داشتند و انتقامی استوار
کنندواز این رو بجز استفاده از این سداران و
اویا شان جناح متعدد در حاکمیت باز رود رو

فریق علیرضا رحمانی (شستاپی) فرزند خلق ملوچ آزاد نایدگردد!

تمام تلاش های خانواده ای و پوچخوص مادر ش
برای دریافت خبری از فرزندش بی نتیجه
مانند است. رژیم جمهوری اسلامی که نسبت به
کمونیستها و نقلالاسون اینچنین برخورد میکند
در سراسرا کسیها و عمال خاشن رژیم گذشته
نهایت محبت را برآزمید اراده ای مری عجب
نسبت و ازما هبیت این رژیم سرجشمه میگیرد.

تلخ براي آزادي زندانيان سيا انتقلائي وبلندکردن فريبا دا عتاره آنجلنگه در زندانيهای رژيمجمهوري اسلامي میگذرد وظيفه هم توده های مها زو شروهاي كونسيست و انتقلائي است. ما ز همه کسانی کذا ز موضوعي انتقلائي فريبا داشن روابه نفع زندانيان سيا سى در رژيم شاه بلند ميكردن دميخواهيم که امروز هم عليه رفتاري که نسبت به زندانيان مها ززو

دوما است که رفیق علیرضا رحمانی (شناختی) که در جریان انتخابات مجلس شورای ملی از طرف سازمان ملک آزادی اسلامی پسندگی مورد سروان (بلوچستان) بود در زندان رژیم جمهوری اسلامی اسرائیل است.

رفیق در روز ۲۰ اسفند گذشته در حال لیکے از
تیران عازم زا هدا ن بوده بوسیله چندیا سارکه
آنها نیز به مسافرت میرفتند شناساش میشود.
اتوبوس ساینکه چند کیلومتر از تهران دور شده
بوده به شهر میستانا ل خواهند میگشت داده میشود.
با ظلایعی که یکی از با سداران به کمیته میدهد
با ورود مجدد اتوبوس به شهر میستانا، عمال رژیم،
رفیق راستگیری نمایندگوکویا پس از یک ماه
سازد است در کمیته مرکزی تهران به زندان
اوین استقال داده شده است.

مبادره با امپریالیسم از مبارزه با ارتقای داخلی جدا نیست